

# چوچی

- گزارشی از فستیوال سینه‌ماهی قاشکند
- زیارویانی بر فراز ابرها
- دیوهنجه‌ژوندا و امید بینسو نکی ...

Ketabton.com



تحال سیری شده است خیلی کوتاه است ماز  
همه بیشتر بدم و موضوع توجه داشتم.  
هو ضوع استقرار جمهوریت.  
حل مسائل عده اقتصادی.  
در مر دو قسمت نتایج رضایت پنجه  
میباشد.

دموکریتیک اول که استحکام جمهوریت  
میباشد مشکلی وجود ندارد، برای حل پروبل  
های اقتصادی مذاکرات بامیسون های ممال  
دوست از اتحاد شوری، چکو سلواکیا  
شند و جمهوریت اتحادی المان در چربیان  
است، این مذاکرات قسمی بنتایج مشبته  
خاتمه یافته است آرزو داریم مذاکرات بعدی  
با کشور های دوست نیز به نتایج مشبته منجر  
گردد.

ما مشکلات اقتصادی خود را با مسکن  
مردم خود را کمک های کشورهای دوست حل  
خواهیم نمود.  
س: - در پراگراف اول اعلامیه جمهوریت  
وهم در فرمت های دیگر بیان نمودید که  
برای بیرون وضع مردم مخصوص صابقه محکم،  
کوشان خواهید بود از شما مستکرم اگر در  
زمینه توضیحات ارادیه فرمایند.  
بنده در صفحه ۵

## رئیس دولت و صدراعظم روز ۱۴ احوظ اعازم مسکو گردیدند

نورزاد شاروال کابل، سفرای کبیر دولت  
متوجهه، شارذادیلر و اعضاي سفارت کبیر  
شوری ویشنو نستانی های مقیم کابل که  
برای وداع حاضر شده بودند خدا حافظ  
گردند.

متاعیا بناغلی رئیس دولت و صدراعظم در  
حالیکه لسو درستیز به معیت شان بود  
مراتب احترام گارد تشریفات جمهوری را قبول  
و آنرا معاینه گردند.  
در این موقع وزیر سرود ملی جمهوریت  
افغانستان را نواخت.

بناغلی رئیس دولت و صدراعظم را تازدید  
طیاره بناغلی محمد نعیم، معاون صادرات عظمی  
اعضاي کمیته مرکزی، وزیر داخله، لسو  
درستیز، والی و شاروال کابل و شارذادیلر  
سفارت شوری مشایعت نمودند و سفر به  
عافت برای شان آرزو گردند.  
طیاره حامل بناغلی رئیس دولت و صدراعظم  
و ذوات معیتی شان ساعت دهانه میدان هوار  
بین المللی کابل اوچ گرفت.

در این مسافت بار رئیس دولت و صدراعظم په افغان  
محمد خان جلال روزنیز تجارت، بناغلی علی احمد خرم  
وزیریان بناغلی و حیدر عالله معین سیاسی  
وزارت امور خارجه، بناغلی عبد العلی سلیمان  
معاون ویاست تشریفات بناغلی عبد القیوم،  
منصور معاون شعبه اقتصادی، جگن محمد  
اکبر، جگنون صاحب جان و دوم بریده  
عبدالمجید بعثت یاورها و یکمده دیگر از  
اعضاي تشریفات وزارت خارجه عمران  
میباشند.

همچنان یک هیأت مطبوعاتی هرگز  
از نامه نکاران و فتوتو را پورتر های آزانس با خبر  
و فلم برادران افغان فلم در این سفر بناغلی  
رئیس دولت و صدراعظم عازم اتحاد شوری  
شد.

مصاحبه بناغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدراعظم با نهاده جریده هوری سوئی  
سوئی جمهوریت دیمو کراتیک آلمان

## دارایی عامه باید در دست مردم و دولت باشد

بناغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدراعظم  
ساعت ۱۲ ظهر روز سه شنبه ۷ جوزا ۵۳  
دکتر فرانس کولر نامه نکار خاص جریده  
هفتہ وار هوری سوئی جمهوریت دیمو کراتیک  
آلمان را برای مصاحبه در قصر گلخانه پذیرفتند.  
نامه نکار موصوف ضمن اظهار علاقه مندی و  
استقبال مردم خوبی از اعلام نظام جمهوری  
در افغانستان و آشنازی بمساعی ایکه در بر تو  
نظام جمهوری در کشور ماجریان دارد سوالات  
را چنین طرح نمود.

از زمان اعلام جمهوریت در کشور این  
نخستین سفر بناغلی محمد داؤد رئیس دولت  
و صدراعظم بخارج می باشد .  
رئیس دولت و صدراعظم ساعت ۹ و ۰ دقیقه قبل از  
ظهر بیدان هوابی بین المللی کابل تشریف  
او رده بناغلی محمد نعیم، دکتور محمد حسن  
اورده بناغلی عازم مسکو گردیدند.



بناغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدراعظم قبل از عزیمت جانب مسکو در میدان هوابی بین المللی کابل مراتب احترام گارد تشریفات  
جمهوری را قبول و آنرا معاینه مینمایند .

دیپس دولت و صدر اعظم با استقبال  
گرم زعماء و مردم اتحاد شوروی مواحده گردیدند



ساغلی نیکولای پودگورنی صدر هیات رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی هنگامیکه در عین حال هواپی و نو کواز دیس دولت استقبال می نماید.

جدید سر مایه گذاری بعد از نشر در چهارده  
رسمی نافذ شده و قانون سرعاً به گذاری  
خصوصی داخلی و خارجی منتشره بر ج  
حوت سال ۱۳۴۵ ملغی شناخته خواهد  
شده.

نکشاف سرمایه گرد اری وزارت معدن  
و صنایع با ادارا ت هربو طه اش در تشكیل  
وزارت پلان شامل وامور محو له را اداره  
هر آنکه نهاید \*

منبع گفت مجلس عالی و زرا همچنان  
بپرسیله کرده است تا بمنظور انسجام و  
عهدا نگیری، بیشتر بروزه های انکشافی که

## مسوده قانون جدید سرمايه گذاري داخلی و خارجی منظور گردید

مسوده قانون جدید سر مایه گذاری وزرا تصویب و از طرف بنا على رئیس دولت خصوصی داخلی و خارجی بداخل بیست و چند را غلظ منظور گردیده است .  
سه ماده و پنجم لایحه هنفشه در مجلس عالی باک همچون همین خبر گفت: متن قانون

# رئیس دولت و صدراعظم باز عما

## اتحادشوروی در باره مسائل مورد علاقه مذاکره نمودند

دو بعد از ظهر روز ۱۶ جوزا  
دوام نمود از جانب الفتا نستان  
بنا غلی محمد خان چلا لر  
وزیر تجارت، بنغلی علی احمد خو

وزیر پلان، بنغلی وجید عبدالله

بنغلی علی ویسی و وزارت امور خارجه،

صدراعظم ساعت ده و پانزده دقیقه

قرار اطلاع نایندگان آزادی که

بنغلی نور احمد اعتمادی سفیر کبیر

قبل از ظهر روز ۱۶ جوزا به وقت مسکو از هرام گل گزاری بود

دولت چهارمی افغانستان در مسکو

برآمدگا سیاهی گفتام دران شیر بنغلی محمد داؤد با بنغلی ایوند

ارخیوف معاون صدارت، بنغلی

اندری گرومیکو وزیر امور خارجه،

بنغلی کوزین معین وزارت تجارت

و بنغلی کوبیریف معین وزارت امور

خارجی و بنغلی کساندر هیغاتیلو

ویچ یوزانوف سفیر کبیر اتحادشوروی

مقیم کابل حاضر بودند.

نامه نگاران باخترا علاوه می‌گشند

که بنغلی رئیس دولت و صدراعظم

با ذوات معیتی شان در دعوی چاشتی

اشترالا کردند که از طرف هیات رئیسه

شورای عالی و حکومت اتحادشوروی

در قصر گریملین ترتیب شده بود

که این دعوت بیانیه هایی از طرف

بنغلی محمد داؤد رئیس دولت و

صدراعظم چهارمی افغانستان و

بنغلی پود گورنی صدر هیات رئیسه

شورای عالی اتحادشوروی تعاملی گردید.

در این دعوت بنغلی ایوند بیرون نهاد.

بنغلی پود گورنی، بنغلی کامیکین،

وزیر کابینه و صاحب منصبان ارشد

اردوی اتحادشوروی سفیر کبیر افغانی

مقیم مسکو و سفیر کبیر اتحادشوروی

در کابل نیز شرکت نموده بودند.

قراریک خبر دیگر بنغلی محمد داؤد

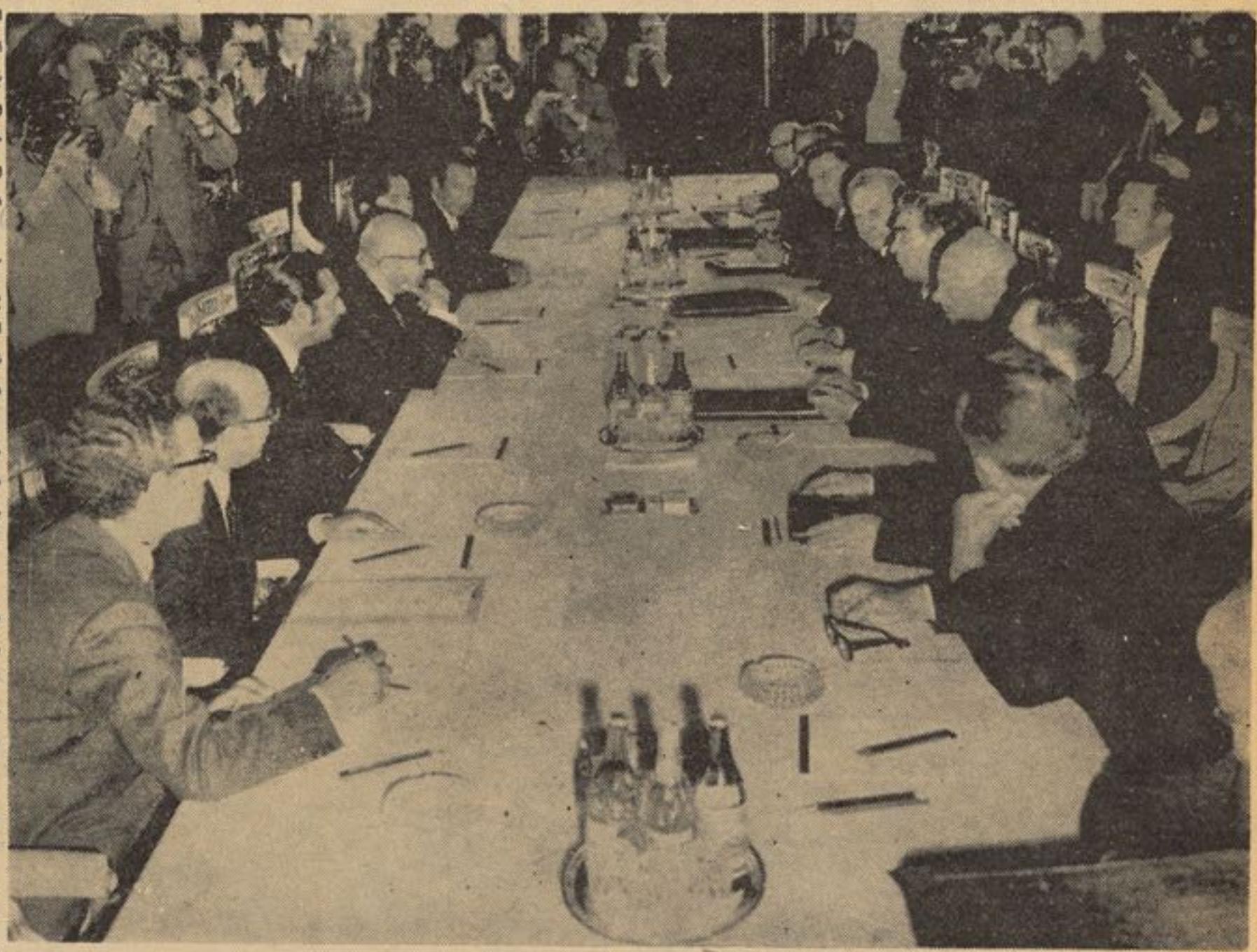
رئیس دولت و صدراعظم و همراهان

شان ساعت هفت شام بوقت محلی از

نایمیش بالتی که در سالون بزرگ

کانکرس مسکو تر تیپ گردیده بود

دیدن بعمل آوردن.



با غلی محمد داؤد رئیس دولت و صدراعظم هنگام مذاکره با زعمای اتحادشوروی در قصر گریملین.

## همن بیانیه رئیس دولت و صدراعظم در دعوی کیکه به افتخارشان در قصر کریملین تو قیب یافته بود

جلالتماب لیو نید بر یز نف!

جلالتماب نیکولای بودگور نی!

جلالتماب کامیکین!

مهمنان و دوستان محترم!

اتحادشوروی یکبار دیگر عنکبوت اتفاق افتاد. در ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ و اتفاق نظرام چهارمی در وطن مابغوب اشکار گردید.

اتحادشوروی در میان دوستان ما اولین کشوری بود که جمهوری دیت افغانستان را برسمیت شناخت. من عقیده دارم که دوستی بین دولت

ها و ملتیا مانه تنها به منفعت هر دو کشور است و نه تنها برای تأمین صلح منطقه که دران زیست میگم است. در این مدت در چهار سیاست جهان بسا

مقدی و موتوری میباشد بلکه به حیث مثال بنیاد این دوستی با شناسایی دیگر گویند بیان آمدولن هیچیک از رسمنی دولت شوروی از دولت مستقل این عوامل نه تنها در صفات دوستی افغانستان به حد نخستن کشور و علاوه نزدیک بین کشور عای ما

همچنان شناسایی افغانستان از دولت تأثیر داشت بلکه این دوستی با شوروی و از معاشرین هیات نایمیش از تحریک تقویت صلح از راه همزیست مسالمت آمیز و همکاری های صمیمانه و همثربین کشورها نایت گردیده است.

عدد معاهده هوت مورخ ۲۸ فبروری عننه علاقه میان افغانستان و

روندون

رسمنی دارم بنای دعوت هیات رئیسی شورای عالی و حکومت اتحاد شوروی برای تجدید تهابی شغصون و خاطره های گذشته بازیافت دولت دوست اتحاد جاهیر شوری سوسالستی از کشور زیبا و همسایه بزرگ خود بازدید می نایم و در این محل گرم و دوستانه موضع میباشم تا مرائب احساسات گرم دولت و مردم افغانستان را برای زعمای محترم و مردم دوست ما اتحاد شوروی افغانستان نایم.

# رئیس دولت و صدر اعظم باز عما اتحاد شوری در فضای دوستانه صورت گرفت

مذاکرات در فضای بسازگرم و  
بناغلی کسی کاسیگین صد راعلم ،  
بناغلی محمد ناؤد رئیس دولت بناغلی گرومیکو و زیر امور خارجه، صمیمانه صورت گرفت .  
و صد راعلم با زعمای اتحاد چاهیر بناغلی یوزا نو ف سفیر کبیر فرار یک خبر دیگر در شبیافت  
شوری، ساعت دوازده ظهر ۱۶ جوزا اتحاد شوروی در گابل و چاشتی که همان روز از طرف شاغل  
بوقت کابل در تالار بزرگ قصر عده دیگر از شخصیت های بر جسته رئیس دولت و صد راعلم دولت  
کویملن مرحله دوم مذاکرات خود را آنکشور اشتراک داشتند .  
جمهوری افغانستان در مهمان خانه دولت  
درباره موضوعات مورد علاقه آغاز  
همچنان در مذاکرات از جانب  
نیکولاوی یودکورنی صدر عیات رئیس  
کردند .

نامه نکاران باخت اطلاع میدهنند افغانستان بناغلی محمدخان جلالرزوی شورای عالی اتحاد شوروی ، بنامی  
این مذاکرات که تاسیعت دو دوام گردید تجارت ، بناغلی علی احمد خرم و قبار کسی کاسیگین صد راعلم ، بنامی  
دران بناغلی یلو نبد بیرون لف هنشی پلان ، بناغلی وجد عبدالله هبین اندوی گرومیکو وزیر امور خارجه و عده  
عده کیته مرکزی حرب کمونیست، سپاسی وزارت امور خارجه و بناغلی دیگر از شخصیت های بر جسته  
بناغلی نیکولاوی یودکورنی صدر هیات نود احمد اعتمادی سفیر کبیر افغانستان عسکری و ملکی اتحاد شوروی سفری  
رئیس شورای عالی اتحاد شوروی، درمسکو اشتراک ورزیده بودند .  
کبیر هردوکشور اشتراک نموده بودند .

## متن بیانیه بناغلی نیکولاوی پود گورنی صدر هیات رئیسه شورای عالی اتحاد حما هیر اشتر ا کیه شوروی

بناغلی محمد داؤد امروز ما از اکشاف دهد . مناسبات اتحاد شوروی تذکر داده بود که ما  
شما و تمام میمانانی که در اینجا حضور افغانستان با منافع مردمان کشور از این اظهار رفایت میکنیم که عنده  
دارند از صمیم قلب پذیرایی میکنیم های مادر هیارزه به خاطر آزادی ، دیرینه بیش از پنجاه ساله مناسبات  
و خیر مقام ییگوییم در اتحاد شوروی استقلال و ترقی اجتماعی و علیه نیک مابا افغانستان همسایه که اکنون  
شمارا به به صفت شخصیت بر جسته سیاست امیر یالیستی و به خاطر تحکیم نیز زمانیکه این کشور یاستانی  
و دولتی بدخوبی می شناسند که در صلح و امنیت بین اقوای استوار است  
اکشاف و همکاری بین کشور های ما و این به معنی آنست که هنا سباق فوت خود باقیست .

سهم بزرگی گرفته اید . هدتهاست مذکور در سال های آینده نیز باتبات ما برای این جمهوریست در راه  
که مناسبات اتحاد شوروی افغانستان بوده و دارای دور نمای اطمینان بخش اکشاف هی اجتماعی مو ثقت از رو  
میکنیم . برای همه واضح است که حل

سرمشق و نمونه حسن همچو ری واقعی می باشد .

کشور های بزرگ حسن استقبال کرده و امیدوار است که این اکشاف

و تطبیق عملی اصل همیستی مسالمت در راه جلوی اسلام

صفحه جدید را در تاریخ خود باز در شرایط صلح آسانتر است . امیر شده است .

اتحاد شوروی در تمام هر احتمال اکشاف کرد مابه آرزو هنریم و نهاده رابطه متقابل بین زندگی داخلی دول

افغانستان بعثت یکدیگر مستقل دایها افغانستان برای عملی ساختن خطیشی و اوضاع عمومی جهان تقویه بیشتر

دوست صمیمی کشور شما بود . چنانچه تجدید زندگی سیاست انتصا دی و من یابد ما اطمینان داریم همه کشور

در دوره ابتدایی دولت شوروی تحت کلتوی کشور و ترقی آینده آن تفاهم های خود و چه بزرگ و همه دل

میباشد .

دولت چمپوری افغانستان بیطری فعال و عدم انسلاخ همراه با قضاوت

آزاد مردم افغانستان را اساس

سیاست خارجی خویش قرار داده و

اگر رفتار زمام داران پاکستان به

همین منوال دوام کند و از خواسته

و صلح در جهان تشخیص نموده است .

نیز زمانیکه مردم شوروی و مردم

افغانستان در ساحه ایجاد واستحکام

گردد و توهه های وسیع به ساختمان

تخفیف تشنگات بین اقوای رفته

با اطمینان چلپ شوند و نیروهایی رفته با اطمینان بیشتر راه را برای

کلتوی مساعدت نموده اند و حالا هم

علاقمندان بطور فعل و در حالت نسبتاً همی به نفع آن کار هی کنند

نمیتوانند است .

این قبل از همه تأثیر قطعی سوسیالیزم

با استقرار نظام چمپوری در ماه همیستگی فعالیت کنند .

با اطمینان هی توان گفت که بشرکت جهانی بر جهان اکشاف معاصر

جویی سال ۱۹۷۳ در افغانستان

مژده افغانستان در راییکه خود است که به اشتراک نیرو های آزادی

مناسبات دوستانه مابسویه بلند تاریخ انتخاب گرده هانند گذشته با همکاری خواهی ملی و بیشتر اجتماعی کار

یافت و اتحاد شوروی اولین کشوری

بود که جمهوریت جدید را بر سریت

شناخت و فوراً اعلام گرد که حاضر مختلف تسبیل یافته هی تواند بوند .

این در آینده مناسبات دوستی و بر یز نیف سر هنشی گمیته مرکزی

همکاری همچو خود را با این جمهوریت حزب کمو نست اتحاد شوروی

فلسطین پشتیبانی کرده و میکند .

طوریکه دوستان شوروی ها هیدانند اشغال سر زمین های عربی به  
بل ده گذشته حیات ملت افغانستان و سیله اسرائیل یک عمل متوجهانه  
در ساحت مختلف آن با بحران عمیق دویزان گذشته هواجه بود که دور نمای  
تا دیگری کنند هواجه بود که از طریق تجاوز بر حقوق  
و همه وظیفه سلطان کشور فراری داد .

ایجاداروش جدید و تغییر بینا دی جدا ساختن منافع اصلی ملت  
را بمنقول تامین ملت افغانستان بسیار مهی و اسراءیل  
سروری هیساخت . در چنین حالات ده سویز و قوای سودیه و اسرائیل  
دهاقدیقی بینا از اراده ملت افغانستان در جولان را قدم مهی داد  
برای سعادت آینده وطن تمهیم گرفتیم  
تائلف نظام چمپوری بیت و دیو کراسی  
داقع و معقول را که هدف اصلی انقلاب  
هارا تشکیل میدهد و اساس آن بر

افغانستان عقیده دارد که حل سوال  
شرق هیا و تامین صلح دوامدار دوین  
خدمت به قاطبه مردم افغانستان برقرار  
منطقه بدون اعاده کامل اراضی اشغال  
باشد بینای گذاریم .  
ملت افغانستان که همیشه به  
شده عربی تامین حقوق شروع مردم  
فلسطین و بازگردانیدن بیت المقدس  
خاطر حفظ آزادی خود مجددات پیش  
زندگان نموده و برای حصول آن از هر  
جیز گذشته است همچنان همچشم است که  
از ازادی خود را برای همیش نگذاشیم  
و حرامت کند . های همان اندازه که  
به آزادی خود احترام هیگذاریم بینان  
پیمانه آزادی دیگران را نیز محترم  
بیشماریم و آروا حق مسلم و شروع  
سان میدانیم . از همین چاست که  
عیشه از حق آزادی پشتیبانی نموده  
کامل این سیاست که مخالف گرامت  
و می نماییم و اعمار و امیر یالیزما  
پسری و اساس اخلاق و عدالت  
به هر شکل ویفای که باشد تبعیض  
میباشد مطابق به فیصله های ملل  
متحد اقدامات جدی و فوری بعمل  
آید .

سیاست تبعیض نیز معتبر  
یکعدد حکومات تبعیض میگردد هنوز هم  
صلح و امنیت در قسمتی از جهان  
را تبدیل میکند . باید برای اعماق  
کامل این سیاست که مخالف گرامت  
و می نماییم و اعمار و امیر یالیزما  
پسری و اساس اخلاق و عدالت  
به هر شکل ویفای که باشد تبعیض  
میباشد مطابق به فیصله های ملل

اگر در این عصر هنوز هم دو لت  
خایی وجود دارند که واقعیت ها را  
دیده گرفته و به تمثیلات ملی کتله های  
در راه تامین حق تعیین سر نوشته  
بسیار وقوع نمیگذارند ، دیر یازود  
مرد مان تحت استعمار برگشان و خداوه  
به خطای خویش پی خواهند برد و  
ملتفت خواهند شد که همکن نیست  
و آزادی مردمان آنها هنجر گردد .  
احساسات ملی را با استعمال قوه از  
الفغانستان از دیانت در روایت  
بنین برد و آترا خاموش ساخت .

چنانچه همه دوستانها اطلاع دارند  
با تأسیس باید اظهار کنم که در موضع  
در نوشت برادران پشتون و پلوچ  
مانه تنها بیبودی حاصل نشده بلکه  
با طرز و روش غیر قانونی و خشن  
که زمام داران پاکستانی در برای بر  
وطن پرستان و مردمان پشتون و پلوچ  
در یکش گرفته اند وضع را دران  
مناطق بیشتر ناقفرار و مشتچ ساخته  
است .

اگر رفتار زمام داران پاکستان به  
همین منوال دوام کند و از خواسته  
و صلح در جهان تشخیص نموده است .  
نیز زمانیکه مردم شوروی و مردم  
افغانستان دینت مستلزم سه همکری  
همه کشورها چه کوچک و جوچه بزرگ  
میباشد .

دولت چمپوری افغانستان بیطری فعال و عدم انسلاخ همراه با قضاوت  
آزاد مردم افغانستان را اساس  
سیاست خارجی خویش قرار داده و

اگر رفتار زمام داران پاکستان به  
همین منوال دوام کند و از خواسته  
و صلح در جهان تشخیص نموده است .  
نیز زمانیکه مردم شوروی و مردم  
افغانستان در ساحه ایجاد واستحکام

گردد و توهه های وسیع به ساختمان  
تخفیف تشنگات بین اقوای رفته  
با اطمینان چلپ شوند و نیروهایی رفته با اطمینان بیشتر راه را برای

کلتوی مساعدت نموده اند و حالا هم  
علاقمندان بطور فعل و در حالت نسبتاً همی به نفع آن کار هی کنند  
نمیتوانند است .

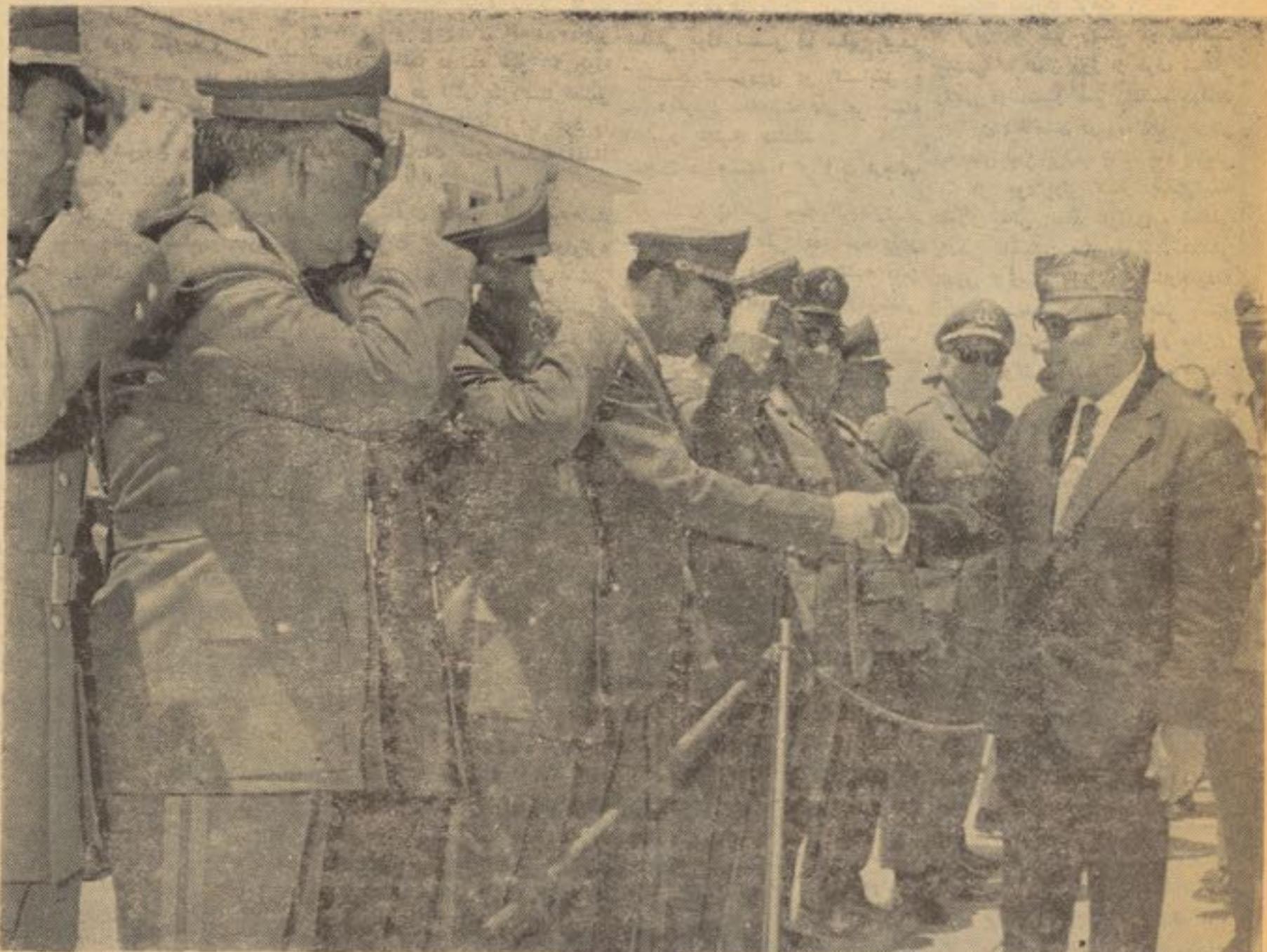
طوریکه همیشیم جریان زمان به نفع  
آزادی، صلح و عدالت تغییر میکند .  
صورت با حسن فکر به مسامی خود  
برای حل مسالمت آمیز این قضیه دوام  
خواهیم داد .

دوستان محترم !  
در مورد شرق هیا و مردم  
افغانستان بر اساس طرقداری از حق و  
عدالت همیشه از حقوق شروع مردم

درین نمایشگاه نموده همه تولیدات جمهوریت ازبکستان اعمان متعنتی، تختیکی، صنایع دستی شامل بود و نقشه های ازان چمپوریت با منابع طبیعی آن و ذخایر آن موجود بود. نامه تکاران با خبر مبنی استند که صدراعظم رئیس شورای عالی و صدراعظم چمپوریت ازبکستان، سکرتریات ویا رئیس شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی و بساغلی سوگی انتونوف و زیر در کابینه مرکزی و رئیس انجمن دولتی اتحاد شوروی واقفانستان به نهادندگی از حکومت مرکزی و زیران کا بینه چمپوریت ازبکستان و بعضی دیگر از شخصیت های آن چمپوریت، سفرای کبیر دوکشور، مصلحان، و افغانی های مقیم تاشکند و همچنان عدد از شهریان آنها برای وداع پاره های ملی ها در میدان عوایی تاشکند حاضر بودند.

صدر هیات رئیس شورای عالی و ریکده از رجال بزرگ چمپوری ازبکستان تائیدیک طیاره بساغلی رئیس دولت و صدراعظم راهنمایی نمودند و طیاره حامل شان در حوالی ساعت یازده بوقت محلی تاشکند جانب کابل اوج گرفت.

بساغلی رئیس دولت و صدراعظم هنگام مصافحه با صاحب منصب ارشد اردوی چمپوری در میدان هوا نمی بود. هنگامیکه طیاره حامل شان فضا را - رخد دوکشور را عبور می نمودندی بلکرامی عنوانی بساغلی بروز نیف هنین کمیته مرکزی حزب کمونیست، نیکولا ی بودگورنی صدر هیات رئیس شورای عالی و بساغلی کاسیکین صدراعظم اتحاد شوروی هرات امتنان شانرا نسبت به پذیرایی گرم و صمیمانه که از طرف زعما و مردم شوروی ملی اقامت شان در آنکشور از ایشان رذوات همسفر شان بعمل آمد ابراز گردید اند.



بقیه در صفحه ۵۹

**بساغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدراعظم هنگام مصافحه با صاحب منصب ارشد اردوی چمپوری در میدان هوا نمی**

بساغلی محمد داؤد رئیس دولت و اعضا کمیته مرکزی، پسر جنرال صاحب منصب ارشد از دوی چمپوری حکومت آتششور روز سه شنبه هفته گذشته صدراعظم بعداز انجام مسافت رسمی عبدالکریم مستفسن لسو درستیز و دکتور محمود حبیبی والی کابل، معاورین به اتحاد شوروی معاشر فرت رسمی نموده و دولستانه به اتحاد جماهیر شوروی شارز دافیر سفارت کیرای شوروی از عالیرتبه ملکی، قضات اداره عالی قضایا و با زعما کشور دوست و همایه ها لند را پذیر فتند قبل از ظهر روز ۱۸ جوزا مع الخیر بساغلی رئیس دولت و صدراعظم سفاری کبیر دول متعابه و اعضا پیرامون مسایل ورده علاقه پرسیسلسه بوطن مراجعت فرمودند. استقبال گردند. سفارت کیرای شوروی و پستونستانی مذاکرات دولستانه انجام دادند. طیاره حامل زعیم محظوظ ماذکور معاذوقات بعدا رهبر بزرگ انقلاب کشور در های مقیم کابل که برای پذیرایی دد بساغلی رئیس دولت و صدراعظم وی میگردید و پازده حالیکه موزیک سرود ملی چمپوری را میدان هواپیمای حاضر شده بودند احوال در راه مراجعت بوطن در شیر تاشکند بساغلی دوکشور و لست سفیر کبیر غیر مقیم ها لند در افغانستان دایرای ملاقات تعارض در قصر دیقه قبیل از ظهر بیدان هواپیمای نواخت هرات سلام گارد نشانی پرسی فرمودند. بساغلی محمد داؤد رئیس دولت و یادداشت اقامت گزیده و قبل از ظهر بین المللی کابل فرود آمد. در نزدیک راقبو و آنرا هماینه گردند. طیاره بنا غلی محمد نعم، دکتور بساغلی رئیس دولت و صدراعظم بنا بدعوت هیات رئیس روز ۱۸ جوزا از نماشگاه پیش رفت دکتور محمد حسن شرق معاون مدارت عظیم متعاقبا با اعضا کابینه، جنرال هاو و شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی و های ملی و اقتصادی ازبکستان بازدید کردند. بساغلی دوکشور عمو می سیاست نیز خاص بودند.

همچنان بساغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدراعظم ساعت ۶ عصر روز ۱۸ جوزا بساغلی محمد حسن التهامی سکرتری امور اسلامی را در منزل شان پذیر فتند.

طبق یک خبر دیگر: بساغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدراعظم تبلکرام تبریکیه به مناسبت روز ملی ایتالیا عنوانی بساغلی جوئی لیون رئیس جمهور آنکشور به روم مجا بهره گردیده است.

به پیش فتها ای اتحاد شوروی در شقوق مختلفه آشنا می سازد.

وزیر اطلاعات و گلکور انتخاب نمایشگاه نکاری را در روز ۱۸ جوزا از داد و دید رئیس دولت و صدراعظم مصروف باز دید

از اتحاد شوروی می باشد قدم هو نیز در تحریم روابطین دو کشور خواند.

نمایشگاه شارز دافیر سفارت کیرای اتحاد شوروی در گلکور از همکاری وزارت اطلاعات و گلکور در تحریم ویر نمایشگاه عکاسی اطیوار خرسنده نموده علاوه گردان نمایشگاه معرفت

پیش رفت های دو صد و پنجاه هزار میلیون نقوص اتحاد شوروی در ساختمان مختلف می باشد.

نمایشگاه عکاسی دیدن نمودند.

بعدا مدعوین از قسمت های مختلف که از طرف آن انس توستی تبیه گردیده.

## بساغلی محمد نعیم نمایشگاه عکاسی اتحاد شوروی را افتتاح نمودند

بساغلی محمد نعیم صدر ارشد اردوی چمپوری نمایشگاه نکاری اتحاد شوروی را به نام سر ز مین (سر ز مین و مردم) در تالار پشتی تجارتی با نیک شوروی مقیم کابل اشتراک نموده بودند. برای تماشا ی این نمایشگاه که به همکاری وزارت اطلاعات و گلکور ترتیب شده است دکتور محمد حسن شرق معاون صدا و سی وکتور شمن بیانیه از روابط حسن و تاریخی افغانستان و اتحاد شوروی وی یاد آورد و دی نموده بعضی اعضا کابینه، دکتر جنرال عبدالکریم مستفسن لسو درستیز و عده از صاحب صفحه ۶

# تصمیم قاطع خل ناپذیر و دامداری ملت میتواند اورایه هدف علی اش رساند

## در دفتر مدیر

بیش از دهین بار است که بدفتر مجله می آید برای اینکه تصمیم دارد به هر نحوی که شده عکس را با مضمونی که در عکس خودش تو شته در مجله چاپ کنیم.

وقی آنروز وارد دفتر شد برخورد سابق را با متصرفی صفحه سپورت نداشت برای اینکه همه کار کسان ژوندون در یک اتفاق نشسته بودند و به مجردورود او تگاه های طرفش راه کشید و استفهم آ میز خیره ماند. او دیگر نتوانست رست بکیرد بطور ساده با متصرفی صفحه سپورت دست داد و آهسته پرسید، بالاخره مضمون و عکس را چاپ میکنید؟

- بلی چایه میکنم شما حوصله داشته باشید.  
ولی من ... خوب ... خدا حافظ

نمی دانم چرا این حالت بیش آمد همیشه که برای یاد آوری نشر مضمون نش بدم فتر می آمد فیکور می گرفت عضلاً تش را تکان میداد تا بتواند خودش را سپورت نمین معرفی کند و ذهن متصرفی صفحه سپورت را بفریبد بعضی در پیرون از دفتر انتظار همکار هارا میکشید گمان میکنم یکی دو مرتبه اخطارهای هم به متصرفی صفحه داده است روز هایی که به دفتر می آید کرتی سرمه ای رنگ می پوشید در سینه اش قیچه را که شاید علامت یکی از بازی های سپورتی است به سینه میزند. او خودش را «بادی بلدر» معنی کرده است و لی خیلی لاغر است. خیلی از همین نظر هم است که متصرفی صفحه نمی خواهد عکس و مضمونش را که از سابقه ده ساله سپورت نمی خود نوشته است چاپ کند و جرأت هم نمی کند که صریح جوابش بدهد برای اینکه تازه سپورت میکند و خیلی هم به سپورت علاقه دارد.

# ژوندون

شماره ۱۲ شنبه ۱۳۵۳ جوزا ۷ ابریل ۱۳۵۳ جمادی الاول مطابق ۸ جون ۱۹۷۴

## قانون سرمایه گزاری خصوصی

در شرایط موجود که شاخص عمدات تولید را در کشورهای تولیدات زراعی تشکیل میدهد و اکثریت مولدهای ما به کارهای زراعتی اشتغال دارند، یکی از شیوه های صنعتی کردن کشور ها ناسر مایه گذاری در سکتور دولتی و سکتور خصوصی جهت رشد و تقویت صنایع میباشد. سرمایه گذاری خصوصی داخلی و خارجی که توسعه دولت حمایه و کنترول گردد در پهلوی سکتور دولتی زمینه را هرچه بیشتر برای اکتشاف سریع صنایع مساعد میسازد.

مسوده قانون سرمایه گذاری خصوصی داخلی و خارجی که از طرف مجلس عالی وزرا تصویب و به منظور رئیس دولت و صد راعیان رسیده است، گام عملی دد جهت تطبیق پلانهای سرمایه گذاری خصوصی در کشور میباشد. قانونی سرمایه گذاری خصوصی داخلی و خارجی که چندی قبل به منظور سرمایه اندوزی داخلی و خارجی بمنصبه اجرا گذاشته میشند هلغی قرار داده شده و مسوده قانون جدید در ۲۳ ماده قابل اجرا و تطبیق میباشد. پرواپن از است که مسوده قانون جدید مترقبی تر بوده و تسبیلات بیشتری را به منظور سرمایه گذاری خصوصی داخلی و خارجی میباخواهد ساخت.

در گذشته در زمینه های مختلف صنعتی طوری سرمایه گذاشته در گذشته در چشم از مختلف صنایع در کشور بسوده صورت گرفته است که متصرف اکتشاف صنایع در کشور بسوده نمی تواند. زیرا فابریکاتی که هم اکنون در کشور فعالیت مینماید قسمت اعظم مواد خام آن از خارجی تورید می گردد. از طرف دیگر فابریکاتی در گذشته احداث و بکار آنداخته نشده است که تولیدات متوازن داشته باشد تا در جهت نفعی و کمک برای تولید موازی مشهر نمر واقع گردد. بهینه ترتیب در گلشته شاهد سقوط بعفی از فابریکات در داخل کشور بودیم که نمایندگی از عدم پلان گذاری درست و عملی، در جهت احداث و تاسیس فابریکات میکند.

باتطبیق و عملی شدن قانون جدید سرمایه گذاری خصوصی داخلی و خارجی در کشو دیگر م وجود است که حق تقدیم به احداث فابریکاتی داده خواهد شد تا نیاز مندی های عده و درجه اول مردم را مرفوع ساخته بتواند. بهینه ترتیب فابریکاتی دو داخل کشور ایجاد خواهد شد که قسم اعظم مواد خام آن در داخل کشور تبیه شود که باین ترتیب نه تنها فابریکه ای دریک زمینه مشخص شروع به تولیدات خواهد کرد بلکه برای تبیه مواد خام نیز وسایل تولید و نیرو های مولده به کار گماشته خواهد شد.

# السلام فرمانی

## عقیده ۵۹۹ طن

صد در صد حتمی بینظیر میخورد ولی  
درین دقایق مرکبار خدایش او را  
نجات نخشید و با یک عزم معجزه آسا  
از خانه بیرون آمد و از جلو نظر  
های ایشان یامتنانت و ثبات رد شد  
وزاه خانه او بکار صدیق را در  
بیش گرفت و در نتیجه این نقش  
اینوه دشمنان را نقشی برآب ساخت  
ب- در غار تور :

بیامبر اسلام (ص) پس از آنکه  
موفقا نه و بدون اندک اذیت در آن  
شب بر خطر یقصد خانه ابو بکر  
صدیق از خانه بیرون رفت همینکه  
وارد خانه ابو بکر صدیق گردید  
بدون معطای و صرف وقت از دروازه  
کوچک عقب منزل بیرون شده و بجانب  
خانه از حدود پنج کیلو متراز  
مکه فاصله دارد برآهافتاد ندوید داخل  
آن غار رفتند .

جوانان قریش که در آن شب  
داخل خانه محمد (ص) رفته واو را  
نیافتدند با عجله و شتاب زیاد بسوی  
منزل ابو بکر صدیق روان شدند با  
این اطمینان که حتما در آنجا خواهد  
بود و چون آنچه رسیدند ویداخل خانه  
حمله کنان پیش رفتند و به طرف  
نظر انداخند و تجسس کردند جزو  
دختران ابو بکر صدیق اثری از دیگران  
نداشند و تهدیدات ایشان در برآور  
دختران ابو بکر صدیق نیز کشید  
نتیجه نداد . از ینرو از آنجا بر  
گشند و سران قریش که این عدم  
موقیت برای شان نهایت درد ناک  
تمام شده بود در جستجوی کسی  
افتادند که در رشته نشان شناسی  
و در یافت بی و آثار قدیم ها مهارت  
عجیبی داشت ، او را پیدا کردند و  
گفتند حتمی و ضروری باید این مشکل  
را حل کند و نشان قدم و بی های  
ایشان را در یابد و در نتیجه سمعت  
حرکت و محل بود و باش آنها را در  
یابد .

قریشان همراه با بن مرد پی  
شناس به طرف برآه افتادند و  
بالآخره نقش قدم های ایشان را تا  
مدخل غار تور رسما نیزند و همچنانجا  
توقف کرد و گفت بضرر قطع تا اینجا  
بقيه در صفحه ۵۷

که در نتیجه طی محفلی که بن پیا  
بدین ترتیب تصمیم اتحاد گردید  
خودت بسوی یتر بدر هو قف های  
نهایت خطیری قرار گرفت که هر یک  
دست بگیرند و بگوشند اصل وریشه جوانان ذلیل با شمشیر های بر همه  
شخوص او و برای مختص ساختن  
جنبش دعوت اسلامی عامل اشی  
موتری بشمار میرفت که در حقیقت  
این کار موفقا نتیجه گرفت آن وقت (ص) را احاطه کرده و مدغز بیرون  
ازین موقعا همه موقف مرگ است و  
ذنگی و تعیین کننده سر نوشست  
نمایش میشوند .

این موقعا ها را بصورت مختصر  
در سه موقف و مرحله عمده و عمومی  
که در زندگی هیچ از زهبران و قایدین  
دنسای پسریت نظری آن اتفاق نیفتاده  
است ، بدینگونه گذارش میدهیم :

**الف- شب نجست در خانه محمد**

بیامبر اسلام (ص) در راه هجرت  
کردند فیصله چنان بعمل آمد تا از تا شخص محمد (ص) را بقتل بر سانند  
اذیت اشخاص بصورت انفرادی همین بود که در حدود یکصد نفر از  
دست بگیرند و بگوشند اصل وریشه جوانان ذلیل با شمشیر های بر همه  
این درخت و بنا محور و مرکز ، این برای انجام این منظور هنگام شب  
حرکت را از عیان بردارند و جو ن اطراف خانه واقع متكا حضور همچند  
این کار موفقا نتیجه گرفت آن وقت (ص) را احاطه کرده و مدغز بیرون  
ازین موقعا او که گروهی اندک آمدن او بودند و از شدت خشم  
اند بطور قطع ازین کردار خویش و غصب لبها زیر دندان داشتند ،  
نادم شده بگوش ای خواهند نشست درین لحظات تمام امکانات نجات  
ومسلمانها خواهند بیو سمت . سلب شده و موقیت دلیران قریش

شجاعیت های بزرگ اسلامی راسع رفی میکند

مولوی عبدالرحیم عینی از دارالعلوم اسدیه بلخ

## حضرت عثمان بن مظعون (رض)

این صحابه مبارز حضرت پغمبر اسلام یعنی  
عثمان بن مظعون که کنیه اش ابو سائب جمعی  
پیش آمد سوء و اذیت قریش قرار گرفته در  
راه خدا تکالیف و محت های زیاد را دید .  
فریشی است که در مکه تولد شده از زمرة  
وزمانیکه پیغمبر اسلام بحضور اصحاب به جنبه  
اند چنانچه بعد از سیزده تن بشرف دین همین  
اسلام شرف شده در هجرت جسته و مدعیه  
با افراد فامیلش دهسپار آن دیدار گردید و درین  
امر هشقات ز یاد را متحمل شده جست قرار  
از اذیت هشترکین رنج عای بسیار وادید .  
گرده است .

زمانیکه در حیثه سکونت داشت خبری داشت  
زمانیکه ابراهیم پسر پیغمبر علیه السلام  
رسیده که قریش در مکه به نزدین محمدی «من»  
وفات نمود پغمبر اسلام فرمود : «بسم الله  
باعثمان ملعون بیوست ..

از رویده الفت و محبت هیان هنریت «من»  
و از رسانی محکم شده است ، همچوین ازین  
هزده نهایت خرسند شده خود و فاعل شانرا  
آنکه بوصش گفته شده است دارد .

این کلمه دلالت به عظمت گوینده و ترس  
هزده نهایت خرسند شش از زمرة همچوین  
به باز گشت بوطن محبوب شان هزده میدادند  
و برای سفرمکه و ملاقات خوش اندان و دوستان  
در پرتو دعوت نیک اسلامی آمادگی گرفتند و  
توسط گشته از جانب غرب بحر احمر به جانب  
شانی بود که شراب داحتی در زمان جاگلیت از  
حرام میدانست چنانچه درباره زمان جاگلیت  
از وی پرسیده شد که چرا شراب نمی توتد ؟

تاریخ می تکارد که وی از جمله شجاعیت  
شانی بود که شراب داحتی در زمان جاگلیت از  
حرام میدانست چنانچه درباره زمان جاگلیت  
در جواب مانند طبیب حاذقی جواب حکیمانه  
و ورقی از آن نموده گفت : من جیزی را که علی  
مرا زائل کند و آنایکه نسبت بمن ادنی تو  
ایست بمن یغند و هم وادر سازد که باعزم  
خود تکاح کنم هرگز نمی نوشم .

بس کسیکه در دوران جاگلیت حین میرتی  
و اداره در صورتیکا از گر و دیگران نگشتهن  
گفت : آیا کسی تو اذیت نموده است ؟ در  
اسلام یا شد چکونه دارای اوصاف نیکوباند  
که به معروف امر و از هر قبیح تیبی بعمل  
برور دگارم سکونت کنم ، و لید براش گفت :  
نمایش بمن مطلعون قبل از دخول پیغمبر  
عثمان بن مظعون ای امام رحمن بن ایشان  
اسلام بدار ارقیم بن ای امام رحمن بن ایشان  
عوف ، ابو سلمه و ابو عبیده بن جراح نزد  
بایقی دارد

قرار یکه اشاره شدسران و بن رگان  
قریش زمانیکه تمام مساعی وتلاش  
خوبی را برای متصارف ساختن  
محمد (ص) از رهی که در پیش  
گرفته است ، بنا کامی و شکست  
مواجه دیدند ووسا بیلی که در دست  
داشتنند عمه بی اثر وفاقد ماند .

تصمیم گرفتند قابه اذیت و از جار  
بیرون او در هر سویه ایکه بودند  
دست زند از ینرو در کوچه ها و  
در هر جایی وقتی کسی را از بیرون  
محمد (ص) می بافتند او را اذیت و  
شکنجه میکردند تا بدهن و سیله از  
بیرون و قبول دعوت او صر نظر نموده  
حیات خوبی را در امان دارند .

این نقشه ضد انسانی و نقشه  
وحشیت و تعاظز نیز موقیعه نگردید  
و هوا خواهان محمد (ص) هما نظر  
در مطابقت و پذیرش دعوت او بدر کمال  
ایشان و قربانی یا فشاری واستقا مت  
نمودند و درین راه هر گونه زجر و  
اذیتی را تحمل میکردند و فقط بخاطر  
حق و حقیقت در مبارزه بودند .

این نمر ماندن این نقشه ها ایشان  
را در بی چاره جویی دیگری انداخت

پر تگاں و متصرفات افسو یقایی،

بعد از استقرار رژیم جدید در به این موسسه نموده است. آخرین باشند وهم گیش بیساو خود یک  
بر تکال و بعد از آنکه حکومتی در آن اطلاعات در زمینه حاکمی از آنست ساقه فقیر و ناوار است. شاید یکی  
حالان در آنگولا : از جمله مسایل عمدۀ مردم آنگولا  
کشور تشکیل شد ، در جمله سایر مقامات بر تکالی مذاکرات خود را ارجاع از علم پا فشاری روی این موضوع  
بعضلات ، مشکل عده ایکه در برابر به نامین آزادی متصرفات آنکشور که مذاکرات در باره هر کدام جدایانه عدم وحدت جبهات مبارزین این  
حکومت آنکشور قرار گرفته و هنوز در افریقا با میلیون موزمبیق و گینی صورت پکیرد این باشد که سر زمین  
هم راه حل نیافته است عبارت از سر بیساو و اندمه میدهند .  
گینی بیساو را با همان فقر و ناداری جدا آگاه داخل فعالیت میباشد که  
نوشت متصرفات افریقایی بر تکال البته قابل یاد آوری است که آن برای سیاه پوستان واکنارند و نه تنها مخالف یکدیگر اند بلکه بعضی  
میباشد . و این امر نه تنها از نگاه مذاکرات درین دوره قریب دو هفته جزایر کب وردی را سفید بستان از گرو پهای آن در داخل خود نیز  
مشکلاتی دارند .

بر نکان و باستند دن این متصرفات بین بین میمیون یعنی بیسند و ماریو و پیر ماری و پیر ماریو از همسایه های آنگولا کشور زایر را رای ارزش یخصوص است بلکه از سوارش وزیر خارجه بر تکال در لندن از جانبی هم گینی بیساو قبل از نظر سفید پوستان رو دیشیا و افر- شروع شده و عنقریب مجدد آغا ز آزادی جود را اعلام کرده و حتی طرفداران جمهوره ها لان رو بر تو میباشد یقای جنوبی واز نگاه سیاه پوستان خواهد شد، همچنان وزیر خارجه ۸۲ عضو موسسه ملل متعدد نیز آن در عین حال موبوتو رئیس جمهور ر این کشور ها و سایر کشور های بر تکال برای انجام مذاکرات با ر بحیث یک کشور جمهوری مستقل زایر آزو ندازد حکومتی تحت رهبری افریقایی نیز اهمیت فوق العاده دارد نماینده گان جمهور فرانسوی مربوط به شناخته اند گینی بیساو بین سینکال جمهوری استینینو نیتو تشکیل شود چه این موضوع در هر دو حالت یعنی متصرفه بر تکال موز مبیق روز چهار و جمهوریت گینی مو قعیت ذارد . این جمهوری از طرف یک عده از کشور در صورت آزادی متصرفات و در شبیه ۱۵ جوزا وارد لو سا کا مر آن او فساع در موذ هبیق : های تعیین طلب قرب و جواز حمایت صورت عدم آن تائیرات و تغییرات زمیبا شده و بعداز دو روز بحث و گر چه در بدرو امر فکر میشود که این جمهوری عده سیاسی و اجتماعی درین مذاکره گفته شد که آنها مذاکرات وضع مربوط به مذاکرات روی دادن خود هم تعیین طلب است . خرد کوشش جهان خواهد داشت . آزادی برای موز مبیق خیلی ترین جمهوری در آنگولا عبارت است دو متصرفه بر تکالی یعنی آنگولا مو ضوع مهم اینجاست که هر دشوار خواهد بود . جمهوری از اتحادیه آزادی ملی و کامل آنگولا و میمه را با دو بیشیا و افر بقایی یک دن متصرف فا- افر بقایی یعنی فبلمه بعض جمهوری آزادی موز مبیق این جمهوری خامه خارجی ندارد .

آنکولا موزیسق و گینی پیسا و که در اوچ مبارزان خود قرار داشت کرده توانسته اند .

راهی را در پیش دارند که جریان به آنکولا موزبیق و گینی بیساو و که در اوج مبارزان خود قرار داشت نفع خود شان تمام شود. بدین شک معضلان خاصی دارند که حل آن یا بدون شنا سایه حق آزادی موزبیق این دو، رزیم اقلیت و تبعیض طلبی است به بر تکال است و طور یکه غنی و متمول بر تکال است و طور یکه بسته به سایر کشور های افریقا بود. این روش آنها مفکرده سینو لارئیس مساعی بخراج میدهدند تا مسایل به وحثی به سایر کشور های افریقا بود. چنان فکر متفقع باشند گان هم مانند آنها در چندی قبل شایع شده بود چنان فکر می شد که بر تکال ر که گفته است مسایل دولت بر تکال ر که گفته است مسایل در گینی بیساو:

آنکولا و موزبیق خاتمه پذیرد. جبکه آزادی افریقا برای گینی بیساو متصرفات باید از طریق مذاکره در عین حال به هیچ وجه نمیتوان وجزایر کپ وردی برای بیش از حل شود نقض شود و از نقش سایر کشور های سیاه دوازده سال درین راه فعالیت کرده حالت مشکلی رابو جود آورده بود. آزادی خواهی آنکولا شاید ناشی از وواضحا به تناسب دیگران امتیازات اما طور یکه معلوم شد تهضیت فریلیمو بوسیت افریقا در امر تغییر و سیاسی درین متصرفه بنفع خود کمایی فعلا حاضر شده به مذاکرات پردازد همین تحول درین موضوع انکار کرد. همین چنانچه ماریو سوارش در لوساکا با مصروف نگهدا شتن آنها به سر کرده است.

اکنون فعالیت برای حل موضوع اوربند و مذاکرات روی آزادی مردمان موضع میهم مورد مذاکره بیش نمایند گان فریلیمو مذکوره کرد. اخلافات خود شان بر تکال درینجا آزادی خواهان گفتند زمینه درین متصروفه از یک طرف در باقی بماند.

ازادی حواهان گینی بیساو و مقامات درین سفر را در تاریخ ۱۷ اکتبر ۱۹۷۲ در تو سای مر بر رمبه در جریان است همین اکنون موسسه بر تکالی این است که نمایندگان حدود دو صد هزار بر تکالی وجود دارد که یقیناً تا میل آنها هائند سایر گینی بیساو میخواهند راجع به دارد که یقیناً تکال بخواهد یا نه، حوزه اتحاد کشورهای افریقا بیانی در موکله دیشو مرکز سومال گرد هم جمع آزادی هر دو ساحه یعنی گینی بیساو از جانبی هم از جمله شخصت هزار متصرفات آرزو داشته باشند یا خیر شده و روی مسایل مربوط بحث و وجزایر بر کپ ورده یکجا مذاکره عسکر بر تکالی در موزمبیق شخصت و بالا خره استعمار عرب چند بخواهد به مذاکره می نمایند. البته یکسی از کنند اما مقامات بر تکالی میخواهند فیض آن سیاه پوست میباشد که حیله و نیرنگ دیگری چند روز سر درین زمینه جدا جدا مذاکره صورت عسکر مذکور دایماً معضلاً تری را زمین را در تصرف نگهدازد، اما مساله سر نوشیت متصرفات افریقا بیانی بر تکال است. چنانچه در پر تو حقیقت این است که اعضای جمهوری حال چون فعلاً راه مذاکره در پیش که امروز یا فردا زود باشند که این حمین حقیقت میباشد که ماریو

سوارش وزیر خارجه بر تکال آرزوی آزادی افریقا برای گینی بیساو اکثر گرفته شده است امید وار یهای غول استعمار از قلمرو های افریقا و ملاقات و مذاکره را با مقامات مربوط از جزایر کپوردی و بر تکالی می برای حل معضلات سایر جاهای جهان رخت بر بند.

از گل احمد زهاب نوری

از گفتگو های اختصاصی زوندون:

# زیبارویانی بر فراز ابرها

بود ، تصمیم گرفتم ، تا ازین طریق  
هم خدمتی به اجتماع کرده باشم و  
هم به آرزویم برسیم .  
دونیم سال قبل بحیث مهما ندار  
طیارات آریانا شامل کار شدم و تا  
امروز بیشتر از یکصد و پنجاه تا  
دوصد بار پرواز کرده ام .  
میگویم :  
هما جان نخستین پرواز را بیاد  
داری ؟

دستی به مو های کوتاه شن  
میکشد ، بعد میگوید :  
بلی ! پس از شامل شدن به  
آریانا کورس مهمانداری را که در  
حدود دو ماه وقت را دربر گرفت  
سپری کردم .  
آن شب که قرار بود فردا با طیاره  
به هوا پرواز کنیم ، تا صبح  
احساس عجیبی داشتم ، من قبیل  
از آن هیچوقت با طیاره سفر نکرده  
بودم ، شادی ، هیجان و ترس همه  
باهم ، تا صبح افکار مرا بخود  
مشغول داشته بود .  
اولین پرواز من با طیاره از کابل  
بسیار دهلی بود و مجموعاً رفت  
و آمد هشت ساعت را دربر گرفت .  
هما لحظه بین سکوت میکند ، بعد  
ادامه میدهد .

از آن وقت به بعد ، سفر های  
هوایی جزوی از زندگی ام شد  
و برایم عادی گردید .

هما نداران طیاره میگوید :  
مهما نداران طیاره میگوید :  
فراتر آوری و سایل را حتی مسافرین  
کمک به بیماران ، رهنمایی آن ها  
در دخول و خروج از طیاره ،  
سر ویس غذا و کار های دیگری  
ازین قبیل ، وظیفه دختران مهماندار  
را تشکیل میدهد .

مهما نداران طیارات ، از راحت  
بودن مسما فران ، احساس شادمانی  
میکنند و از خدمت به آن ها ، لذت  
می برند .

در هر پرواز طیاره های بوینگ  
آریانا چهار تا پنج مهما ندار موظف  
می گردند ، که دو نفر در گیانی  
آشیز خانه و بقیه درین طیاره  
زوندون

هما یوسف :

میانه قد ، خوش اندام ، خنده  
روی ، زیبا ، حاضر جواب و بیک  
کمی هم محبوب ....

دختری با این صفات در برابر  
نشسته و از شغلش ، از خاطراتش  
واز زندگی اش قصه می کند .  
او یو تیفور می ساده و کریمی  
رنگ بتن دارد و قرار است تایک  
ساعت دیگر بایکی از طیارات آریانا  
پرواز کند .

می برسم :

چرا مهماندار طیاره شدی ؟  
دستکش هایش را بیرون می کند  
کمی بالای چوکی خود را جابجا  
کرده ، بعد میگوید :

من بعد از ختم تحصیلاتم تا  
صنف دوازده ، مدتو بحیث معلم  
ضامین اجتماعی ، در یکی از  
مکاتب تدریس میگردم . از یک  
طرف شوق و علاقه زیادی که به  
این شغل داشتم و از طرف دیگر  
پرواز در فضا و مسافرت های  
هوایی برایم نا شناخته و دلچسب

هما یوسف میگوید :

مادر وقت خطر باید بخندیم ، تاروحیه دیگران تقویت شود .  
در یک پرواز طولانی مردمی عاشقم شد و از من خواست تا با او  
ازدواج کنم .

دختران مهماندار ، از را حتی مسافران ، احساس شا دهانی  
میکنند .

عشق چیست ؟ من معنی آن را فهم .

سخنی کوتاه با خواننده :

آنجا ، بالاتر از ابرها ، در سفر های طولانی هوایی ، دختران جوان  
و تحصیل کرده بی ، چون پرواز به هر سو می گردند و برای شما  
خدمت می کنند ..  
آن ها همها نداران طیاره هستند .

د آریانا افغان هوایی شرکت ، از موسسات هوا نوردی  
کشور است ، که با مدرن توین طیارات بوینگ ، تا دور دست  
ترین نقاط دنیا پرواز دارد .  
درین موسسه چهل همها ندار جوان خدمت می کند . که ۲۹ تن  
هستند .

آن ها گفتنی های دلچسب و خاطرات جالبی دارند ، که سر  
ازین شماره می خوانید :



هما یوسف در حالیکه نقاط پروازش را روی نقشه نشان میدهد .

میگوید: فرا نکنورت، لندن، پاریس، روم، استانبول، بیروت، دمشق، دہلی، لاہور، امر تسر، نیپال، مسکو، تاشکند و کراجچی از شهر هایی است که با طیارات آریانا، به آنها سفر کرده ام.

او پیرامون احسان خطر در این  
برواز ها می گوید :  
در یکی از بردازهایی که از  
فرانکفورت به استانبول داشتیم ،  
طیاره نسبت مشکلات فنی  
نمی توانست به زمین بنشیند ،  
نخست و چشمت او را فرا گرفت ،  
رآستی تر سپیده بودم ، ولی وقتی  
بیاد آوردم که یک هیمه ندار وظیله  
دارد تا در سخت ترین لحظات هم  
برای تقویه روحیه مسما فرین ،  
لبخند بیز ند . قرس را فرا موش  
گردم ...

البته جند لحظه بعد گیتان جوان  
افغان با مهارت طیاره را یا لم  
فرود آورد.

از همان یو سف می خوا هم تا  
جالبترین خاطره اش را، برایم  
قصه کند، کمی فکر میکند، بعد  
می خنده، از چهره اش بی بی بردم  
که خاطره جالبی را بیاد آورده، او  
نمگوید:

۶۳ صفحه در یقین



خواسته ای گنند .  
شنبیده ام ، از دراج بران  
مهما نداران طیارات قدغن است ،  
از هما می برسم :

ازینکه از دواج کرده نمیتوانی  
جه احسانی داری؟

رنگش کمی سرخ می شود ،  
بروی چوکی حرکتی می کند ، آنگاه

میگوید: این موضوع برای ماساده است،  
البته درست است تا وقتی که  
مهمازدار هستیم ازدواج کرده  
نمی توانیم، ولی هر وقت خواهیم  
وازدواج کردیم، در عوض  
مهمازداری، در یکی دیگر از شعب  
آریانا منتقل می شویم.

بنایگانی عبدالعلی سرور آمر

وظیفه دختران مهندسا ندار حادمت  
به مساقم ان هر ای است .

وقتی دختری ازدهاچ کند ، امروز  
خانه داری ، بار داری و اطفال باعث  
می شود ، تاوی نتواند ، از همه  
وظایفش بدرستی بر آید لذا  
دختران مهماندر تاوقتی که ازدواج  
نکرده اند به این شغل خود ادامه  
داده می توانند .

وی در دوره سایر شرایط  
مهمازداران طیارات آریانا میگردید :  
سن بین ۱۸ تا ۲۴ ، دانسته —  
لسان انگلیسی . حداقل تحصیلات  
تا سویه بکلوریا از شرایطی است ،  
که مهمنازداران قبل از شمول بکار ،  
باید دارا باشند .

فلشن کمره عکاس برق هی زند،  
چند عکس بی در بی از همامی گیر:،  
بسوی این «هماندار ورزیده آریانا  
» بینم. لبخندی به لب دا رد،  
لبخندی که شاید جزوی از وظیفه  
اش باشد.

می پرسم :  
تا حال در مسافرت هایت به  
کدام نقاط دنیا سفر کرده ای و آیا  
گاهی درین سفر ها احساس خطا  
نمی داشته باشید ؟



ترکیبی از «وزیر راک»، تیاترو

ترجمه: «رقن»

نوشته «ویچارد شایکل»

# در امر دیکا زهیمه‌های تاریخی هنر نوین

حاضران در قطار های منظر

توسط برو جکتور انداخته شده بود

نشسته بودند. بر عکس از آنان

خواسته شده بودند که در کنج و

کنار سالون بکردن وهر آواز یا

شکلی که توجه شان را جلب کند.

خود شان را به آن آواز و یا شکل

بسپارند.

درین نمایش عددی بی چهره های

شان را رنگ آمیزی کردند و گروهی

به رقص پرداختند. با اینهمه به

حیث یک کل حاضران نظم و ترتیب را

بیشکش کنند، زیرا در غیران، به خاطر

نگهداشتنند، نگاهداری نداشتند.

اجرای عمدی کار های هرج و هرج

آمیز چریمه میشدند.

کان هر کدام آهنگی را مینوخت که

گوزد رامیر ساندو «هارپ سی گورد»

یک افزار موسیقی بود که دوره های

شانزدهم و هفدهم به کار میرفت.

در ماه می سال ۱۹۶۹، آهنگسازی

این نمایش، نمایش شکفتی

به نام (جان کیج) و همکارش (لاجا).

(انگلیزی بود: در میانه محل ورزش

رین هیلز) که متخصص کامپیو تر

سالون چندین پرده نیمه شفاف که

بود، اجتماع بزرگی را در سالون

سی هتر در دوازده متر بزرگی داشت

پوهنتون ایلو نویز برگزار کردند

آوریخته شده بود، برین پرده های

تاخستین (ویکانه) نمایش شان را

تصویر های انتزاعی و نیمه انتزاعی

که کار تازه بود، به تما شاگران

میکرد و هفت بلند گوی دیگر آهنگ

هایی را که به دست عفت آربسی

جلوه گری میکرد. در امتداد دیوار

«اج. پسی اس. سی. اج. دی»

سالون نزدیک سقف پرده دیگری

کورد نواز نواخته میشد، در فضای

سالون برآگنده میکرد، این نوازنده

از حروف، همان کلمه (هارپ سی)

برین پرده نیز اشکال گوناگو نسی

که از دیگران فرق داشت.



امروز آدم بدین نتیجه میرسد که در هنر زمان ما به خصوصی در اصلاح متحده امریکا، گونه‌ای ازبی شکلی وارد نظم هنری دینه میشود منظور از نظم هنری همان چیزیست که تا امروز به صورت سنتی شناخته شده است. در دو دعه گذشته، در جشن‌های (فوك) و

(روك) در دسیکو تیک هاو نمایش عای دیگر، تلاش‌های بسیاری دیده شده است تا دیواری که تماساً گزنشونده را از بازیگر واجرا کننده جدا میسازد، در هم ویزد.

همه این تلاشها نمایشگران است که نظامهای سازمانی ما (که مبتنی بر عقل گرایی، ماده گرایی و آزمان یک دموکراسی اسلامی است) با ناکامی رو به رو شده است. البته ناممکن است که بتوان گفت آیا این احسان عبارت است از چگونگی دهنیان در یک جامعه ماقبل صنعتی. اگر چه بسیاری از امریکا بیان کننکری و (مردمان قدیم در وطن) نتوانند تجربه‌های تمام مردم جهان را درین گیرند، تجربه امریکا یا ان را در خود داشته باشد.

در امراه و میلو در امراه.

وقتی در یابد که آنکه - گو تاه سخن اینکه، عقیمه‌ی ساز تموه فرهنگ امریکا بیان در وجود داشت که یک سر زمین تازه آغاز سده نزد هم (ستین فوست طبیعتاً باید اشکال نوین هنری نام دارد، با کیفیت زندگی فرهنگی داشته باشد. در کنار این عقیده امریکا آشناز میتواندشود، کارهای مردم بین باور بودند که این اشکال این آنکساز (مانند خانه من در هنری باشد و اگر

در امراه و میلو در امراه.

از پایان جنگ داخلی تا پیروزی سیستم تمايل عمده در تیاتر بسوی داستانهای رو ماتئیک بود. درین قسمه‌ها تلاشی دیده میشد که بیشتر از پیش به ریالیزم نزد یک شود این میلو درامه‌ها. اگر چه وقتی در جار چوب ادبیات قرار گیرد، خنده آور به نظر میرسد از نظر منظره‌ی

درازی مطلب بود. ازین‌روغا لبا درین امیدی مبهم و شک داریم که این نمایش‌نامه نه تراز یکی بشریت با دیدن نمایش‌نامه یعنی گیج شود. این نمایش‌نامه نه تراز یکی تمايل هنگام نشان دادن قطار آهن خواهد بود و نی کمیدی، نه او پسرا یا حرکت گادی‌ها درنما یشنا مه خواهد بود و نی فارس، نه میلو درام (بن‌هور) خصوصیت‌های بالاتراز از این خواهد بود و نی پانتو یعنی از ریالستیک وجود داشت.

همه اینها خصوصیت‌های عالی در نتیجه تیاتر باکار برد رو ششکفتی انگیزی خواهد داشت. این های تکنیکی و افزار های نور اندازی نما یشنا مه منحله عالی تری را به کار های دست میزد که سینما با معرفی خواهد کرد بین میان آسنی از عینده‌ای انجام دادن آن پسر نمیتواند داد. زیرا این هم حل هنوز میتوانست آمد.

لطفاً ورق بز نید

ولی حقیقتش این است که در باره موجودیت سنت و عنده رادر سر جهان‌گهی خیلی کم میدانند. درست است احساس زمان از دست رفته و عدم که امریکا بیان تاریخ خوانده بودند، موجودیت سنت و عنده را در سر ولی دلمها یشان خالی و ناتوان از زمینی تازه مشاهده کرد. اگر چه احساس وضعیت‌های تاریخی بود البته عنکامی که (نیوا نکلن) شگون. این آنکه برای نما یشنهای تیاتری فان شدو شعردر سر زمینهای جنوب ساخته شده بود، ولی در واقع در امریکا جوانه زد، فرهنگ ادبی اش اتفاق های نشیمن شنیده میشد و اندازه بین نیحاساً تی از گذشته در طرفداران آن خانواده های میانه حالی خود داشت. ولی در هنر های نمایشی بودند که به دور بیانوی خانوادگی گرد میامندند تا بین آنکه گو شن بکایان ناگزیر بودند درین زمینه فرهنگی را بیان فرینند که بر پایه تجربه کسانی استوار باشد که دست اندک کار ساختمان یک جامعه کستردیه بی همه جای سایه افکنده بود این وضع را (ادکار آلن پو) اظهار کرده است: (در مرحله دیگر، شاید بشیریت با دیدن نمایش‌نامه یعنی گیج امریکا تسلطداشت. بر اساس این شود. این نمایش‌نامه نه تراز یکی کمی بود و نی کمیدی، نه او پسرا یا حرکت گادی‌ها درنما یشنا مه خواهد بود و نی فارس، نه میلو درام (بن‌هور) خصوصیت‌های بالاتراز از این خواهد بود و نی پانتو یعنی از ریالستیک وجود داشت.

همه اینها خصوصیت‌های عالی در نتیجه تیاتر باکار برد رو ششکفتی انگیزی خواهد داشت. این های تکنیکی و افزار های نور اندازی نما یشنا مه منحله عالی تری را به کار های دست میزد که سینما با

معرفی خواهد کرد بین میان آسنی از عینده‌ای انجام دادن آن پسر نمیتواند داد. زیرا این هم حل هنوز میتوانست آمد.

در خیال جهان نمیکنجد.



کار گردان نا مدار اتحاد شوروی سینما تخصص نداشت استعدادها ماتر بالیزم بیرون کشد.



**گروه جازنیو اورلئان در سال ۱۹۲۱**  
با ایده آنکو نه که تا ریختن یسی علاقه (محدود به معتقدان طبقه متوسط بود). از دهه بیست تا دهه بنجاه که از طرف مردم به نام موسیقی جاز یاد میشد، پدیده یسی بود (سپید شده) واین پدیده کشش امر یکایران را به سوی ترکیب عناصر گوناگون در یک هنر عام نشان میداد.

تا این هنگام نظام تولید فلم کاملاً صنعتی شده بود پس از نخستین جنگ جهانی در حدود دوازده تولید گر بزرگ به کار ساختن فلمسای درازتر و پر خرج تر سو گرم بودندو به نظر می‌آمد که دوره کارهای فردی در سینما به سر رسیده است. به میان آمدن آواز در پایان دهه بیست مصرف هر فلم را دو چند ساخت و پر طول زمانی که برای تهیه فلم لازم بود، افزود.

### تلوزیون، سلاح آخرین

در سال ۱۹۴۸ کرانه های شرقی با کرانه های غربی تو سط کیبل تلویزیون پیوند یافت. این حادثه رویدادی بود که شاید هنوز هم به ارزش آن درست بی نبرده با شیم لازم است درین باره چند نکته روش شود: از جمله اینکه تلویزیون چیزی بیشتر از رادیو بود. رادیو اگر چه

در آغاز وسائل رقیب را به ترس است. این نگیخت سینما گران می‌بود که درین زمان یا کامیاب نمی‌شدند و یا ناکام می‌بودند قاعده های هنری وجود می‌خورد که به صورت احترام آمیزی نداشت تا کارهایشان برپایه این از موسیقی توده بی پر سرو صدای قاعده ها ارزیابی شود.

به جاست اگر گفته شود که در خواهد بود. اگر گفته شود که درین آغاز سینما تماشا خانه مردم بود. زمان یکانه مو سیقی در ملاء علم شنیده می‌شد، همین مو سیقی پر برای یک و تیم دهه اول به همان سرو صدا بود. این موسیقی در حلقة طبقه تماشا گران سینما تعلق های (مو دب) راه نداشت.

دشتند در نتیجه هرگز در طول به صورت فشرده باید گفت که در

تاریخ، هنر آفرینان تا این اندازه تماش ها، به خصوص در هنر های از نظر ذوق، علاقه و تصویر را به مردمی نمایشی، مرحله ای فرازمندی هنر پذیران نزدیک نبوده اند.

بود که باید کارهای بزرگی صورت گیرد و یک انقلاب فرهنگی کاملی کار گردان امر یکایران، یعنی (گر -

یفیت)، تصویر روشنی از اندیشه و آنچه رخداد، این بود: سینما و

هاوزندگانی امریکا بیان درین عصر مو سیقی مردمی شکل صنعتی

بدست میتوان آورده. او در حالی که به خود گرفت، در حالی که تیاتر

هفته دو فلم می‌ساخت، گرامر فلم را و مو سیقی جدی از واختیار کرد و

ایجاد می‌کرد و تکنیکهای بیوند گری از جریان عمدۀ جدا اقتدار. البته بیش

و فلمبر داری را انکشاف می‌داد از جنگ جهانی اول نمایشنا مه

هنوز هم سینما برین تکنیکهای استوار نویسان بر جسته بی وجود داشتند.



سر گی ایز نشستین، نشان میدهد که جرا در دهه بیست تو جشن را از صحنه بر پرده سینما معطوف گرد.

کادی پار چه پارچه شده و روانده اش راه سینما در پیش گرفت.

در اصلاح متحده امریکا در سال ۱۸۹۶، دروازه سینما ها به روی مردم باز شد و لجیسی مردم را به صورت وسیع برانگیخت و هنوز هم گروه بزرگی را به سوی خود میکشاند بعد تر در زمان ادوین بور تر کمراه های سینما و پر جکتور های بهتری به میان آمد. این پیش رفت های تکنیکی زمینه آن را فراهم ساخت که سینما به حیث وسیله ارزشمندی که دارای تأثیر بزرگیست عرض وجود کند.

فلم دیگر ادوین بور تر که سرقت بزرگ در قطار آهن نام دارد بیرونی بزرگی به شمار می‌رود پیش رفت سینما پس از سال ۱۹۰۳ به اصطلاح اهالی وود، شکفتی انگیز بود تا سال ۱۹۰۶ کم از کم یک هزار سینما در اصلاح متحده امریکا عرض وجود کرد این شماره تا سال ۱۹۱۰ به ده هزار رسید.

برای تهیه فلم برای این سینما ها، دو صد سا زمان تو لید فلم به میان آمد اشکال کار این سا زمانها آن بود که به دست بارزگانان اداره می‌شد. یعنی این بارزگان نان نمی‌دانستند که سا ختن فلم چیزیست بیشتر از پر گردان چندین صد هتر فلم در هفته.

در برابر ظهور رقیبان تازه این سازمان های فلمسازی معا نعمتی وجود نداشت.

یکی از نخستین تاریخ نویسان سینما، به نام بینا مین ها می‌توان احساس کرد که این سازمان های فلم سازی احساس مبارزه با میاز -

فرهنگی که (گر یفیت) کارهای میخواست زندگی و تاریخ را روی بزرگش را در چار چوب آن پدید آورد، فر هنگی بود که می‌بیند اشت به وجود آوردن دگر گونهای بزرگ اصلاحی را به عهده دارد. در همان سالی که فلم حمامی (گر یفیت) تازه برآورده سازد. ها می‌توان می‌گوید که تماشا گران برای خود آمد، کتاب کوچک (ون و یک برو کس) به چاپ رسید که

ندکه از مقدار زیاد قدرت تحریک روشگری و آموزش بر خوردار بود برای مدت کو تاهمی وضع به همان های تازه بینندگان که امریکا را از ورطه پر از تضاد پیو درین نیز م نویساند گان سیاه پوست دیده می‌شد بود و از آنجا که کسی در رشته

بزرگترین این نمایشنا مه نویسان در آغاز وسائل رقیب را به ترس

اندا ساخته بود. ولی در واقع کسی

یا چیزی را به خطر نمی‌نداخت و مانند یک سک خانگی رام شد نی و دست آموز بود. اما تلویزیون، همانند

معاصر خودش یعنی بمب هیدروجنی نداشت. همچنان وضعیتی مو جو د

نیو جین او نیل (بود. ولی (او نیل) که دلچسپی مردم را به کارهای تازه

بی که از خارج می‌اید، برو نگیزد یا استعدادهای داخلی را پرورش دهد

به همین صورت نمیتوان ادعا

کرد که بر خود مردم با موسیقی جاز تماشا کند. تلویزیون پدیده ترس از هنگام علاقه بی تسبیت به سرایندگان

آنکیزی بود. آنچه روی پرده تلویزیون

بقيه دو صفحه

باچشم دیده نمیشود تبت مینماید ستاره سناس کپکسان های موارع دور را نظاره میکند ، پر شک بیمار یها را تشخیص میدهد و میتوانها مردم با دور بین های عکاسی عکسها بر از طبیعت از مردم واژرویدادهای سیم و جالب تریه میکنند ولی اشاعه فوق العاده فن عکاسی در زندگی و علم و تکنیک و مسیر است دسترسی و همکاری شدن آن باعث ایجاد چنین یعنی شده است که آیا عکس و عکاسی را می توان هتر نماید . زندگی به این پوشش پاسخ مثبت داده است . بدینی است هر عکس را نمی توان یک اثر هنری نماید همان طوریکه که هر شکلی را که با قلم موورنگ نقاشی شده باشد ، نمی توان اثر نقاشی نماید .

دوربین عکاسی یا فیلم بر داری عذری نوار فیلم ، اینها همه وسائل موادی هستند که اگر در دستهای یک استاد ماهر و علاقمند با کار قرار گیرند می توانند موجب پیدایش شاهکار های هنری بشوند . زیرا یک عکس خوب هیچ وقت نمی تواند که باجه دوربینی کرده و تقریباً وارد همه عرصه های فعالیت نوع بشر شده است یک دانشمند با گلکس عکس حرکت درات ابتدایی هسته اتم را که

بن مردم شوروی و جمهوری افغانستان سنتهای درین و مستحکم دوستی و مبادرات گستردگی نمایس فرهنگی وجود دارد . همکاری نما یشگاه نکس و خبر گذاری مطبوعاتی تو وستی بنام اتحاد شوروی ، مردم در کامل آغاز میگردد . مردم شوروی برای پیشترانی گرم از سالمندان محمد داؤد رئیس دولت و صدراعظم جمهوری افغانستان که پاک سفر دوستانه در اتحاد شوروی مینمایند سکته .

مردم هردو گشود جمهوری افغانستان و اتحاد شوروی امید وارندهاین سفر و دستانه شاغلی محمد داؤد و ملا فات پاره هران اتحاد شوروی قدم بزرگی دیگر در راه تحکیم روابط دوستانه و همکاری در رشته های مختلف اقتصادی و گلکس باشد .

گشایش نما یشگاه عکس خبر گذاری مطبوعات تو وستی در کابل یکی دیگر از مراحل جریان میم و مسر تبخش گسترش مناسبات فرهنگی میان دو کشور است .

امروز عکس به عمق زندگی انسان هانفوذ گرده و تقریباً وارد همه عرصه های فعالیت نوع بشر شده است یک دانشمند با گلکس عکس حرکت درات ابتدایی هسته اتم را که



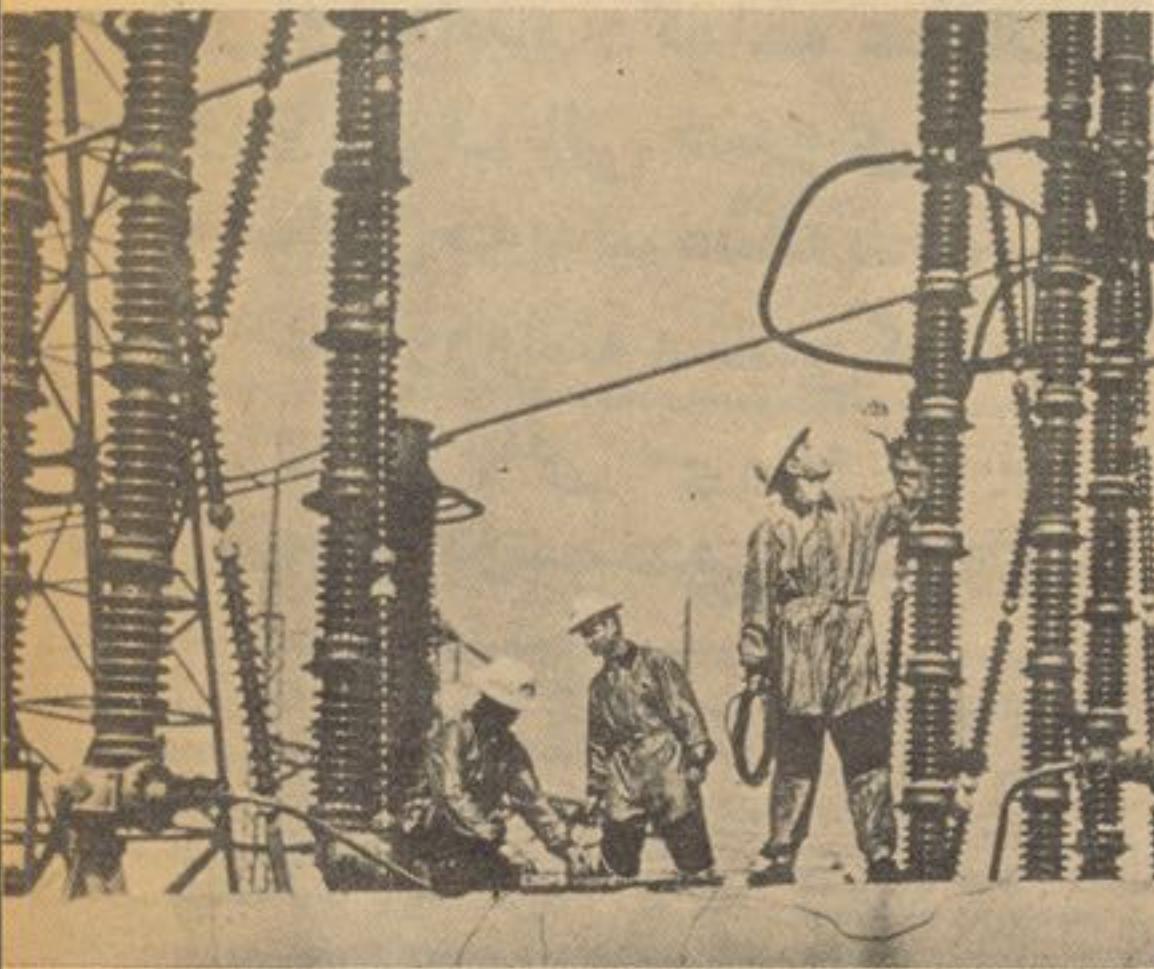
گوزن وحشی در دام عگا مس

## اقدام شوروی - «سرزمین و مردم»

و خطر ناک یخاطر میباشد در برابر دشمنان صحبت کنیم . ما از شما دعوت میکنیم که از خیابانهای شهر های شوروی گذرید . بخانه هانظر اتفکید از مدارس ورزشگاه هاو کارخانه ها و شناور نما دیدن کنید ولی وقیکه شما عکس بالرین رعنای باکوت را در نقش زیبازی رفاسه کازاخ را در باله ایکه از روی فولکلور های ملی تنظیم شده است میبینید . خواهش میکنیم به این نکته هم توجه بفرماتیه که یا کوتیها کازاخ ها مثل بسیاری دیگر از اقوام ساکن اتحاد شوروی تا قبل از استقرار حکومت شوروی نه فقط شناور . ابر او باله نداشتند . بلکه حتی قادر خط والقبا بودند عکس خانوادگی خا نواوه محمد اوف از ایک از این چیز قابل توجه است که اکون تماد پیشگان که تنها درین یک خانواده وجود دارد از جمع پر سکانی که قبل از انقلاب اکنون در تمام سر زمین از تکستان وجود دانسته بیشتر است .

در نما یشگاه ما عکس های «ربوط به مذاہب دوستی و همکاری اتحاد شوروی و جمهوری افغانستان و جود دارد که تاریخ مناسبات افغانستان و مملکت را از اداره مکنده از علامه آغا جکونه دولت خویش را اداره مکنده از علامه آغا بودانش و هنر از شوی طبعی و بیان پرسی آنها از محبت و صمیمت آنان است . نقوش از مقاومت و ایستادگی آنها در قاعده محبت .

توزیع انرژی برق



# کو لمی ستاسی د بدن حساس غری او دیوره گتورد او چتکه دستگاه ۵۵

له سرته رسولو نه وروسته، نتيجه خخه شروع کیپری، خوربنتیا خبره دکتوری غذایه توگه دبدن وینو که داده چه لاغه کار د معنی او خولی رسوبی . هفه زیاتی مواد چدپه کولمو کی زول اود هفو چمتو کول دی. کله پاتی کیپری، ملیونو میلیونو میشلو بکتریا گانو خخه عبارت دی چه د شیره ککره شوه دکولمو خواته خی مخاطی ترشحاتو، سلولزو او نورو مادر و سره یوخاری کولمی به وینو کنیه دهفور له جذبولو خخه ناتوانی کولموته ورسیپری مگر یوه یوته غوره غوبنه بنایی له خورلوا خخه پاتی شویدی .

دکولمی جوی بنت به حقیقت کی خلور ساعته وروسته کولمو ته ورسیپری. هفه غذا چه لمعنی خخه بطبعیت له شاهکار دونو خخه دی کولمو ته رسیپری ، داسیدی زیات خاصیت نری او که کولمی دغفونزیاته برخه له یوه سره داخلی اهکان لری چه دغه اسید د کولمو حساسو داخلیدوتنه زیان ورسوبی او دهفور گتور (انزایمونه) له کاره واقعی .

کولمی په کلکه سره دمعنی د بوری اندغه جوی بنت خان ته بلشنکل غوره کوی، پندهیزی او پندهوالی بی خلور سانتی مترو تهرسینی ترجمه وروسته بیاهمدغه جوی بنت تریخلور مترو پوری بل شکل نیسی چه ویل کیدای شی جوی بنت دیره حساسه برخده، وروسته غته کولمه شروع کیپری چه لابنو مترو نه لبر خه اندغی مادی خخه هره ورخ یو لیتر برصح کیپری او اثناشر ته اه

تونیدو خخه وروسته دمعنی اسید به پاسنی برخه کنیی یعنی هفه خای چه ویو کی کولمه ووته ویل کیپری، کولمی بیخی پاکی اوله هر دول مکروب او بکتریا خخه تشی اویسر اخته کیپری په دی معنی چه دی. علتی بی نادی چه دمعنی (اسید کلورید ریک) تول وزنی او له منخه سوخوی اوتیپی کویی. دنورالمعنی قلیایی ماده په عین حال کنیی دری دوله انزایمو نه لری چه دغه ازرا- ایمونو مؤلف دی بروتین او غور غذاگانی په جذبیدو بیرون دستگاه وبوکار ده مختلفو مکرو بونو د وحش بینی بلای شو په دغه برخه کنیی خه دیاسه پتخوس دوله مکروبونه زوند کوی چه هفو دنفوسو شمیر میاردونو را ایوی سربیره پدی، خنی نور اوبلن مواد هم له تورو برخو خخه ته رسیپری . د غذا هضمی دل لخولی اومعندی کولمو ته تونیپری. مثله هره ورخ کوی او سمسستی انسان وزنی .

پاریدل او رو حی بیو و سیدل، خینی دواگانی او یا بکتریا او نور عوامل لکه خپگان او خوابدی د کولمو عملیات کمزوری کوی یالی خندوی .

که غواری چه په قیرو بیاله پنه حوس کلنی خخه وروسته ستاسی کولمی رو غی رهتی پاتی شی نو لافدنی شپد گتوری لارنسو دنی مه هیروی

کولمی د پدن هفه خور احساس خورکولمی هفه تجزیه کوی او د خپل غری دی چه به خلرویشت ساعته مجهزی فابریکی په وسیله یی په کنیی کرازی نه لری. که کولمی د نورو جذبیدو نکو موادو ایروی چه انسان په پدن کنیی نه واي، هر- کیدای شی بی د کوم خطر له پیدا خومره غذا چه مونی او ناسی خورله ملیونو پرخو ته غذا ورسوبی او دینه په مهندسی ده تو دخه پیدا کری. کولمی د غذا

دانسان دیدن تقریبا نول غری په آرامی او اعتدال سره کار کوی خو کولمی آرامی نه لری او به مختلفو او بیاتو کنیی (هايدرات دوکاربن) لارو او وسایل سره خپل موجودیت نابتوری، یا گکهودی جویوی. یا په خور راشی یا زیات فعالیت کوی او د توول اویدوالی بی نه مترو ته رهی ده هفه خه نه پوهیپری .

کولمی د مرده زیات ارزیست نه لری د هفو عجیبو او بازیستو چارو له امله چه کولمی بی سرته رسوبی دیدن دغه غری باید یوه معجزه را ده اهمیت خوره زیات دی او به پدن وستونکی دستگاه وبوکار ده کنیی دغدا جویولو او غذا رسولو دغایر یکی حیثیت لری. زیاتره که انسان خوری که بی به غذاگانی چه انسان خوری که بی به وروسته به له لوبی میشی. له سلولز دن تازه لوبیا درینبو او نورو رینبو شکل دیدن وینو ته نوزی، دیوه نه پرته هرشی چه انسان و خوری، و زونکی مار د زعرو په شان کار کولمی بی هضمی او د ده هرم کار

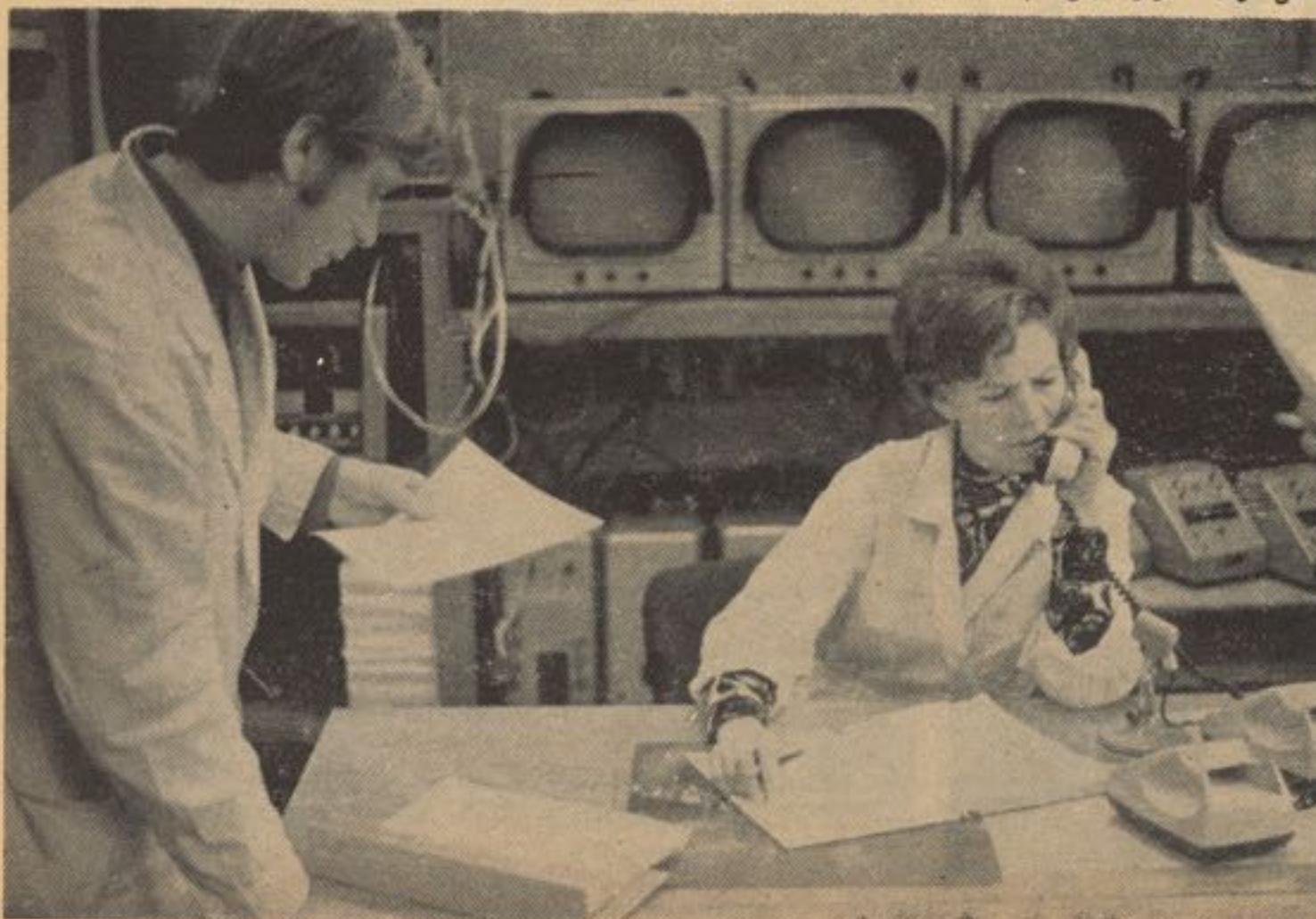
خخه دوغۇ اوپۇدا خىستلۇ چارى لە ۱۲ شخھ تر ۲۴ سا عتۇ پورى اوپىدىرى . مۇغە دادغۇ سر خۇرى يو زیاتە بىرخە درەاشتىها لەمەنخە خى خىكەچە كولمى دەمدەنگى كىللىقى پارىدىنى پە وچە لە كارە لوپىرى نوخكە كەلە چە انسان كەلە كەلە سەتا سى نس پېسىنلى اوخىنى اوازۇزنى ور خخە اورى چە ونە وھى او تر هەفە وختە پورى غذا داپە حقيقىت كېنى كۆمە مەممە پېبىنە نەدە، يوازى يوه اندازە كاز دكولمو پە خىنۇ پېرخۇ كېنى پېيدا كېنى او شى اوا: غذا سره علاقە پېيدا كېرى كەلە كەلە دخىنۇ عواملىو لىكە ناوارى تەندىرى يا پىرلە پىسى روحى نارامىيۇ لە املە دكولمو پە جدا رونو كېنى لۇپى پېيدا كېرى، كە بىخە ھەن تىغە لۇپى، خورب پېيدا كوى، مەكتەنخەنەنەكى نەدى تۈرخۇ چە د انسان دەغلىت پە وچە كەرگىپەن شى او بىدبوپى پېيدا كېرى، هەفە وخت بىيا ناروغى انسان تە پېيدا كېنى. سر پەۋالتىبا، شىخە او سەپەل اندىغى ناروغى لە نېبىمۇ مەنخە دى. پە دەغە وخت كېنى كە كولمى يېخىپەن حال پېيتىبۇدلۇ شى او خۇ ورخى بىرلە پىسى روحى او جىسى استراحت وشى او سادە ۱ وسېكە غذا و خورلە شى، كولمى يېخىلەمەن دەممەنگە املە كەلە چە خۈركەرا وھارپىنى خىنى عواملى شىتە چەپىسايى دغە كار پە چەتكەن سره سرتە ورسىپەنە مەنلا پارىدىل او روحى پېر سېيدل ، خىنى دواگانى او ياخىنى بېكتىريما كانى او نور. نور عواملى لىكە خېگان او خوابىدى ياد ناپىر او غير مقوى غذا كانو خورپىل اصلان كولمو عمليات كەزۈرى كوي يايىسى خەنەپى. پە لومەرى صورت يەعنى دكولمۇ دەعەلىپاتۇ دەچەتكەن سره انسان پە سەپەل اخته كېنى حال داچە پە دوھم صورت كى دەمعدى دوچو الى دىئر احتمال شتە . اندىغۇ دوو نارامىي او نە اندىپول لە املە بىساپىي اسپەل انسان تەزىياتە صىدە ورسىو خىكە چە دېدىن زىياتى او بە ضایع كېپىرى چەدا يېخىلە خىنى نورى نارامى منىخ تە راپىرى. كە خەمم دكولمو پە عملىيا تو كېنى گىلەوجى پېبىنى دەن دانسان دىبارە زىيات سەر خورپى منىخ تە را وپى، خولە بىه

دوه لیتره د خولتی لاید ،  
دری لیتره انعدمی عصر له خیگر خخه  
یوه اندازه صفرا او خهد پاسه؛ یوه لیتره  
د کولمو عصیر چه له زیات شمیر  
داخلی مرغیپر و خخه تر شمع کوی،  
کولمو ته خنی چه په دی حساب هره  
ورخ تقریبا اته لیتره او بلن مسوند  
کولمو ته توئینی .  
که بی له کومو علمی و سایلو  
خخه د کولمو داخلی پر خن ولیدلی  
شی، لیدل کیزی چه د کولمو سطح  
پحملی او پدل شوی شکل خخه  
پوبنل شوییدی، مگر که هیدగه شکل  
ترمکرو سکوب لاندی و کتل شی ،  
لیدل کیزی چه په دغه سطح کپنسی  
زرگونی لوپی او زوری او کندیو نه  
شته. په حقیقت کپنسی که د کولمو  
داخلی سطح هواره واي او کندیو بی  
نه در لواي، د کولمو توله سطح به له  
دومتره مربع نه زیاته نه کیده، خو  
اویس چه د کندیو او لوپی او زوری  
او په اصطلاح اسفنجی شکل لری ،  
بوله سطح بی تقریبا ۳۰ متره مربع  
نه رسینی .

مترجم : ع. «غميرون»

دو ینو د اتفاقاً لو عمليات د کمپيو تر په ۵۰ مويسته قرسره ۵ کيږي

لکتورونو دیه نظر کپسی نیلو سره ۱۹۶۷ کال  
خجه رایه دیغوا یه پوله یسی توگه دشوروی  
عهداات دزیاتی یاملرتنی ود بیلل کپری .  
تجاد دماهر انله خوا دوینودسانلو اویه عاجلو  
و ناخاین مواردو کپسی نارو غانو او مصیبت  
ناخاین بیتبسو ، ترافیکی حادثاتو او د طبی  
خیلر نه دوینو د انتقا لولو یه برخه کپسی  
هر گزونو او ذیر تنوونو دباره ضروری وینی  
یولر خیرتی او علمی تحقیقات مخ یه وهاندی  
در دفعه شنی . دفعه واژ دجواحی د عملیاتو او  
عنده او مانشو مانو یه مرگزونو، ذیر تنوونو  
کیفیت خرنکوالی دیر اهمیت لری چه دیورتیو  
پاتی په ۶۱ مخکی



د گھستو ته ۾ سته دو ٻندو دان تقالياتو یه ٻاب راي ڀورو نه ٻرائي ۾ ڙي.

بەمایی د کلمو دجوپ بىت شاھكار  
بە هەفو مەليونو وپ و کو مکرو سکوپىي  
زىياتى موادو كېنىي وي چە د گوتى پە  
شىكل د كولمو پە جدارونو كېنىي  
شىته دى. دغە مکرو سکوپىي كوللى  
و ئىلېنە لرى چە لە كولمو خەخەغۇزىمىي  
مواد و زېبىنىي اواد بىدن دوييتو جەريان  
اسلو لو تە يى ورسوى ترخو د بىدن  
غېرى ژۇندى پاتى شى. د كولمو پە  
شاو خوا كېنىي خو حسامى غېرى  
شىته دى، دغە غېرى دى سبب كېپىي  
چە پە كولمو كېنىي دوه دولە حرڪت  
پىدا شى - يوهە حرڪت چە پە  
كولمو كېنىي موجود موڭەز دپا ندى  
بىايى او بىل خېپاندە حرڪت چە  
غۇندا گانى دھاضىمە عصىر و سەرە كەپوئى  
كلە چە كولمى دفعالىيت پە حال كېنىي  
وى پە هەرە دقىقە كېنىي لەلس خەخە  
تىر ۱۵ پورى دغە راز حرڪت لرى.  
د كولمىي وپە بىرخە دىيوي غۇندا دھضمۇلۇ  
دىبارە لە درى خەخە تىر پەنخو ساعتۇ  
پورى سخت فعالىيت گوي. وروستە  
لە هەفە كولمىي پاتى شوى ما يعات  
غۇنچى كولمىي تە لېپىي، غىتە كولمىي د  
دغۇ ما يعاتو اوپە جىنبىي او وينو تە  
بى انتقاللىي، هەفە مە چە پاتى كېپىي  
نېيم جامىدە پاتى شوى مواد دى چە  
كولمىي هەفە دوتلى خاى تە نىزدى  
ذخىرە گوي. لە پاتى شوو موادو

از مل احمد زهاب نوری

# اًنکشاف و تسریع ۱۵۰ در

## در کشور



وزیر پست وزارت مخابرات



- قانون جدید پستی افغانستان نافذ گردید .
  - کار عمارت جدید پست و مخابرات تخار، میدان، باد غیس، ارزگان، غزنی وغورات جریان دارد .
  - سیستم مخابرات دا خلی در کشور چگونه است ؟
  - در موزیم پستی، تکت های پستی از زمان امیر شیر علی خان تا حال به نمایش گذاشته شده است.
  - ۱۳۸۳۷۷ - مراسله پستی دو سال گذشته توزیع شده است .
- • •

پست و مخابره دو شعبه ای است قسما در داخل کشور توزیع و قسما که در جهان امروز نقش مهمی به خارج صادر گردیده است .  
داشته وهمه کشورهای دنیا، اعم علاوه (۱۳۸ ۳۷۷) کیلو گرام از پیشرفت، رو به انکشاف و عقب خریطه های ترازیتی، بصورت مانده، به آن احساس نیازمند شدید عبوری، بخارج انتقال داده شده مخابرات، امروز فاصله عای دور است .

را تزدیک و کوتاه ساخته و ارتبا ط معین وزارت مخابرات علاوه میکند: نقاط دوی افتاده جهان را، در زمانی - ۲۸۰۰۰ تکت پستی به کوتاه امکان بدیر گردانیده است. مناسبت های مختلف نیز در سال پست در حیات روزمره بشر به گذشته توسط وزارت مخابرات طبع و حدی تأییر انداخته، که بدون شک نشر شده است .

قطع جریان پستی، باعث سکته امور همچنان افتتاح موزیم پستی در یک مملکت میشود .

در چوکات دولت جمهوری افغانستان اخیر وزارت مخابرات بود افغانستان وزارت مخابرات مستول که دربرتو رژیم توین کشور صورت انسجام و انکشاف وسائل و تأسیسات گرفت .

مخابراتی، فراهم آوری تسهیلات درین موزیم تکت های پستی در امور مخابراتی، تنظیم خدمات افغانستان، از زمان امیر شیر علی پستی و حفظ ارتباط آن در داخل خان تا به امروز به نمایش گذاشته و با خارج مملکت، با طرح و تدوین شده است .

قوانین پست و مخابرات می باشد . انجینیر زاهر از قانون جدید پستی انجینیر عزیز الله زاهر معین وزارت تذکر داده علاوه میکند .

مخابرات ضمن باداوری وظایف عمده - برای انسجام و تسریع امور این وزارت گفت:

- از بدو استقرار رژیم متر قسی روحیه قوانین مملکتی و قوانین پستی جمهوری در کشور، همکام با سایر بین المللی تدوین گردید، که پس از تحولات مملکتی، در ساحة مخابرات طی مراحل آن، از پانز دهم حمل نیز سرعت عمل قابل توجه ای رونما امسال نافذ گردیده است .

معین وزارت مخابرات، ادامه می شد، جنابه در همین مدت (۷۰۷۶) قطعه مراسلات داخلی و خارجی (۱۲۶۹) توسط ریاست پست وزارت مخابرات - تعلیم و تربیه مأمورین پستی در

# دست، تیلفون و تلگراف

تسريع امور پست اهمیت به سزاپی ساحه مخابرات صورت گرفته روشنی ما، به شکل عبوری، تبادله وبعد از سویس، ترکیه، مصر، لبنان، هند وارد، وزارت مخابرات با درک این اندازه بود. پس از کمی تأمل می‌شود آنچه به مرآ جعشن فرستاده می‌شود جایان، اتحاد شوروی، انگلستان، ایران، پاکستان، چکو سلووا کیا، مطلب‌ویا استفاده از کمک های اتحادیه گوید: وی علاوه می‌کند:

- اگر از نصف (۵۰۴) لین جدید سرتی جهانی، یک عدد مامور یعنی

سر پسته افغانستان مستقیم با آن

ها تبادله می‌شود.

پسته های مالک اروپا بی، به استثنای ممالک فوق الذکر از طریق آلمان غربی، طور عبوری توزیع می‌گردد.

همچنان پسته های ممالک عربی از طریق ترکیه، از کشورهای افریقایی از طریق مصر و پسته های شرق دور و شرق نزدیک، به استثنای جایان، از طریق هند ارسال می‌شود البته پسته های که به کشور می‌رسد، چه از طریق زمین باشد، یا فضای نیز به همین ترتیب بصورت مبادله مستقیم، یا از طریق ممالک ارتباطی می‌باشد.

معین وزارت مخابرات پیا سخ سوال، پیرامون سیستم تیلفون و تلگراف کشور، اینطور می‌گوید: - مخابره های تیلفونی بین‌ولایات کشور، از طریق دستگاه چینسل

بقیه در صفحه ۵۶



را شامل کورسی های هجده هفته‌ای تیلفون در شهر کابل و (۳۲۰) لین وشش هفتادی مرکز تربیوی مخابرات در ولایات بکتریم، به پسته کاری و نمود، تا تحت نظر متخصصین، از نصب دستگاه های رادیو تیلفونی تازه ترین میتوود های مسلکی آگاه در کابل می‌رسیم. وزرات مخابرات از طریق اداره

تعديل و ترمیم عمارت پسته خانه آنکشافی ممل متحده یک تعداد دستگاه های میوند وات، پینتو نستان وات های رادیو تیلفونی را تهیه نموده و مکرور یان در مرکز پیشرفت کار که یک قسمت سامان آن نیز بکابل عمارت های پست و مخابرات ولایات مواصلت کرده است. نصب این دستگاه ها در ولایات نیز متعاقبا شروع می‌شود.

از انجینیر زاهر رمود عمارت پسته خانه های ولایات، اینطور توضیح میدهد: میدهد: - عمارت پسته خانه و مخابرات می‌گردد وی در پاسخ این سوال ولایت تخار سی فیصد، میدان ۸۰ می‌گوید:

فیصد، بارگیس ۴۰ فیصد، ارز گان - پسته افغانستان با چند مملکت ۴۲ فیصد، غزنی ۷۰ فیصد، و بصورت تبادله مستقیم صورت گرفته و برای رسما نیدن پسته به سایر نقاط دنیا و به چه ترتیب ارسال می‌گردد. از معین مخابرات میخواهم تا کمی هم پیرامون انکشافاتی که اخیراً در تعیین گردیده اند تا از طریق آن ها مراسلات و پارسل های ارسال لی

# میز مدور زندون

تاریخ: ۱۳۵۷ - نسخه: ۱ - روزنامه: میرزا کنند گان میز مدور در حال بحث و گفتگو

هزارادر چار چوبه تنگی از قیود و عقايد  
تیری فراهم گردد.  
اینک سخن را بشما استادان گرامی  
میگذارم.

استاد فاضل استاد تعلیم و تربیه :

بررسی و ارزیابی معرفت های جوانان  
باتوجه به عوامل گو نا گون عاطفی دروانی  
ازیکسو و شرایط خاص اجتماعی از جانب  
دیگر، کاری است بیشایت مشکل و در خور  
تعمق بیشتر که نهیوان آنرا درجند جمله و  
پاصلعه فشرد و خلاصه ساخت.  
معرفت های جنسی که توانه امیال  
سر کوب شده و خواست های بر آورده شده  
جوانان در همین رده است. عوامل زیادی  
است.

از نظر روانی داشتن تمایل به تعامل و ارتباط  
با جنس مخالف خاص دوره جوانی نیست، این  
علقه از دوران کودکی بدروجات مختلفی و نظر  
به شرایط زمانی و مکانی در احساس دخترو  
پسر جایگزین است.

کودکان سه چار ساله ناخود آگاه و  
لاتصوری دوست دارند همیازی خود را از میان  
جنس مخالف انتخاب نمایند درحالیکه اطفال  
شش تا ۹ ساله هر کدام گروه خود را امیازند  
بعنی دختر بادختر پسر با پسر همیازی  
میگردد.  
در دوره جوانی یکبار دیگر خواست و تمایل  
به تعامل اگاهانه است و شعوری و ناشی  
از پرورت هاویانهای بدنه و عاطفی آنها در  
این دوره احساس جنس قوی است، تند

مخصوص بعفو من فشار و چنین وضعی  
است که برای جوان کمبود های روای نی را  
بار میاورد تولید عقده هی کند و شخصیت  
عاطفی او را ممکن است دریک جهت  
انحرافی سوق دهد.

دختران و پسران جوان مابه علل موناتگویی  
باهمه نیازی که به تماس معقول و عادی دارند  
از عزم دیگر و اهمه دار تنوغال بارخیال و آندشه  
شان از وجود جنس مخالف عیولا میسانند و  
ناموجودی دست نیافتش و رویابی، و این  
موجب میگردد که آنها در عنی تزدیکی از هم  
دور باشند و در آشنازی بیگانه از هم.

صعبت امروز هم در همین مورد خلاصه  
میگردد.

با تو جه به شرایط عینی زندگی  
اجتماعی و نوعه تفکر خانواده ها از یکسو  
و ایجابات زمان برای گسترش دو ایجابات هنگی  
و اجتماعی مشترک میان زن و مرد از جانب  
دیگر آنچه که مورد نظر زندون است  
این است که با چه طرق و شیوه های می  
توان برای جوانان خواه دخترو خواه  
پسر امکانات بیشتری را فرا هم ساخت  
که با استفاده از آن گفتگو دهای عاطفی  
روی شخصیت شان اسرار گذارد و  
زمنه برای رشد، پرورش و انکشاف

زیر نظر گروه مشهوری زندون  
باشتراک

استاد فاضل  
محبوبه محمود

استاد موسی معروفی

میرمن لطیفه کبیر سراج

بناغلی سید یعقوب و نیماز  
بناغلی سر شار روشنی

تجیب الله رحیق و روستا باختی

استاد تعلیم و تربیه

استاد پوهنځی حقوق

معاون و استاد فاکولته حقوق

نطاق رادیو افغانستان

روز نامه نکار و نویسنده مطبوعات

رجیب الله رحیق و روستا باختی



استراک گنند گان میز مدور در حال بحث و گفتگو.

# در خدمت خانواده ها



پدران و مادران از تربیت جنسی و حفظ الصحه جنسی چیزی نمیدانند  
وحتی خانواده های روشن اندیش ما از بازگو نمودن رموز جنسی نزد  
فرزندان جوان خود واهمه دارند

ساده فعالیت مشاورین معارف باید گسترش داده شود و انجمن رهنمای خانواده باید فقط به جلو گیری از تولدات اکتفا نماید

است واتشن است به عین علم و قیاس این احساس سرگوب میگردد هنرجویه عکس العدل عای شدید روانی میگردد و عاطله شختر و با پسربارانچراف میکشاند و حتی ممکن است هنرجویه بمحاری های روانی گردد .  
اینکه این معروفیت ها در مجموع خود زاده کدام عوامل اندازانظرمن بی خبری و عدم آگاهی جوانان از رموز جنسی یک عامل عمدی آن

متاسفانه در هیچ‌جای ممکن ترتیب مسائل  
جنسي و حفظ الصحه جنسی توجیه نگردید  
است، تا هنوز حتی در میان خانواده‌های  
هنرور کسور ما بدران و عادران بخود اجازه  
نمی‌دهند مقابل فرزنداتان براهمون مسائل  
و ضرورت عای جنسی سخن کویند و آنرا نوعی  
تفکر ناسالم می‌یندازند از این رو دختران و  
بران بیشتر در تنهایی باین مسائل  
یا اندیشه‌های اندیشه‌ها کمتر باواقعت

عائلي طبق دارد و همین علتی مکردد بسیاری روایی شدن واژجنس مخالف هیولا و باقر نه ساختن از جانب دیگر باوصفت آنکه دین مقدس سلام به توازن حقوق اجتماعی در رده های خاصی میان زن و مرد توجه داشته و امکانات تماس میان آنان را از نظر مقررات مذکوری تبیین نموده است که لیل واضح آن هم اجازه باقی نهادگزاران نزد مردم در جماعت مساجد ساخته و در طبق

ن و مرد در جماعت میباشد سر این درخواست  
تاریخ د کشود هایشتر به نفع مرد  
سازندگی گردیده و زن بعاظطر ببروی از  
مقاید خاصی که بیشتر خرا فی بوده است  
حکوم گشته و این وضع مو چب گردیده  
و عقده های زن متراکم شده بضرور به عقدنه  
ابت خود کم بینی بدل گردد.  
اکنون او لین گام برای از میان برداشتن  
خنین شرایط همگو ن نمود ن حقوق  
هزایای هان زن و مرد و توسعه روابط  
جتماعی آنها در محدوده مقرر است مل هیں  
اجتماعی و مدنی.

وسع ساختن دایره و چار جوبه روایا  
نمود در رده های اجتماعی و فرهنگی  
در محیط درس و کار واقع متواند در بر  
بر تابعی سود هند در جهت سازند گز  
خصیت های ساکن عالملو گردد که  
نترل مراقبت هاینوز جدی باشد و مدامم.  
اگر فرهنگی از بکسو با اینجاد گلبهادر  
و دن گلبهادرها و معالس فرهنگ و ذوق

پیام‌های کوشا

پیغام بیم محصل پوهنتون کابل :  
لطفا در جریان همین هفته یکروز باداره  
مجله تشریف بیاورید و با اینکه به تبلوون  
۳۶۸۴۹ با مسئول این صفحات تماس بگیرید.  
نامه نعمت رهنما بیشتر شماتوسها گروه مشورتی  
روندون فراهم گردد .

دست عزیز! خودکشی راه عاقلانه ای  
نیست، توصیه مایشما این است که بگوشید  
بن همه احساساتی تباشد، آن انسان ارزش  
سماوار ندارد و بیهوده همان که زود موفق شد دد  
بشناسیدش گذشت زمان بیشما نایاب خواهد  
ساخت که این عشق های گرم و احساس های  
فراطی به همان زودی که داغ میشوند بمردمی  
نمیگردند .

فراموش نکنید گروه روانشناسان و حقوق  
دانان عازم هیچ کمکی برای شهادت پاییه نمیکنند.  
در انتظار تماس تلفونی شما، تشکر  
بساغلی محترم نسـاـ و :  
نظرات شما ابگروه هشودتی سپردهم تادر  
باره آن مطالعه نمایند، اگر ثابت گردد که  
متواند جنبه تطبیقی داشته باشد از آن استفاده  
خواهیم نمود از نامه محبت آمیز شهادت پاسگذاریم.  
محترمـه رـ شـ اـ زـ اـ نـ دـ شـاهـ مـیـهـ ؟

باید در همه موارد هادرشوهران را ملامت مهود، درست است که عده‌ای بیشتر از حد لزوم در زندگی دیگران دخالت میکنند و این دخالت ها و جب بروز کشیدگی های فاعیل میگردند، هادران مورد خاصی که شما نگاشته اید خود تان هم مقصربد، شیک یوشی و پیروی از مد نه ک امر ضروری است و هم بقول شما شما شخصیست ذذذ.

دستوری خواسته شده است که از این روش فکر بیشتر به آرامش خانوادگی توازن اقتصاد فامیل توجه می‌کند.

با آن هم پیش از مساله آمیز و دوستانه  
اداری گنید که ببر صورت اختلافات زن و  
موهربه تصعیم و مشوره خود شان و رهنمایی  
وستانه «آن دیگران» خوبتر میتواند حل

وود . خور سندی شما ازروی هاست .  
بنگلوف م و اس !  
ماهم از شعامتگریم ایشان در این مجله  
نکاری ندارند میتوانید شخصا با خود شان  
ماس بگیرید . خوش باشید .  
ردد . شادی شمار آززو داریم .

رادیو مسؤول تنویر ۹۸ فیصله هر دم راست، هر دمی که جز این و سیله ارتباط جمعی هیچ وسیله دیگری بوای تنویر و آگاهی یافتن در اختیار ندارند

کاستن از حجم هجرو میت هماوجلو گیری از عقده های روانی و تربیت یک نسل متعادل از نظر عاطفی مطالعه کافی لازم دارد.

دوز نامه ها و مجلات و مخصوصاً رادیو برای پرورش فکری جوانان اعم از بسیروختن و راهنمایی بوای ایجاد روابط سالم بین آنان و غایله سنتگینی بعیده دارند.

این تمسیح ها افسون ساخته شود کنترل آن مشکل است و دخترانها به خطرات اجتماعی زیاد نمایند. میتوانند بقول خودشان هیچ اقدامی دریخشن آموزش

برای بود آوری نسل صالمند از نظر روانی همکاری آموزش مسائل جنسی نقشی تربیت دارد و در این مرور خانواده های مخصوصاً پدران و مادران مستولیتی بیش از دیگران دارند.

ذرا دیگر مخصوصاً برای تقویر خانواده

برای آموزش خانواده های تقویر آنها باشد

بسیاری و پیش آمر شرات رادیو افغانستان:

مال بررس شخصیت مال جوان

کار و محیط اجتماعی زندگی و جلوگیری

از تهدید عای روانی دریبت نسل متعادل

از نظر عاطفی لازمه ای افطاله کافی است

درخوان دریختن عای جدایانه و در دوره ها

برای آموزش خانواده های تقویر آنها

فرعنک و کلتوئی یاد آور میگردند و این

درست است. عمارت، مطبوعات، بوعلیان

موسیمات نیوان و انهم رهنمای خانواده و

تمام سازمانهای احتمان و آموزشی ایکنه

پرتریت خانواده های دارند و با مسئولیت

از عیان برداشتند یخنی ایکون میمانی فکری

و دهنر میباشد. همه مأمور مسئولیت فسترن

دارند و وجایب همگون و متابه دران زهنه

خوبترین وسیله ارتباط جمعی است که میتواند فکری نهاد و در سازندگی و یافته دهنده هاکما نماید.

ولی مساله مشکلات و برایلم عای اجتماعی ۹۸ فیصله مردم بسیار و یاکم سعاد بشتر باده دویرو گرامهای رادیو و محتوا آنچه که عرضه میگردد مورد توجه باشد. باین دلیل که این ۹۸ فیصله در شرایط اخلاقی ذهنی سو میبرند روابط فرهنگی ندارند. موسسات اموزش ساقه فعالیت سان درهواکر شان وسیع نمیباشد.

خرافات و گهنه اندیشه و پریروی از رسم درواجها و سنت های ناهم اهانک با شرایط نوزندگی درمان شان ساعت است و تنباویله که هستوارد بزبان آنباوپرایر باقیم اینها محب نهاده و درخانه و درجه های کاریابانها باشد رادیو

است در حالیکه قشر روستکارکه شهلاز برایلم عای آنباشند همکنند گناهانه دارد. گل دارد روابط و سمع فرهنگی و اداری دارد. اخبار و مجله و کتاب های خوان و خود دهنده ناهمی ناریک نسبت و این عادمه باعکس میکند ناهم سع رادیو از این دو فیصله از برایلم ها و مشکلات سان هم درساخه کاربرادرس و حجه در حکمکنی روابط اجتماعی اس بادنکان غافل نبوده است برگرام های جوانان گورنی زوند. بیغی او نوی روزن و بعده ای از برو گرامهای دیگر رادیو و مخصوصاً بعداز بوجود آمدن سرانجام سازه و دریان گنور باعهای خود دریختن های کوئیون زندگی روشنی هیانداز و گوشیده مشود که به تربیت و آموزش و تزویر و آگاهی ناهم خانواده شارز مجموع خود برای خانواده هاکمتر توجه جدی داشته باشد. اما این رسان معنی نسبت که مطبوعات مازواقت است های عین جامعه بگانه باشد و باینکه دران حدروی احساس و عاطفه جوان مائیز هنری گذارد که اوراخیال بال سازد و رقیابی و درورد این گفته آقای معروفی که ادعا دارد نویسنده هایشتر درجه های تقویر

و مخصوصاً زندگی روشنی های تقویر آنها باشد مغارف و بیوهون نیستند که گانون های آموزشی محضی میگردند. محظ خانه. محظ دارند و برای ساخت اجتماعی زندگی محظ درس هر کدام در تاریخی جوان نفس اساسی میگردند و برای بوجود اوری جوان نفس اساسی دارند و برای ساخت اجتماعی جوانان ای هیگذارند. باین دلیل هر کدام از این گانون نیازی ندارد. سرانجام دریختن عای جدایانه و در دوره ها زهنه ای از کودکی تا جوانی را

درهور نش رادیو دریختن های تقویر و مخصوصاً آگاهی دادن به خانواده های همین صحبت سهایگارند. ولی هم خواهم در این موضوع دریختن پیشتری اندازم. رادیو در شرایط خاص اجتماعی های تووجه ایکریت بزرگی که رادیو وظیفه دارد آن را بخود جلب نماید و حس ایجاد شان را به محتواهای بسیار ندارند. بازوجه به شایشه داشتن خرافی و رسم درواجها گهنه محلی

کافی هر روز هوتل سبین زر هر روز از ساعت هشت صبح تا ده شب در خدمت شما.

غذای خوب با سرویس عالی فقط در رستوران هو تل سبین فر.

عیشه بحاظ داشته باشید بهتر و از رانتر این شعار هاست.

مکرر: مر سار روسنی:

مسافه ای در این جلسه بسیار بخت دوز کننات صورت گرفت. نظرات ایجادان مجرم ایادان لاضل و معروفی هم جالب است و ش ارزند. اعماقی معروفی در مورد مطبوعات گذور و ایشانه مطبوعات عافظت در فرم خود نظر نموده است اندکی افراطی صحبت نمودند.

درست است که مطبوعات در همین بخش خاص، درزمه نه برایلم ها و مشکلات خاص جوانان و درزمه نه بوجود آوری سرانجام بیتر برای بوجود آمدن تعاس هاوارتیات سالمتر میان دختران و پسران و در مجموع خود برای خانواده هاکمتر توجه جدی داشته باشد. اما این رسان معنی نسبت که مطبوعات مازواقت است های عین جامعه بگانه باشد و باینکه دران حدروی احساس و عاطفه جوان مائیز هنری گذارد که اوراخیال بال سازد و رقیابی و درورد این گفته آقای معروفی که ادعا

دارند نویسنده هایشتر درجه های تقویر ایشانی است ساعت شرب و رومانتیک من باستناد گفته خودشان که شرایط راسازنده می خوانند این درست هم هست میگوییم که نویسنده ها، سایرها و در مجموع خود ایشان نهضن مطبوعات های مخصوصی است از همین پیغای در صفحه ۶



ورکو او د جمهوری یست تر شنوار لاندی او: خپل دغه جمهوری بیرون گوت کی ریول کیزی، له شور او نه ماتیدونکی عزم سره دیوه بنده زوند به خوا او دیوه هیلی بشونکی ورانتی خی او دنیوه پراوونو خواته لاره باسی، هماغسی چه موی وینو په نپری کی داسی هیادو نه شته چه تاریخی وری او تکامل به دیر و دروسته پاتی شرایطوکی دی او داسی

هوكی، دانی زمود دملی مشر هفه خبری چه زمود وطنواله داهیله ورکوی چه تردی دروسته به یسی زوند بنده کیزی. داپه خه؟ داخو حل کیزی او یواخی بی توپیرو نه اندی لپاره چه نه مور یوهندمندولس او تضادو نه له طبیعت سره پاتی بدل کیزی. زمود هدف انقلاب دنشور عملی کول دی، دافغانستان کیزی هفه طبیعت چه دیر پرانخ او لام نایپرندل شوی بانه دی. دغه هدفونه چه هفه به دخبل زوندانه پدغی نه کشف شوی لاری باندی به بیلو بیلو دگرو نو کی پلنی کوو تر هفو زوان وی چه خویی طبیعت نه دیدو نایپرندل شوی ایخونه، نه کشف کری او پیزندلی، انسان پدی پرو سس کی لکیادی کار کوی. او بیله شکه چه هفه به بریالی کیزی او طبیعت به پیزندی هفه به ویل کوی او د گتی مورد به بی گر خوی .

داجه زمو وطنوال نه هدف لری او یضمیم به خپله زمود لاره نیمایی کوی. خکه چه یوهانو ویلو دی چه تصمیم دکار نیمایی برخه اندی. یعنی چاچه تصمیم نیولی وی نو گواکی وراندی دانگی، ادھفو پراوونو به خوا نیم په او بی وهلی دی. داجه انقلاب مشروایی چه دیوه امید بشونکی سبا په لور به خویی و خه تشه هیله نده. اندیوه ملت دوینیدلو، تصمیم او روانیدو سریزه ده .

داولس بهزوند په لوریه لاره باندی خویی او د خبلو هدفونو هتر سره کولو په لور به خویی. اونا هدفونه به تر سره کوی. بنایی چه داوله خندهونه ولری، بنایی چه دالاره خندهونه ولری، بنایی چه د

لر ستو نزی ولری خود؟ به هیچ وجه دا معنی. نلری چه گنی موی خبلو هدفونو ته رسیدلی نشو او موی دغه په اوو زه بیه دیوه توکه نشو وهلی .

زمود دو لس دینا میزم، یا هفه زیار ایستو نکی طبقات چه تاریخ جویوی، او بیا هم زمود خوانان د دهمنی لپاره دی چه خپل وطن به دانوی او د زوند په لوریه لاره به می روانوی .

پاتی په ۶۲ هنگبی

نو خبره داده چه نهولنی د تکامل

قانون دروغ نه واپی او زوند پر منخ روان دی. زمود نهولنی هم تکامل کوی اونه بشری کاروان سره منخ به وراندی دانگی، ادھفو پراوونو به خوا چه نوری نهولنی هفو ته ورسیدلی دی. داشکه چه نه زمود دملی زوندانه کاروان روان شوی او خوییدلی دی. اها جمهوری انقلاب سیر و په شا تمییدو ندی. دا انقلاب به منخ په وراندی دودی او تکامل خواته شی اوله خیلخیمه ره به زمود نهولنی هم منخ په وراندی خوشو .

به هفه پنکلی سهار کی چه د لومپری خل لپاره زمود د انقلاب سمبول، زمود ملی جمهوری بیرون دانقلاب دمشر له خوا پورته کیده هفوی زمود و طنالو ته داسی دویل -

لاهجه خه چه موی نن پوره کر، زمود ملی بیرون دی. دا زمود دانقلاب او جمهوری نظام سمبول دی، دا زمود دخلکو دخبلو اکی، ورور ولی او برابری سمبولی. نو ای خویندو او رونو! ای دوطن زرو او خوانانو او رونو! ای دوطن زرو او خوانانو راشی چه دزده به صفا اوله بشپیر صحبیت سره خپل لاسو نه سره

# ترجمه اوری پریالی

## دیوه بنه زوند او امید بشونکی سبا په لور!

هفه ولسونه چه غواصی د خپلی په کومه لاره روان دی او کومه لاره نهولنیزی وری په مخکی و نیسی چه دبری او نیکمرغی تبر پولی ورسیدی. یه منسون خل نایپرندل شوی نظام کی زمود بیهی سه دخبل زوندانه لاره نهانکی. اودغه ولسونه چه خانه هدفونه لری هدو هم دخبل تاریخی تکامل په بورته کیدله . زمود ولس هدو په خان ویسا نه او هیوی دا سوچ نشو کولپی چه په کومه لاره شی او کیزی .

همدا چه زمود جمهوری انقلاب هدف روپیانه ، نه دا اوسه منزل تیاره پنکاریده . د زوند هدف یه دیر و کوچنیو هیلو کی لندهیده او هفو خلو ته یه رسیدل خیال گانه چه دی بیهی پهش دھفو په خوا ورخفلی .

علته دی نهولنی انسان په دیر و ساده شیانو باندی تیرووت او د (جمهوری انقلاب) تیرو. د جمهوری انقلاب له برقی سره او بر منخ تللى زوند خخه بی درک دیر تیت او دیر خله مشر دخبل ولس لپاره دزوند لاره و تاکله . هفوی دانقلاب په منشور، خو دا طبیعت او نهولنی د تکامل یعنی دافغانستان دخلکو ته د خطاب قانون دی چه ولسونه په بر منخ بیانی او د ولسونو پر مختک هم دھنے، وینا په کولو سره دازیری ورکر چه تردی دروسته هر افغان بوهیزی چه



# گزارشی از فیستوال فلم‌های آسیایی و افریقایی در

گزارش از

نجیب رحیق

## کالاشکار

های شانرا روی پرده سینما های

تاشکند به نمایش گذاشتند.

فیستوال سینما بی تاشکند

بساعت شش شام ۲۰ می در حالیکه

۴۰۰ نماینده از ۷۵ کشور در کاخ

آسیایی، افریقایی و امریکای لاتین

هنر گرد آمده بودند با ایراد بیانیه

عای از طرف مسئولان سینماتوگرافی

این کشورها به تاریخ ۲۰ می

جمهوری ازبکستان و برای فراشتن

در شهر تاشکند گرد آمدند تا فیلم

بیوق فیستوال افتتاح گردید.

● فیلم اندر زمادر نامه یاد گاری  
سینماتوگرافی ازبکستان را در یافت  
کرد

● شعار فیستوال تاشکند صلح،  
ترقی اجتماعی و آزادی ملل بود





این عکس افتتاح فیستوال تاشکند را نشان میدهد.

در فرش باسرود خاص فیستیوال از اینرو تم بسیاری از فیلم هایی که انسانهای و طبیر سنتی است که میکند خوب تمثیل شده است. فیلم اندرز مادرم حصول مو سسه بخاطر آزادی سر زمین های خویش افغان فلم نیز در یکی از سینماهای ایکار میکند. شهر تاشکند به نمایش گذاشته فیلم ابوریحانی بیرونی عالم، ریاضی و آن و دانشمند شهیر افغانستان و آسیای مرکزی که بوسیله سینمای ازبکستان تهیه شده فلمی است واقعًا عالی و در خورستایش. سینما گران سینمای ازبکستان تو انسته اند قصه پر ماجراهای بیرونی دانشمند بر آوازه مطابقت داشت ولی این فیلم ها از نظر تختیک و هنر سینما اکثرا دریک سطح عادی تهیه شده بودند.

هیات ژورنی که روی فیلم های ممالک اشتراک گذشته قضاوت کرد و کارهای سینمایی شانرا محک بزرگ معین نشده بود. باین ترتیب تمام فیلم هایی که در فیستیوال به نمایش گذاشته شدند موفق به دریافت ناهه های یاد گاری و تحایفی از مراجع موسسات و اتحادیه های مختلف جمهوری ازبکستان گردیدند. ولی اشتراک گذشته کارهای وسیع علمی بیرونی را در سه مرکز عمده اقامه او یعنی شهره کات در فیستیوال نتایج از فیلمهایی که روی پرده آمد، گرفتند. چه طی کنفرانسی مطبوع عاتی که همه روزه از ساعت ۱۰ الی ۱۲ قبل از اظهار در سالون اتحادیه کار گران بقیه در صفحه ۵۲

در فیستیوال از نمایندگان در فیستیوال تاشکند به نمایش گذاشته شد انقلابی و مترقی بود و با هنر فیلم های آسیایی، افریقایی و امریکای لاتین در فضای سر پوشیده کاخ به اهتزاز نزآمد. هنکامیکه بیرق فیستیوال بزرگ افرادشته میشد اشتراک گذشته کان در فیستیوال همه به پا ایستادند و بخاطر بر گذاری سومین فیستیوال سینمادرتا شکند کف زدن در پس از ختم تشریفات معمول کشورهای شرکت گذشته صدق نمی کند. چه فیلم های بعضی از کشورهای خصوص چابان، جمهوری ازبکستان و گرجستان واقعًا بخوبی باشکوه بودند و میتوانند کشورهایی که از آنها میتوانند و استقبال گرمی که از آنها در تاشکند بعمل آمد روی بزرگ ۱۲ ملی متری کاخ هنر افتاد. و گفت این فیلم ها در یک سطح جهانی تهیه شده بودند. فیلم های مستند کشور ویتنام شمالی و فلسطین که در یکی از سینماهای بزرگ شهر تاشکند به نمایش گذاشته شد بین تماشا چیان غوغایی که محصول کار سینمایی کشورهای جهان سوم است، البته بر با کرد. این فیلم ها نمایا نگر به استثنای فیلم دو سه کشور. روزهای دشوار و ماجراجویی بیشتر فته.

# روزنهای پیش از خان

بوستم بیرون میزند و بصورت گلوله های روی پیشانی و صور تم جمع میشود . چقدر از محسن خان بدم آمده است ، چقدر از او نفرم گرفته است که ما به چنین مجلسی که ظاهراً شکل مهجانی دارد آورده است و چنین بیشتر مانه خجالت زده ام کرده است . چیزی تعاقده گریه ام یکیرد . دعا میکنم اتفاقی بیفتند ، زلزله شود و یا خانه آتش بکیرد و یا اتفاق دیگری بیفتند تا من بتوانم از این جمع جدا شوم و از این خانه بکویم .

مدتی که به سکوت گذشت ، بیش از چند لحظه ادامه نیافت اما بنتظر من که زیر بار تحقیر و خجالت خرد شده بودم از قر نی طولانی ترآمد :

مردی که مرا کنار خودش نشانده است ، شعرده و آرام شروع به صحبت کرد :

لیلا ! به خانه من خوش آمدید .  
چه خوب شد که آمدید ، من در باره شما زیاد شنیدم بودم .

آنوقت کمی صدایش را پائین میاورد و میگوید :

هیچ کلمه نمیتواند از عبده وصف زیبایی شما برآید . شما واقعاً زیبا هستید .

خنده میکند و میگوید :

محسن خان باید آدم خوشبختی باشد .

من چیزی نمیگویم . اما محسن خان کرنش میکند و چاپلوسانه می خندد . متعاقب آن میزبان یعنی هر دی که در کنار من نشسته است اشاره میکند و خدمتکار که در آخر سالون کنار در ورودی ایستاده مانده است سرش را پائین میاورد و از اتفاق خارج میشود و لحظه نمیگذرد که با چرخ گردانی که اینها شته از حدو راکسی های متعدد است به جمع ما نزدیک میشود و کنار میز توقف می کند . علاوه از

## یاد داشت از لیلا - قنطیم از دیده بان

بو سه میز ندوچایی در کنار خودش طرز آرایش و لباس یوشین شان برایم باز می کند . از لباسی او از نظر میگذرانم . آخرین مود واز آرایشی که بهمها و محسن خان رو برویم در مبلی حقارت و شر مندگی میکنم . در جمع آنان من تنها کسی هستم که محدوده مقررات خاص است که من میترسم حرکتی کنم . حتی از این لباس من در برابر لباس آنها چیز میترسم که نکند نسبتمن من عیوبی داشته باشد . دزدکی به زنان دیگر نکاه میکنم طرز نشستن و حتی عرق شرم نرم نرمک از زیر وضع چنان تشریفآتنی و در

موده مقررات خاص است که من میترسم حرکتی کنم . حتی از این لباس من در برابر لباس آنها چیز میترسم که نکند نسبتمن من عیوبی داشته باشد . دزدکی به زنان دیگر نکاه میکنم طرز نشستن و حتی عرق شرم نرم نرمک از زیر میزین ، چنان خیره کننده است که آدم نمیتواند در لحظات اول چشم از آنها بردارد . هم چنانکه من نتوانستم . و در کنار در ورودی بهترزده بر جای ماندم .

محسن خان وقتی تعجب را می بیند ، فشار آهسته به بازویم وارد میاورد و آهسته در گوشم زمزمه میکند :

چه شده ؟ بعد هم نمیتوانی اینها را نمایشگرانی .

آنوقت بافشار ملایمی مرا با خودش بجلو میراند .

ومن هم مانند انسان راه کم کرده بی لکات خوران قدم بجلو و جلوتر میگذارم و در گوشة سالون به عده انگشت شمار زن و مردی نزدیک میشوم که از بدور رو چشم به من و محسن خان دوخته اند محسن خان تاکمرخم میشود و تعظیم میکند و سپس مراهه چهار مردوسه ذنی معرفی میکند له ذور میز مهرین و روی مبلهای گران قیمتی نشسته اند .

مردی از جمع مهمانان جدا میشود و قدمی بطردم بر میدارد ، دستم را در دست میگیرد و بر نوک انگشتانم

## خواندن گان عزیز و ندون قضاوت

### می کند

فرخنده جمهوری به چنین انسانیای واقعاً سوگدشت لیلا یک سر گذشت غم انگیز است از دختران معصوم بازی کنند و آنها را سیاه روز و بد بخت بسازند . وقتيکه یاد داشت های لیلا در زونهون اما با وجود این چون لیلا ، چاپ میشود ، کلمه به کلمه آنرا تعقیب کرده ام و از زندگی اندوه را خوده است . نیاید از زندگی بار لیلا رنج برد . جواد ، آن مرد دون همت را صد ها بار نفرین چون لیلا را فنای هوس شوم خود این مبارزه او را به زندگی امید دارد . بیگناهی است با زندگی مبارزه کنند و شاید این مبارزه او را به زندگی امید نموده و شرافت و حیثیت او را که دار ساخته و سعادت و خوشبختی یکاهد . بعینه هن راه نجات لیلا را از او گرفته است .

بعقیده هن ، انسا نهای مثل لیلا نجات یابد و با صحت وسلامت جواد باید ، نابود شوند ، باید اجتماع ما مخصوصاً در دوران دهد .

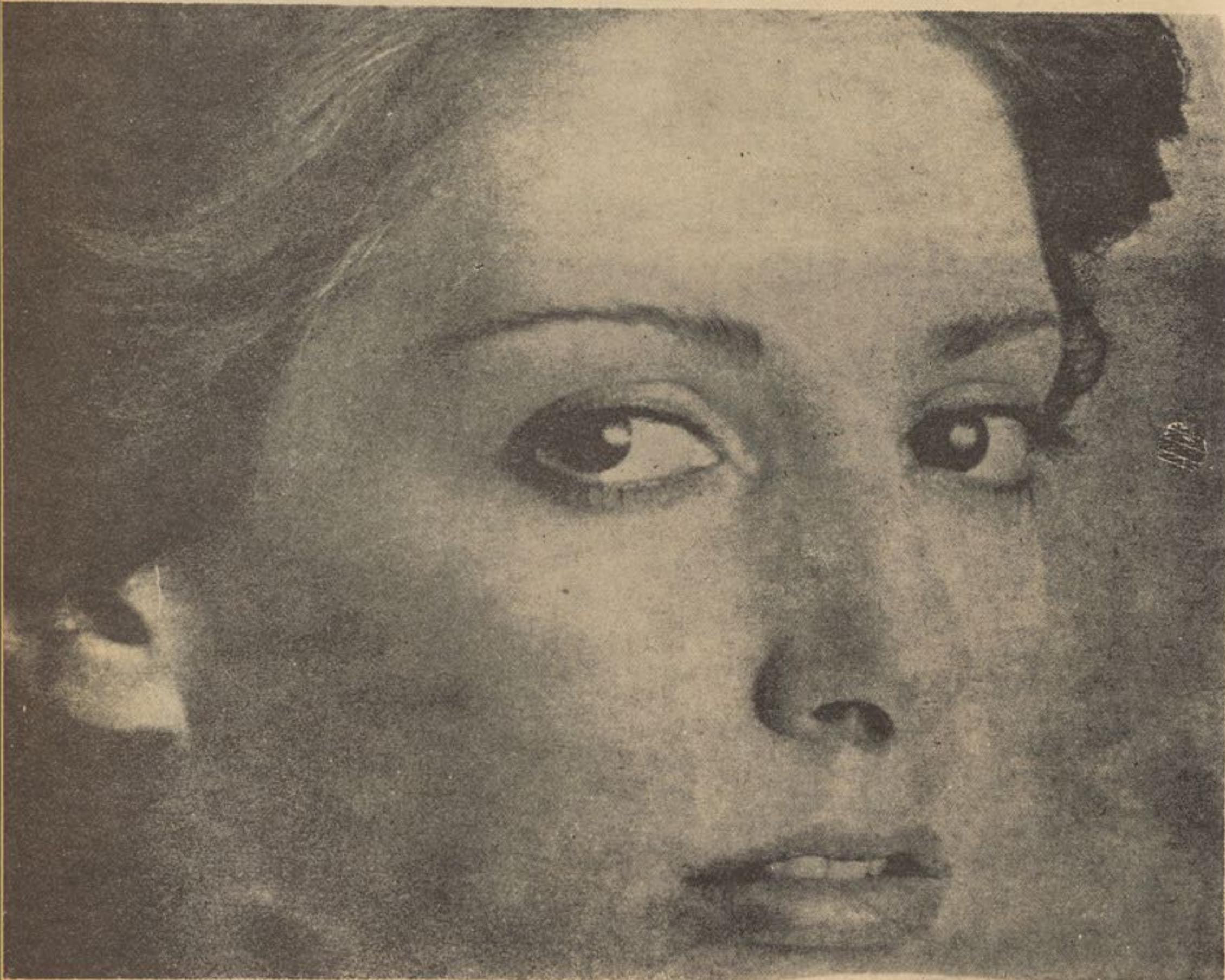
غفیقه نظامی از خان آباد .

خواراکی ها در بوتل سربسته و چند کیلاس شفاف نیز بچشم میخورد. آنرا در حلقم میریزم او در حالیکه مرد به ترتیب آنها را روی میز میزبان کیلاس پنجم را که قطعات یک دستش رازوی شانه ام میگذارد، میگوید: بی بند و باری و حرف ساده و معمولی بی بند و باری و حرف ساده و معمولی آنرا در حلقم میریزم او در حالیکه میگذارد. میگوید: بی بند و باری و حرف ساده و معمولی آنرا در حلقم میریزم او در حالیکه میگذارد.

اسم «ص» است، محسن خان سر میگشد و در حالیکه خودش را بیشتر بمن چسبانیده است، میزبان که دیگر خنده از لبانش دور نمیشود، بی آنکه به خدمتگار نگاهی کند، میگوید: شاید محسن خان بتو گفته باشد من کنی هستم اگر هم نکفته، مهم خوب هم می شناسند.... تو هم نیست، مهم اینست که تو اینجا باید بشناسی.... فهمیدی، باید هستی و من از این بایت خیلی بشناسی.... محسن خان میخواهد حرفی بزند کیلاس را با دستان خودش به اما، «ص» انگشتش را روی لبانش لیم نزدیک میگند و میگوید: میگذارد: بتوش! چیز خوبی است. تو ساكت باش! ... خودم همه بی اراده خنده میکنم، کیلاس چیزرا به او میگویم... همه چیز را...

(ناتمام)

می گند و محتوی یکی از بوتل میگردند. ها را در کیلاسها تقسیم می گند. و اولین کیلاس تا قطره آخر را بسلامتی می نوشیده میشود. محتوی سرخ رنگ کیلاس ها بسرعت جذب میگردد و بسرعت نمیشود، بی آنکه به خدمتگار وضع میگیرد: صحبت های سر گوشی به گفت خدمتگار دو باره تعظیم میگند و کو های بلندی مبدل میشود و لبخند ها جای خود را بخنده های از آنجا دور نمیشود. انوقت صدا داری میگهد و در کیلاس سوم باز می گند و میگوید: صاحخانه سر یکی از بوتل ها را به قبه های بلند و مدا و می اجازه بدهید، یزیرایی امشب به مبدل میگردد. وضع چه زود دگر عهده من باشد. منتظر موافقت گونه میشود و چه زود تشریفات خشک و ساختگی جای خود را به کسی نمیشود و پذیرایی را آغاز



# آیر لند شمالی

## سر زمین بیقرار

و نوع میتوشد.

در همان آیست ۱۹۶۵ پرست آ خرین  
بر تیوری دیگر کون ساخت میان امیز.  
وضیعت در ایرلند شما لی فرو داده دوان  
دوز کرو هی از ظاهر گفته کان کان کان  
بورد حمله (اوپاسان جوان) قرار گرفتند.  
بار دیگر پولیس به بخش (بوکساید) حمله  
بود و مدافعین علی الرغم بیهیای گاز (سی)  
اس) آنان رایه غلب دادند.

در همین عتکام بخش (فالز) بورد حمله

مارفلاران چنیش (اورنج) قرار گرفت.

درین حمله شش نفر گشته شدند حد

هانلر زخم برداشتند و خانه های بسیاری در

آتش سوخت. اما مدافعه گران (فالز)

بایدزی گردند. در نتیجه این رویداد ها

حکومت بریتانیا تیرو های نظایر این را وارد

میدان ساخت و به (بوکساید فالز)

آهان داد که حواهی خواهد شد.

صلحی که بدینصورت به میان آمد.

صلحی مسلح بود. باشندگان (بوکساید)

(والز) توافقی خودشان را در مقابله با

نیرو های بو لیس نشان داده بودند و میون

شک در صورت لزوم بانیرو های نظایر می

بریتانیائیز مقابله میتوانستند گردند.

بکروز (جم کالاهان) در حالی که بالخندی

برای داشت، از میان سیمیا خاردار

کندشت تابا مردم گپبزند وی بمردم اطمینان

برداشتند. این رون بودند که ابتکار

به راه اندختن چنیش را داشتند.

ولی عملیات میهم که وضیعت را دگر گون

داد (دهه چیز درست خواهد شد). او گفت

که حکومتی ایلان دو بلغاست در صدد

برقراری اصلاحاتی را برای دفع کمی دهای

هستند اصلاحاتی را برای دفع کمی دهای

بزرگ وجود بودند.

نارخ ایر لند به روز پنجم اکتوبر سال

۱۹۶۸ وجود خودش را در (دیری) نهاد.

سب آنروز گروهی به بخش کانو لیک نشین

از ظاهر گفته کان (الحادیه حاوی مدنی)

عکس العمل نشان داد. این عکس

اعمال سنتکلانه ایگریه آن شد که مطابع

رادیو وتلویزیون جیان آوازه چنیش

(الحادیه حقوق مدنی) را همه جا کشید.

سازند این عکس العمل خشن باعث آن شد

که چنیش (الحادیه حقوق مدنی) پستیبا نی

کامل اتفاقیت کانو لیک را در آیرلند شمالی

بدست آورد.

در عاده جنوری سال ۱۹۶۵ رویداد دیگری

زد آیرلند شمالی دیده شد. درین روز آزادی

خواهان آیرلند هارشی دا وز بلfast تا

دیری) سازمان دادند.

شرکت گفته این هارش بورد حمله

انتسابی سازمان (اورنج) قرار گرفتند.

آن دوسر زمین خودشان که رسما بخشی

از قلمرو بریتانیا بود، معیار های عد لی

رویداد های ایر لند شمالی درین روزها

بزرگ داغ و یعنی شده است. این وضعیت

درین سرزمین ناز کی ندارد. ولی بحرانات

نه تنگ گزینی ان از سال ۱۹۶۷ آغاز شد.

رأی انسانی خوشنده کانوی دا که بدست

س منظر و قیمت گذشت زوندون -

ایوب بورنی ) نویسه شده است به دری

در زادم:

همه چیز با آرا می تها مغاز شد: در

سال ۱۹۶۷ چندین سازمان گو نا گون باهم

درین میلاست جلسه گر دند و خود نسان را

(الحادیه حقوق مدنی) ایرلند شما لی) نام

نیادند این اتحادیه در اعلاه میان اهداف

خودش را مشخص ساخت.

سعین ساخت حقوق اساسی مونم،

حیاتی از حقوق فرد،

نهایان ساخت کار برد نا ند سمت

قدرت.

- تضمین آزادی بین و اجتماعات.

- اگاه ساخت مدنی از حقوق فای نو نی

شان،

چار و نیم سال بعد، تلاشی که این

اتحادیه انجاز کرده بود، شکل نویی گرفت

و آیرلند شمالی رادر استانیه یک چنگان اخلي

فرار داد. آغاز گران «الحادیه حقوق مدنی»

در صند به راه اندختن چنگ داخلی نیویند

انگیزه آن چیز دیگری بود.

آن دوسر زمین خودشان که رسما بخشی

از قلمرو بریتانیا بود، معیار های عد لی



افزایش کارکردی این ابرلندگان به سر  
زمن خودسان بر میکنند بلکه نلاس عیکردد  
نادر برابر فرعون بگانه فر هنگ (انگلیس)  
فراهم کنند و این فر هنگ را در فر هنگ  
ابرلندی حل نمایند.

در سال ۱۶۰۴ سر ازیر شدن اسکانلند  
سیاه بین ز من به پیشنهاد سما لش ف  
ابرلند اخراج شد. این اسکانلند بیان دارد  
ابرلندیه عنصر اسوده حالت میدانند.  
امن نازه و ردان از قتل هد هبی یا باشندگان  
اصلی ابرلند فرق داشتند. اینان برو تو  
نات بودند. در حالی که مدحه باشندگان  
اصلی ابرلند کاتو لسیم بود. بدینصورت  
پیشنهاد فر هنگ و اتفاقاً این نازه  
و در نتیجه عده بیشتر سر بازان از تکلیس  
بچه در صفحه ۵۷

گرده بودند. روپیهای حکومت جان برد که  
نقرت بیشتر کاتو لیکبا را بر انتکاف (ای)  
ار. ای. آهشیده اعشه سازمان بیشتر  
جاذیات اسکانلند رفته و ملتویها بوند  
دادت و درست و نفوذ بیشتری بیندازد.  
این توپی . وضیعت، بهار ۱ می کرابید.  
بزو دی نیرو های بریتانیا دریا ق بگذاش  
بلکه جنگ کوریلای سپری رویه روپیده است  
این جنگ، سیده نرو بیچه از جنگها می  
گذشته بود در خند ماه سرو عای نظامی  
مشهوری نوانستند کرد. باو طالان (ای)  
درین سر ز من جاگزین سازد و ابرلند  
ار. ای. هر ز و همانی برای عملیات سان نون  
را باز سر ز من مذری جان بیرون کند.  
ساختند و با عملیات سهیم نرو عای بریانا  
هریار که این حاده بروغ عسو س.  
راسر گنجه ساخته بودند.

در همین هنگام باز داستیا اخراج میان  
باشندگان داشتند. اینان باشندگان هر زو در  
باز داستیا خشونت و تشدید را افزایش داد  
و در نتیجه عده بیشتر سر بازان از تکلیس  
دست رفته راهه پیشیای کفر سکنی باز

افزایش کاتولیک به راه اندازند و تقاضا های  
اساسی چنی (حقوق مدنی) را بر اورد .  
از ای. آهشیده اعشه سازمان بیشتر  
سازند. راههای عادی سان  
برداختند و در انتظار دکر گو نیایی گمه  
نایستی پیش آید. مانند . حکومت بریتانیا  
اینطور بود جنگی که از طرف ا. انگلیس  
حقوق مدنی) به راه افتاد داشت فرو خواهد  
نشست. وضعیت استقرار خواهد داشت و  
برای مشکل آبرلند شما کی یکراه حل  
دانی بدهست خواهد آمد . این آرا می در  
حدود رسکال به درواز اکنید .  
درزیر لایه این آرا می دریار هم  
بیکریت که باستی این آرا می دریار هم  
زند. ازیکسو جمعت کاتو لیکبا . با نظر  
داست رویداد (فالز) در صند بی اهدان خود  
حائزرا برای دفاع در برای حملات احتمالی  
اینده آماده سازند . ازسوی دیگر  
بروتستا نهایا در جار چوب جنگی (تیری) داد  
داوطلب استر) و سد یافتند و قوت گرفتند  
حکومت بریتانیا که ناظر وضعیت بود، بران  
سدتا خلع سلا حی را درین سر ز من عملی  
سازد. و این کار را از کاتو لیکبا آغاز  
کرد.

روابط بین کاتولیک و نیرو های نظامی  
حکومت بریتانیا به تیرگی گرایید وا یعنی  
تیرگی در هاجوای سال ۱۹۷۰ به اوج خود  
رسید. درین هنگام نیرو های نظامی در  
تلاش سدند (فالز) را به زور اسفل کنند  
در انر مقاومندگان، این منطقه  
فرنطن سودور تبعه زدو خود را شش  
نفره قتل رسید. این فرنطن سر انجام به  
دست زنانی در هم تکریه شد که از بخش  
های دیگر کاتولیک نشین به (فالز) و ارد  
سدند و برای باشندگان آنجا نان و سر  
اورند.

(ای. آر. ای) پدیدار. میشود .  
درین وضعیت خصوصیت دیگری نیمده  
میشند: سیاه بریتانیا باهداوه میگیرند (ای.  
آر. ای) رسمی رویه رو شد که شانزده  
ساعت تمام نیرو های نظامی کوچه به  
کوچه جنگید (ای. آر. ای) مخفف آبریس  
ریسلیکان آر می، یعنی سیاه جمهوری وری  
آبرلند، است مترجم) دیگر (فالز) منطقه غیر  
مسلح یا زده های پیش نبو د. زدو خود راهی  
(فالز) نکته میم دیگری را در سیاست  
ابرلند نهایان ساخت. این نکته عبارت بود  
از نمودار سدن دو باره (ای. آر. ای) بعد  
بلکنروی مسلح علیه تسلط بریتانیا ابرلند  
ایندفعه (ای. آر. ای) با باشندگان بخش  
های کاتولیک نشین پیوتد داشت .

در همین هنگام انتقالی در (ای. آر. ای)  
وجود آمد و چنانچه (برو فشر) لیل آی. آر. ای  
با به میدان گذاشت علت این انشاع ب بعد  
نوروزی خواهد شد . درینجا کا فیست گفتہ  
شود (که) آی. آر. ای) پشتیبانی هر دو از این  
بسیاری از بخشیای کا تو لیک نشین در  
بلفاست بدهست آورد .

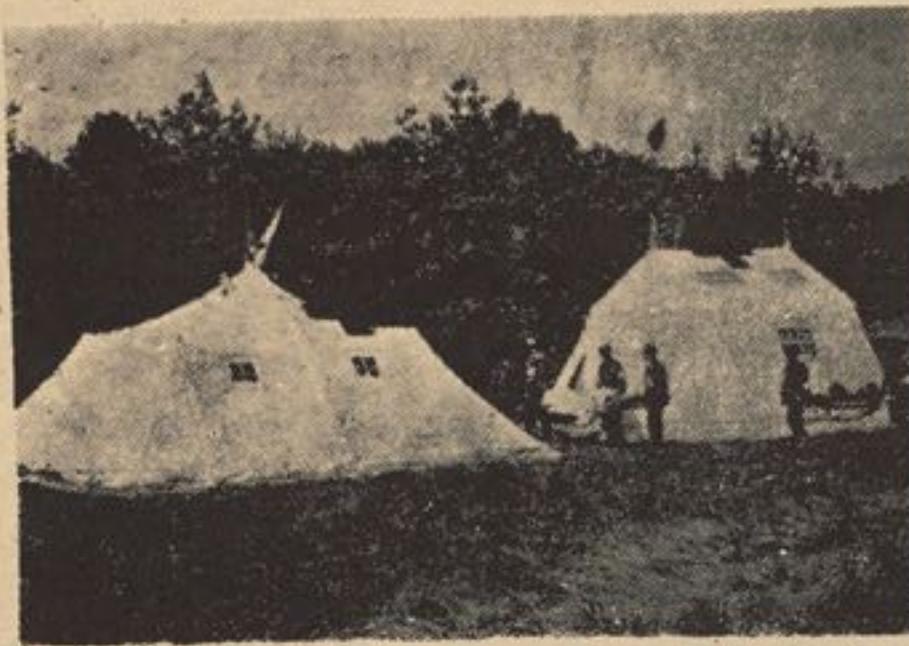
سیاه بریتانیا حمله های پیغم خود را  
بر مناطق کاتولیک نشین انجام میدادند. این  
زیادی از "کاز" سی. اس" را به کار میبرد  
این کاز بر سر لخور کان، تازه جوانان و  
سیاران (کسانی که در عملیات خشونت  
آمیز دستی نداشتند) تالیر بدی بر جا  
میگذاشت. هر قدر نیرو های نظامی بریتانیا  
میگوشند تایشتبانی هم را نسبت به  
(ای. آر. ای) در هم سکنند. به همان اندازه  
این سازمان قویتر میشند . هر قدر این  
سازمان قویتر میشند کاتو لیکبا به همان  
اندازه از نیرو های نظامی بریتانیا فاصله  
میگرفتند.

حکومت به دستگیری کسا نی بر داشت  
که به مشکل از اسکال (ای. آر. ای) را گرفت



# کوتا · دلیسی · خواندنی

## خانه های سیار



مردم امریکا بطور او سطح در هر پنج سال یکبار محل سکونت شان را تغیر میدهند، ولی تنهانه با خانه های شبان، در امریکا تقریباً ۵۰ میلیون خانه سیار وجود دارد.

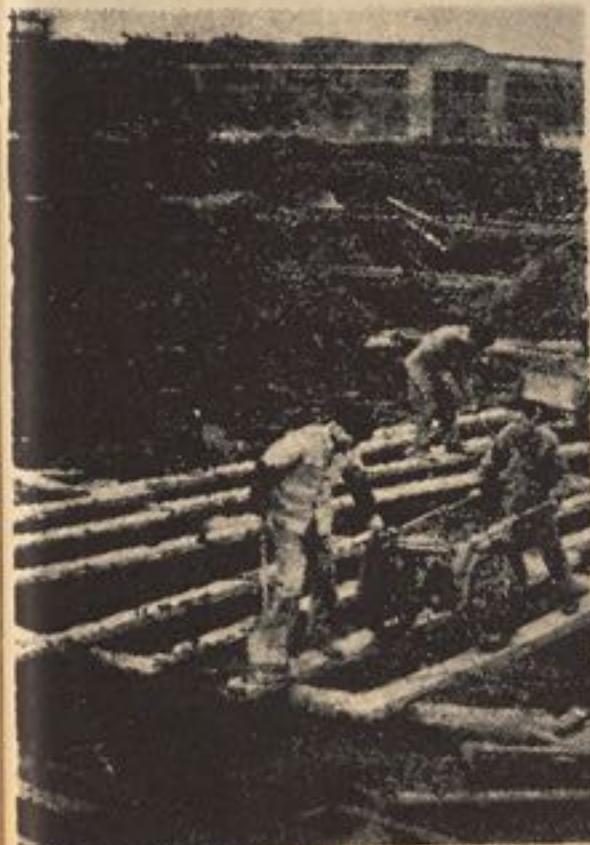
تا اخیر سال ۱۹۷۲ بیش از شصصد هزار واحد خانه سیار ساخته شده است، در ایالت کلورادو که بزرگترین مرکز خانه های سیار در امریکاست، در حدود یازده هزار واحد خانه سیار وجود دارد.

## جاده های راپوری

برای اینکه از راپور کهنه تا یرموتر ها که غیر قابل استفاده است استفاده بعمل آید، اخیراً یک کمپنی سویدنش طرح جدیدی برای استفاده

از آن بینان آورده است، این طریقه

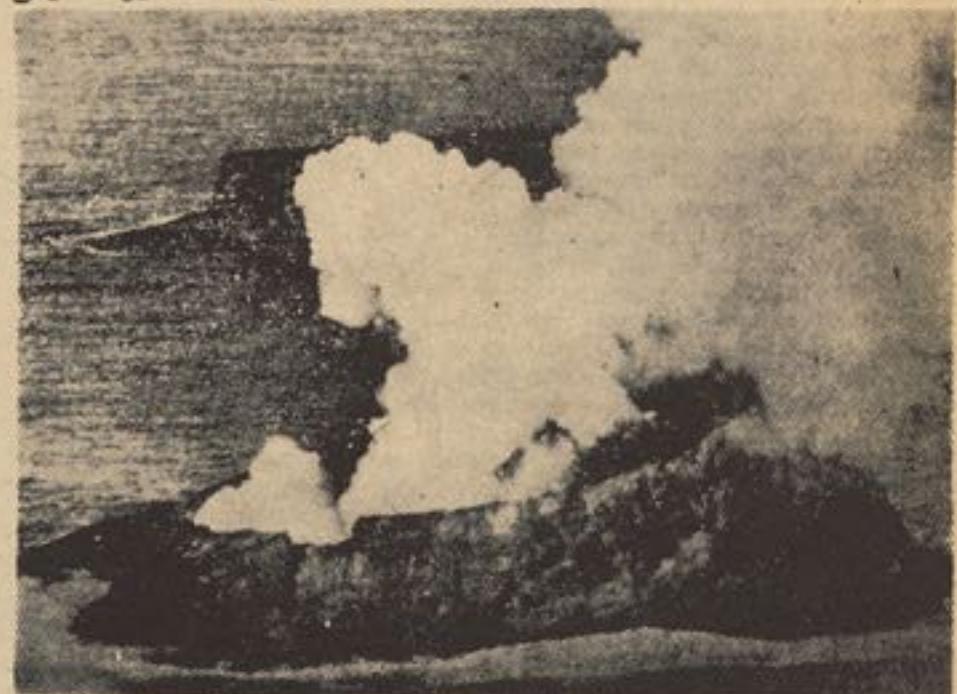
که «ریویت» نام دارد، عبارت است از مخلوط کردن را بر با سگهای کلان که بو سیله قیر با هم یکجا میشوند از مخلوط سه مر کب هتلکره یک سطح درشت و مقاوم که در برآ بر تغیرات حرارت، مقاومت داشته و در شرایط هر طوب و سرد بهتر کار میدهد، بوجود هماید، یکی از مزایای این طبقه جدید استفاده از گدام تار های کهنه و غیر قابل استفاده است و دیگری جلو گیری کردن از تجمع آنهاست.



## جلو گیری از تو لید حفره ها

در ایالت نیو یارک واقع در امریکا، درخواست های حق الاستفاده در تمامی ممالک تولید کننده نفت برای یک عملیه جلو گیری از وقوع زلزله و دیگر اختلالات عمیق زمین که به اثر استخراج مواد داخلی زمین بوجود می آید تحریر یافته است.

دکتر «ایمانول» کاشف و تطبیق کننده مقررات آنست که از نیم قرن به این طرف در تو لید نفت واستخراج معادن مصرو فیت دارد. بعضی از تعمیرات و گاهی حتی شهرهای خاور زیر زمینی که



بصورت طبیعی و یاد رنتیجه استخراج نفت گاز و یا معادن تو لید می شوند فرو میروند. دکتر ایما نول حفره های زیر زمینی را با مایعات از قبیل: (آب بحر، فضلات و کتابات مواد صنعتی) و یا دیگر مواد در هنگامیکه مواد اصلی طبیعی زمین استخراج میشود، بر می نماید. مایع با گل مخلوط گردیده و به شکل فلت برای کشیدن آب سطح زمین کار میدهد و همچنان مواد اورگانیک دیگر بعیث پر کننده به عنوان غذای او رگاههای او که تو سطح یک عملیه مداوم نفت بیشتر تو لید می نماید، استعمال میگردد.

## سر ویس های چار طبقه ای

چندی بیش یکی از کمپنی های موتور سازی امریکا، برای آنایی که میخواهند با استفاده از مو تر های سر ویس به سیاحت پردازند، سر ویس های چار طبقه ای را ساخته که در نوع خود بینظیر است.

این نوع سر ویس ها که گنجایش بیست نفر مسافر را دارد، با تمام وسائل رهایش مجهز است، در طبقه اول این سر ویس ها و سایر تقریب مسافر فرین جای داده شده و در طبقه سوم و چهارم آفتاب های جداگانه ای برای خواب مسافرین در نظر گرفته شده است.



# گلستان

## درخت غنچه بر آور و بلبلان مستند

تیپه و توقیب از: دد

از: دکتور سپیل

### عشق و فردا

از: سعادت الملوك تابش

\* شب دوده های تیره اندوه خویش را  
بر پشت پلک برگ ک درختان ریخت.  
از تبه های نیلی خاموش  
اشک ستاره  
- نفهه دلگیر چنگکه  
دربازوان بخزده آب می خزید.  
\* رقص گل شقایق خونین میان باع  
آواز نای مرد شبان از درون دل  
لرزیدن بنشه بدجوتی نسبیم  
برچشم نیم خلتمن من یاس می چکاند.  
\* زندان زند گانی من زرد بودوسه  
اندر تمام عمر،  
یکباره عشق درد سردم فسنه و بخت  
یکروز اثتاب بدل سر زد و شگفت  
گلبهای آرزو  
- همه پرورد و گرم و گرم  
لیکن چه زود ابر سیاهی زدor ها  
در برگرفت و برد،  
آن عشق و آرزو همه دوگور یاس و غما  
\* اهش ، تمام یاس و ازده ام ،  
- ولی  
فردا چو برهد،  
با پنجه های خشم و غضب میدرم زهم  
صدھا هزار سینه الوده «الوده» ابرها  
دروازه ای ذسوی دگر -  
- سوی اثتاب

وامی کنم، بعلگه شور غریب خود  
وین کوچه های سردوسیه را بیاس عشق  
پر نور هیکنم  
پر نور تر زرور  
وائلکه:  
جشنی بیاس عشق توای خوب پارسا  
اندر تمام شهر، به صحراء، بهدرهها  
بانغمه های دلکش خنیگران پاک  
بامشعلان روشن د نکن کودکان  
بر پای هیکنم.  
بر پای می کنم

### نفرین به مرگ

نور سرد مهتاب  
در نسیم شامگان بهار  
از کنار قله های دور دست  
بر فراز سر زمین میز می آید فرود

از میان باع پر پیچ و خمی  
نفعه های جانگذار آید بکوش  
پیر مرد پاگیان با لیچکش  
کرم میسازد مرا با هوش و گوش

پیر مرد آرام ، چرتی و خوش  
غرق اذکار جهان پر غم است  
وقتی چشنا نش به من افتاد گفت  
زندگی بازیجه هر آدم است؟

او مرد یکداشت یا آهنج خویش  
غرق رویای جوانی گشته است  
از میان سینه اش توفان غم  
رفته، رفته آفاتی گشته است

چهره اش همچون نسیم سبزگاه  
روشن از صبح امید زند گیست  
لیک این آهنج پر سوز غمین  
یاد بود حسرت افسرد گیست

او به خاطر دارد آن یالم را  
نز میان گلبه سرد و غمین

کرد بیرون نقش بیجان زنی  
عشق او امید او بود نازین

لیک اکون سالیان بیهم است  
در مصیبت کامرانی میکند

مست دی پروا زمانی بی سبب  
خنده بر لب اشاد کامی میکند

او زنها هی نمیگوید سخن  
همدم او رشته های تار اوست  
لیک او مرده است روحش در عذاب  
از برای مرگ نفرین کار اوست

از: ن، فریاد

### افتاد میشود

نگاه کن که غم درون دیده ام

چگونه نظره قطه آب میشود

صدای بال بر فی فرشتگان

نگاه کن که من کجا رسیده ام

به کپکشان ، به بیکران به جاودان

نگاه کن که موم شب برآه ما

چگونه قطه قطه آب میشود

صرایح سیاه دیدگان من

به لای لای گرم تو

لباب از شراب خواب میشود

بروی گاهوار شعر من

نگاه کن

تومید می و اثتاب میشود

سیه چا در نگاری در بیابان  
به پیلوی شتر مستانه میرفت  
نگاه هش میت شور آشنازی  
دل از پیش ما بیگانه میرفت

باو گفتم زرمه آشنازی  
بیابان گرد من حال توجون است؟  
تبسم گرد و گفت از دل نوازی  
که شادی در دل صحراء فزون است

بارام دل خود گفتم از سوز  
بیابان گرد من حال توجون است؟  
تبسم گرد و گفت از دل نوازی  
که شادی در دل صحراء فزون است

دل شب منزل صمرا گزیدان  
ستاره رهبر صمرا نشیان  
صدای زنگ اشتر ساز دلکش  
میور آور برای رهنوردان

شب آمد ر هروان کاروانی  
کنار سبزه و آبی نشستند  
مه نیمه چرا غ کاروان شد  
لیان عقد پرورین حلقه بستند

چو شب از زیمه شدچادر به بستند  
روان گشتن در آغوش صمرا  
گر بیان افق گردیده پاره  
محشرش در دل خاموش صمرا

چراغ این چمن داغ دل کیست؟  
که لاله سر زده دامن پدامن  
زمه شا حد غریز دی نشینی  
دل من میرو د مامن بیمان

من و عشق وزیبایی بصرحاست  
دل صمرا ز آ لایش میراست  
دل من عاشق صحراء فر دیست  
که اورشیل خود هنگامه بیراست

بدلب اش روم صمرا بصرحاست  
سراغ او کنم چادر بسادر  
که تایا بیم بتم در خیل کوچی  
بکریم دا من هر ماه و اختی

دل سر گشته آ رامی ندارد  
که تاگکشته خود را تیابد  
سراغ از آتش سوزان بکریم  
که اندر دل فرو غ یار یابد

کبرتر های صمرا بی خوش بر  
بیر دارند و خست آسمانی  
بیام از دل صمرا بکر ند  
بما آرسد سوز جاو دانی

برآمد کاروان از دامن دشت  
جو کوک، دشت رعنای پیشویود  
شیا و کپکشان راه گشتم  
که عاشق را بدل این آرزو بود

### لحظه دیدار

لحظه دیدار نزدیک است

باز می لر زد دلم ، دست

باز می لر زد دلم ، دست

بازگویی در هوای دیگری هست

های! هیریشی صلایز لکم را باد

های! هیریشی بغلات گونه ام را بیغ

آبروم را نریزی ، دل !

لحظه دیدار نزدیک است .

شماره ۱۲



# ای ما لکله

ای د دنیا دیغنانو مالکه  
ای د فطرت دگار خانو مالکه  
ای د رنگتو انسانو مالکه  
دزدونو او زما مالکه  
موزن ته دنیکو خلقو ژوونه راکه  
دسووزیونو احساسونه راکه  
دولو لوته نک دردونه راکه  
بلند همت اوچت خیالونه راکه  
ای د دنیا دیغنانو مالکه  
ای د فطرت دگار خانو مالکه

## اختیار د چادی!

چخواب تشنی، ور دیاندی کارد چادی  
دا صحیح اوکم خطای گلدار دجا دی  
داخوبان دی چه یه چودسرخ رویه گینی  
گوره کوم یوبه تی یوسی کارد چادی  
خان وا ورته اچول اختیار د چادی  
جی تی گوزی عاشقان واید بی دله  
دهه هسی بختور آزار د چادی  
به هر خای و مخ تماساز گلزار چادی  
(حمسه)

چه د بیکلی توره داغی یار دجا دی  
چه خطا خطا گلایا کایالاگی  
داخوبان دی چه یه چودسرخ رویه گینی  
عر یو بیکلی می پمزه دیاز غولی گا  
عاشقی، په اختیار ته گیری هربشار شه  
نه یو هیزم چه دلدار دلدار د چادی  
چه خیل بارور گرمه ورسن یه پو پسته  
به داغلی زیره شاکر او سه «حومیده»

## مراوی رنگ

تورو زلفو می خاطر که رو نار په تار  
نه بی موهم که بی خواهیم تاریه تار  
لکه سیل چه رزوی که رو دشکو  
نیوی می هسی مینه واریه وار  
له خواری دیار به خطه زیره بیه گوهه  
دغیری له پیشو و گیش شی خاریه خار  
رعبیری یه دردوغم غواهیم وصال ته  
دادستوری چه موته شی لادیه لار  
دانروخ دی چه یه وصل کبیس بشادی ده  
بلاؤه شی لکولی نار په تار  
مراوی رتک زما پوښته له هی او ماترگو  
دانجوی خبر داری دخوار یه خوار  
تل حمید یه داوینا ستایه مطریه!  
حمدی و دعاشقی په چار تاجار  
«حمید مومنه»

## په باغ کبیس

بنکلی باع تازه چمن ق دگلانو  
شین سحر او شوره شرق دمرغانو  
په سل قسمه آوازونه بی نعمی وی  
هر طرف تهدیلبلو توانی وی  
یوم مرغه ویل دانکوهره بنه دنیاده  
بنکلی بن تازه گلشن تازه هواره  
یدعی شتو پانو گنیزه تو ندیزیر غشتمدنی  
دندی باع خودی میوی خلیوی نعمتندی  
مگر ویرمه یه کارله صیادانو  
له بی رحمه بی انصافه انسانانو  
له بل توری داسی غیرش داسی ویلی  
تچه دله شینکی بن داونکه ستایه  
داخو خیله هسی نهدی پیدا شوی  
انسان دیر زیار او زحامت پکنیس ویستل  
که انسان نهوي دایاغ و چه میره ده  
پسایسته کپری خو انسان دا منظره ده  
بی بالبانه دله باع نه یاتی کپری  
دانکشن په سپیره داگل باندی بدیزینی  
یه جهان کبیس که بی رحمه صیادان شته  
ورسره دیرزیارو ویستونکی ده قالان شته  
که یو ویتنی تو بیوی او خو فریزی کپری  
بل په کار کبیس شی خولی عرق فریزی کپری  
دیوه لاس کبیس که تو وه او تو پیک دنی  
دل لاس گوره ته اک خفه مک دنی  
ای په سرو گلو مینو تندار چیانو  
هیر وی هه گار او زیار دیاغنا نانو  
ده قاتان لری یه تاسو دیر حقونه  
دهندوی دلاس پیدادی داگل لونه  
«الفت»

## د بلبلو ناری

سحردا یمیوز ناری ُوهی بلبله  
ستا یلتون می ژدیو بشایسته گله  
هم په دایی خیگر خون نافدمشانه  
چه هو دکر کاوه ستاله گاکله  
سبین خاطر یی چیری ته چه له ماتور گری  
چه توره مخ دیار ترخنگ کبینی چفله  
که چفل جمله خو په صورت یوده  
لا چفل وینه مخ توری له جعله  
بهر کار کبیس تامل فکر لازم دی  
یو گرم یه خوارو و کوه بی تامله  
دمجاه مینه دی وروی دشیانه  
شبتم لهره لایچه مینه گاله گله  
چه دیار په خوی پیدا صفت خوشحاله  
خکه خلاص نه دی دنگو له خلله  
صفدر خنکه

## قبر و نه لری ژوی

دوی ته وا یه داچه ژوونه لرزوی  
ژوونه هم گوری عرشونه لرزوی  
بس یو آمد صداقت ژوونه دیا سه  
سوی لوی فریدونه لرزوی  
دابجلی چه انسان پمزه پری بامس  
کله گله آسمانونه لرزوی  
یو خاموش دریاب سینه کبیس په خو لعصر  
چه گور ژنک کپری طوفانونه لرزوی  
حسی نه خوک لیوتوب کبیس گیله من شی  
ستایه پشت پشت نسلونه لرزوی  
دزونه یه دی کور کبیس زلزله وی  
او دمرو یه دی قبرونه لرزوی  
بوه درخ به توره خاورونه و دیر یونی  
نه گه سترگی دی جامونه لرزوی  
پیر گوهره



## د هنر گنج

د زیادار که مستنی یه سیم وزر دی  
هترمندو شخه گنج دخیل هنردی  
بی پرده یه زور آورو خان ته دایی  
دندی سری که هر خو زور آوردی  
مسی مدوا یه چازه یم یه جهان کبیس  
پیدا کپری خدای دیواله پاسا سردی  
خیسی بی ویان پیغمبران کپل  
نیمه هرسی ولی او پیغمبر دی  
جودانه قدر یو لعل یکبیس پیدا شی  
ور جهان وا یه دتو رو کانلو غردی  
پیدا کپری خدای سری یه تفاوت دی  
مسی نه یه جهان وا یه برا بر دی  
که دعمرو رفتن ته شوک نظر کا  
دابه دایی یه آنتاب دنمازدی گردی  
چه بی یه شکه ای پیش وی ویار ته  
په آسمان پاندی ختلی لکه لمدی  
تعجب زما دیر و او پشکو ها کپری  
ما موندلی یه دا بحر کبیس گو هر دی  
دریا شرقه بی خدای ها کپری په چاپه  
رحیان گوچ دستار تری قللند دی  
در حیان پاپا



نوشته از : آم ایلیس

مترجم : نیرو هند

## الفرادنیکنگاک

## مکانیزم

در حضمه بار ک پیدا میکنید .  
— تنها است ؟

— غالباً تنها خواهد آمد یا ممکنست با  
پارهیز بازی گلتش ، نفر من یعنی کسیکه  
پاشها نهاده می گیرد در همین لحظه از  
کلوب خارج میشود تابه خانه بر گردد .  
و وضع سر و برش از چه فر او

است ؟

سعادی کما ملا عادی جلوه میکند .

— تنها گدام عکس از او ندارید ؟

— نی ا در عوض عکس یک چیز بهتر  
برای تمادام . یک جا کتگلدار با حلقه

های سرخ و زرد رنگ پشمایی بخشم که  
نظر ندارد و نفرمن همیشه او قات بازی  
کلک آترایی بود و شو هرم به آن جاکت  
بخت نام کند ارده است .

تید یاسخ داد : صحیح است خدا حافظ  
خانم جانسین )

ساعت ۱۰:۳۰ دقیقه : تید شیر را ترک  
کرده عازم کلوب (ساقیت چورج کنتری سند  
درین وقت صرف ؟ عراده موثر در محل  
توقف گاه موثر هایستاده بود . تید تمام

گوش و کنار آن محل را به خانه سیرده  
بعضی رئیس ساخت ساعت ۱۰:۱۵ دقیقه : تید  
جن ریسیند به شیر چند دانه ساسی خربده  
باسلاک چالو صرف گرد و یک بوتل

کوکاکولا با لای آن نو شد .

ساعت ۱۱:۲۵ دقیقه : تید به هنر لش  
برگشت و ساعت شما ته دار را ساعت ۱۰:۴۵  
دقیقه عصر عبار ساخته جا کش را کشیده  
خود را روی کوچ وسیع انداخت . در ظرف ده دقیقه  
بعواب رفت .

ساعت ۱۱:۳۰ دقیقه : ساعت شما  
دارتید بصدای در آمد . تید چشمها پیش را

گشوده پس از چندبار فازه از کوچ بر خاوت  
بطرف الماری لباس رفته ازین آن بسیار

یک دستی طیاره را ببرو ن اورد . تید  
بکس را باز کرده از همان آن نتفتگه بز رکی  
و ابرداشت و قدمای یک صدا خلف کن داشت

از یکس گرفته اثرا در میل نتفتگه بز رکی  
کرده سیس تفگه و امدادا در بکس دستی  
گذاشت درین بکس علاوه از نتفتگه یک

نمره بیلت موثر که از وسط اره شد همود  
وجود داشت و در هردو انتها آن رشمه های  
را بری بسته بود .

ساعت ۱۱:۴۵ دقیقه : در حدود یکنیم  
کلوب موثر دورتر از کلوب سا نیت چورج تید

موترش را بری سبزه ها رانده با نت سر  
ماشین را بر داشت و طوری جلوه داد که

ماشین هوا را معاونه میکند . سیس هردو  
نه نمیر بیلت موثر راز بکس دستی ببرون

آورد و در قسمت پیشوی و عقب مو تر به  
روی غلام فارق مو تر آنها را نصب نمود .

— این ترتیب نه رعایت نمیر بیلت هو ترش  
که ۸۹۸۷۶۴ بود در قسمت پیشر وی —

— ۸۹۸۱۹۲ و در قسمت عقب ۶۷۶۴ ۳۴ تبدیل  
شد ...

لطف به هال بزرگ و بسیار مجلل رفت .  
از تلفون عوتل یا ایار نهان نهار ۱۲۰۳

نمایش گرفت .

تید صدای زنانه در تلفون ن پر سید:

علو...؟

تید گفت : (خانم جا نس هستید ؟)

بلی خانم جان جانسین . درست حد س

زده اید .

(من آقای تید عسیم که پشمای حرف  
بیزتم .)

آقای تید : من همین لحظه انتظار شما  
رداستم .

در ساعت ۹:۵۵ دقیقه : تید آ همیشه  
در روزه اثانی نهار ۱۲۰۳ عو نل کوپیده تریبا

در همان لحظه خانمی در روزه را به روی  
تابه ساعت ۵ بعداً ز قیطر و در هفته شش روز

تید بازگرداد و نظر به بعضی ملاحتا  
خودش را خانم جان جانسین مینامید . او خانم  
الماری هنرمنش داشت که بیش از پنج هزار

دالر هر از زید ولی همین نهی توانست آنرا  
موقع گار در گافی تریا بیو شد .

در ساعت ۹:۴۸ دقیقه تید با پا های لج  
وزیر جامه کوتاه نیلوانی آبی رنگ داشت  
الماری لباس ایستاده بود در الماری ری

لیاسی وجود نداشت . حتی یک پیر اهن  
روی بلکه رش قالین ضخیم بیود داده به یک

اتفاق نشیمن برد . تلو بیزیون ن جالان بوداما  
بصورت مبهمی این زن بیش جم جلوه هست .

از دیدن تید به سخن آمد ه اتفهار داشت :

بفرمایه داخل شوید آن خانم تید را از

روی بلکه رش قالین ضخیم بیود داده به یک

اتفاق نشیمن برد . تلو بیزیون ن جانش را کشیده  
بگشته شویی بیرداما همین فرا هوش گرده

بود همین درین آواخر بیاد فرا هوش پیدا  
شما را کاملای یکتیب دگر پیش خود تغیل

گردید .

بعض ما که تراز آنجه هست تخمین

مینهایند و کم میزند .

آقای نشان اصلی شما چه است ؟

ست مثلاً تورستن یا شبیه آن . مثلاً

بریروز یوشیده بود .

ساعت ۹:۵۵ دقیقه : تید پس از پیش خواه میشود .

تید ه شنا ببر گشته از مان تکری

البسه جرک پس از زیر و رو گرد نلباسی

جرک یک پراهان را بری از دیروز و

ساعت ۹:۵۵ دقیقه : تید پس از پیش خواه میشود .

دریشی وارد طبقه شده در روزه بخواه لدا

بازگرد . بیخجال تقریباً لی بود وغیر از

زیه و تول کریم ، یکدانه تخم و یکتو ته پیش

سخنگه بروی یک بشقاب کاغذی شبیه یک

پارچه چرم در آن جیزی وجود نداشت .

تید تخم را بیوست گرد و از گلکین .

آشزخانه بطرف آسمان نظر اندی متزل خارج

شام باد صاحب بیول میشد و آنوقت

هر چند شما بیان و استیک بفرمود و

زور ایلیک های رول های مختلف را  
بن هم سستور و تحمل کند. من  
با این اتفاق و عذر کردم: (آنا، بس  
من امراز حت بکذار، مرا نقش ها  
سلب کرده است من مجبور نقشه  
و زول های تو قطعاً علا قصد نمی  
نمیری که زوی دستدارم به پایان

سازد! من به استراحت و آرا می  
محتاجم!...) (نخیر! حتی گریستوف  
عنتر من خلقی نجی تواند بدون سفلی  
کردن من حس کلمه ای بر زبان آزو. غوطه و رسیده و هوای آنرا استشمام  
بروف همیشه مونو لوگ خود را  
برآوش میکند. بدون من تیاترسقوت  
میکند. همه چیز بالای من استوار، تیاتر بازی میکند.

است) نخیر... نخیر، بین ما یک  
میکند به اندازه کافی بندۀ را مشبوع  
عالم توافق کلی است.

فقره ای را جستجو کنید و مار  
طلاق بدھید.

- همچو فقره ای قطعاً وجود ندارد یاشاید کدم علت دیگری را سرای  
داشته باشید که دلیل جدائی شما با  
وای... - ممکن نیست همچو فقره ای  
موجود نباشد از علم توافق شغل  
فروشید بعداً مثل اینکه منظور و کیل  
مدافع را یافته لبخندی زد و بکشش  
را لات و کوب کنند حتی ممکن است  
خون همیگر را بریزند، چرا باعث  
خواری شد و برای چه خون بیکنا  
هان ر ریخت؟ بگذارید هر کس به  
راه خویش برود.

زیداروف مرد خوش جانسی بود.  
توانست در صنف اول تیاتر تکنی  
بدست آورد. همینکه روشنایی  
سالون تیاتر خیره شد زیدارو فدید

و بعداً بر سرید: - و شاید شما شغل خانم تانرا آنطوری  
که لازم است درست ارزیا بسی  
نکرده بید؟

- چطور درست ارزیابی نکردام  
در صورتیکه من خصوصیات کار او  
شکل عادیش جو یان داشت، ولی  
زیداروف که چشمی بیش از همه  
شما در تیاتری که او کار میکند  
کاهی رفته اید.

«وجه اتفاک سفلور و دید  
کن یستوف همواره کنار اتفاک  
خواهیست در خودش میدانم»



## سفلور

در همان وقتیکه کا لیکوف و کیل مشکل زندگی ما خاتمه دھید!

وقت نیت استاد کارش را بیایان - همچو چی نمیدانم! آنرا راحت  
رسانیده بود و میخواست سوی خانه باشید بر خود تسلط حاصل کنید و  
روان شود، در برابر میز کارش مرد همه چیز را مفصل برایم بگوئید.  
داشده ای بتن و بکس پاره و کنده ای چه عدم توافقی در شغل تان ایجاد  
ناشده ای بتن و بکس پاره کننده ای شده است؟

- بعد ازین تمهیقات بازنم یکجا  
زندگی کنم نه.... نه نمی توانم -  
سلام، مرا یکی از دوستات نمیزد  
شما فرستاد من انجیر زیدا زو، ف  
او بعداز نصف شب به خانه بر می  
دانم.

- بفر ماید یتشنید. آرزو ندارید گردد و مرد از خواب بیدار میکند!  
قدرتی قهوه بنوشید؟

شما میتوانید تصور کنید که سفلور  
و به این ترتیب و کیل مدافع از  
مشتری اش استقبال کرده سوچ  
ز نصف شب خاتمه داستان نیست  
قهوة جوش را که روی میز شقرار  
خواهد تمام نقش هایی را که در  
داشت زد.

- فعل و قوت خورن ندارم! من تیاتر بازی کنند تمرين میتماید  
نیز شما بخاطر حل مشکل بزرگی رول همیلت، افیلیا...

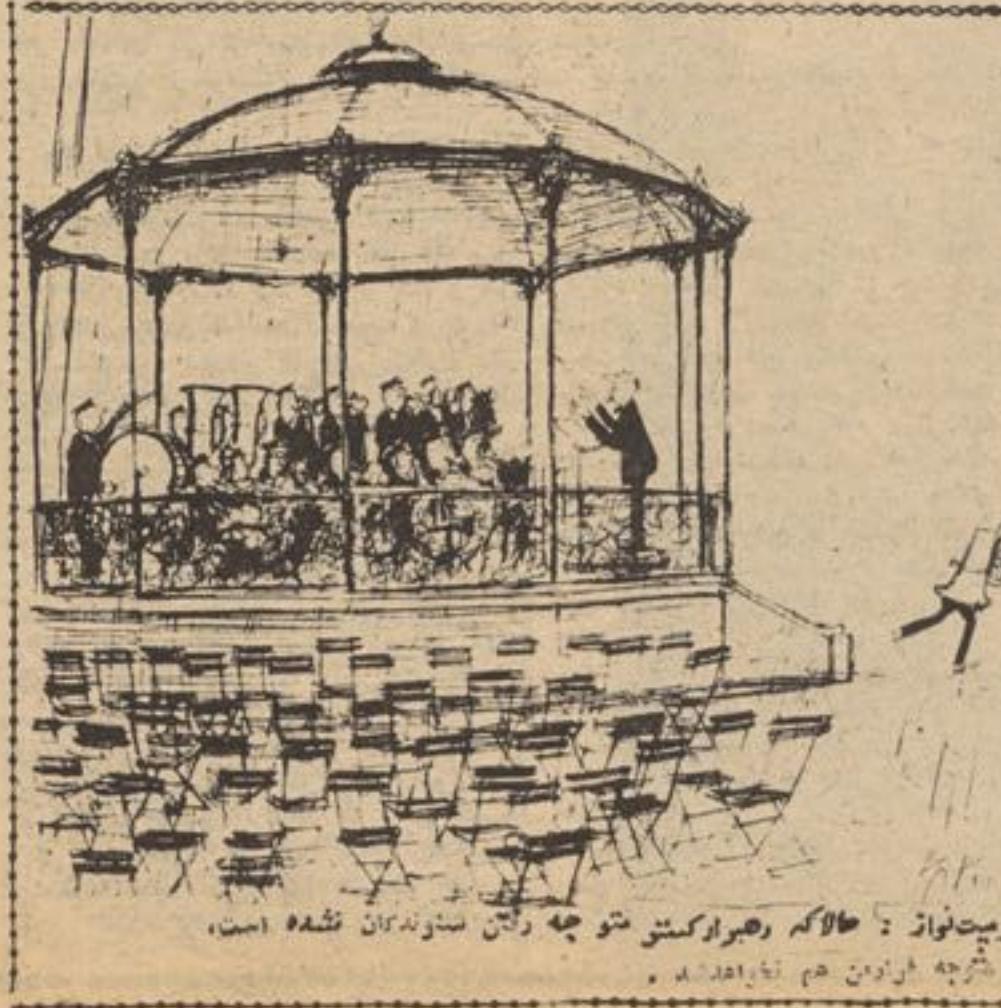
آمده امدو وقتیکه زیداروف این کلمات و آن نکاتی را که هنر مندان درست  
را بر زبان می آورد بیحد هیجان زده اد نکرده اند و به او خوب گوش  
می نمود و سعی میکرد چملکی های نداده اند به خاطرمیاورد... این دیگر  
ذریشی اش را باکف دست مرتب انسان را بجان میاورد! نه

کند. و در عین زمان سخن زدن ادامه نخواهد داد.

از پس زیداروف هیچانش نیست  
این دیگر ممکن نیست از امداد بود نه تبا بیانه قهوه خودرا سر

با فقط به شکل ساده ای اگر عرض کنید بلکه قهوه ای را که وکیل  
کنم شغل موافقی ندارم و نداختم دفاع درای خود ریخته بود بیز قابه  
در کار موجود نیست اطفا ماده ای که وشید و همینکه قدری سر حال  
ز قانون را برای ... در راند و به آمد به گفتارش ازمه دارد

- آما ممکن است گسان تمام





## فاراحتی

زنی برای دیدن دوستش بمنزل آنها رفت و او را اگر فته و غمگین دید . از او پرسیده : چرا غمگین هستی ؟  
چیزی نیست ، درین روز ها شوهرم خیلی نازاخت است . چرا ... ممکن است پای زنی در میان باشد .  
بلی همینطور است . پس آن زن کیست ؟ خودم .

بازهم قدم برای کشیدن قیچی پیراهن کوتاه میکند

## رهنمایی پدر

پسر به پدر - پدر جان و قفسی قالین را تکان میدادم ، این پول را یافتم ، بکو آنرا چیکنم .  
پدر - آنرا بعنده و برو باز قالین را بتکان ممکن باز هم پیدا کنی .



بدون شرح

## ابتکار

مردی از جلو یک دکان کبابی گذشت و چشمش به اعلانی افتاد که در آن نوشته شده بود «کبابی ۲-۳» آن شخص که مرد گنجگاوی بود هر قدر فکر کرد نتوانست مفهوم اعلان را بفهمد ، ناچار وارد دکان شد و از صاحب دکان پرسید : «کبابی ۲-۳ یعنی چه ؟ آنمرد جواب داد : وقتی از ۳ تو را تفرقی کنیم چندمی ماند .

گفت : یکه

کبابی گفت : پس منظور من هم همین است یعنی دکان کبابی درجه اول !



جانم: بیاتا من کهربندها بیندم

## غذای سگ

زنی به همسایه اش گفت : آقا بین امروز باز سگ شما یک مرغ چاق مارا نوش بجان کرده . خیلی خوب شد که گفتید ، پس امروز برایش غذا نمیدهم ، چون سیر است .

های قدیمی ...

- نمایشی اتاقک جدید سفلور ساختمان که من طرح آنرا داده ام ..

سفلور پرسه میزند گویا حسا سمر دیگر توضیح دادند و بعد از ینکه نیست لحظه‌ای هم از آن دور تمام ملزمت‌های زیداروف را خانمش بروند . آیا لازم است که اینطور مثل کوش داد خنده‌ای سر داده گفت : برانه دور آنا میچر خد . شاید آنا - احمق جان ، عزیز م اتیاتر ما مرضی درم را چطور یکه لازم است بدون یک هنرمند زید مرده بود حفظ نکرده و ممکن است او بهزمن تماشا چیان همه ازما رو کشتا نده علاقمند شده باشد ... ) وقتیکه پرده اول ختم شد زیدا - رسمی به یافتن جاکت و پیراهن می‌ریف به این موافقه رسید که در پرداخت و کسی یافت نمی‌شد تکنی تیاتر کار به صداقت و وفا دری بیش بخرد . خوشبختانه موفق شدیم کر نمیرود . مدن انترکت را با ناراحتی یستوف را دعوت کنیم . او هنر مند منتظر هاند تا پرده دوم آغاز یابد . بین نظری یست و مردم مقدمش را آن استقبالی که در همراه خانمشن کرده بود قدر گرامی دارند که تعریفش نیز برایش طاقت فرسا می‌نمود . ممکن است ولی او همیشه بدون در پرده دوم تمام تماشا چیان اینکه در امده ها ما رامشق و تمریس توجی خود را با یافای نقش کر کیتوف نماید را ساروی سیز ظاهر می‌نمطوف کرده بودند . او بدون تزلزل شود . چه باید کرد ؟ در غیر آن هنر نمایی میکرد .

تنهای را با کمال مهارت به کوییش اینهم کریستوف را قبول میکنیم ولی میشنایند ولی دقتاً ذاین هنر مند باید بدانی که این در جمله اسرار خلقی بند شی رو نمایند خود را آئست که باید مخفی نگهداشته شود بلی ! نمیدانم چه کنم وقتیکه من در همین لحظه زیداروف با خود آهسته حرف می‌زنم . کریستوف گفت : هیچ چیز نمی‌شنود و عصباتی میشود - خلاص سو به این عمل) تب واگر قدری بلند حرف زنم تمام عاشقی تیبیک «میگوید ... سالون حرفهایم را می‌شنود و به وقتیکه نمایش به آخر رسید زید - اداره تیاتر شکایت میکنند .

روف به سرعت بالا پوش خود را گرفت وقتیکه بخانه رسیدند زید اف وسوی اتفاق دیگو ریشن شتافت هنر پشت میز کارش نشست و یزنش روی مندان با هیجان کامل نمایش را بستر افتید و بخواب رفت . صحنه انتقاد میکردند فضای اتاق از بوی وقتیکه خانم زیداروف از خواب بر عطایات و گلیسرین شیوع شده بود خاست شوهر شس لوله‌ای از کاغذ خانم زیدا روف در حالیکه دست در کاک را بسویش دراز کرد و گفت : دست کریستوف داشت سر رسید - بکیر وایتره به تیاتر ببر ! این مهندسی بیچاره بادیدن این صحنه کاغذ نقشه جدید اتاقک سفلور تیاتر حتی گمی هم خجالت کشید . تمام است . اخراج جدید یخشن صوت شد ! است . قید دورانی داردو صدا را دقیقاً بسوی اکتور روی سیز انتشار می‌طلق !

کریستوف گفت : عالم های تشرک آنا ، تو حتی از در یکی از شبها و کیل مدافع رزیسور عمومی هم بعن عزیز تری ذفتر ثبت اسناد کا لیکوف شخصی قسم بخدا که همینطور است آنا را در دروازه تیاتر دید مثل اینکه شوهرش را دید .

- فیلیپ اتو دگه اینجا چکار میکنی و بزودی بخارط آورد : اتفاقی؟ افتاده ؟ - آقای زیداروف : باید همین طور فقط دنبال تو آمدم تا ترا به قضاوت کنیم که شما دیگر از مسازنل همراهی کنم آنا شوهر زولیده احوال نکرتید و دور ما دوری نزدید مو و افسرده خود را به هنرمند مردمی و در مورد طلاق تجدید نظر کرده اید معرفی کرد :

معروفی شوید او شو هر منست - بلی ، منصرف شدم ! من باخانم شوهر سابق تان ؟ - چشمیان از نگاه شغل و پیشه توافق کا ملی زیدا روف از حدقه بیرون شد . داریم اینست که به رفتن تیاتر عجله آنا از دست شو هرشن گرفت دارم امروز نمایشی بنام (غمی از واو را بطرف در خروجی برد . جانب عقل ) روی سیز می‌آید .

- چه اتفاقی رخدار هاست ؟ - این کدام نمایش است ؟ از درامه پایان در حاده آنها همه بیز را به هم -

# علیشیر نوایی

قس. ۵۷ دو

## ناینجای دامستان

پهار ذیایی شهرو باستانی هرات  
را دوچندان ساخته است. دوتن از  
پیش آفته‌گ ترین طلب علم مدرسه  
گوهر شاد زین الدین و سلطان هرآد  
براساس بعوت دوست شاعر خود-  
مولانا ترابی حلاوا فروش عازم بازار  
هی گردند و تو غان بیک همان تازه  
وارد را نیز با خود همراهیسازند.

و شخصی رانشان داده گفت:  
- آن مرد دیوبیک، پهلوان حیدر است...  
مرد قلندر که از عراق آمد بود، در موضع  
(حوض ماهیان) پادانک پنج ضربه کباری  
بر او وارد آورد و در آن استخوان های پایش  
(میده میده) شد. اما شیخ حسین جراح  
تو نیست پاهای اورا در گودال دفن نموده، پس  
از چهل روز مبالغه اش کند... آن جوان  
میست کاکه رای توازن کام بر میدارد، من بین  
او تو اوسه شاعر بزرگ شهر است که پیغمد  
هزار بیت سی و ده... خودنیز شاعر است.  
اما لرهاش رای پرداخت بول از جیب خود  
میشوند! آن بیرون ریش دراز که  
استخوانی شانه اش بیرون آمد و نزد آن  
بنقال توقف دارد، استاد عارف پهاره  
اورد رسی نوع حرفة صنت می‌طولا دارد:  
از نقاشی وزرگوی تاصر تراشی، از کمیا کری  
و صحافی تاختمگداری، شخص نادر و رزیده  
زمان خود بحباب می‌رود... و آن (عامل) سوار  
بر اسب را هوار قشنه که روی زین نکان  
میخورد، شادی بیک پسر عم داروغه شهر  
میباشد. روزهایی که ریش و میبل خود را  
اصلاح میکنید، هرگز کوشش نکنید بسوی  
زندیک شوید!

تولغان بیک و سلطان مراد پشت خنده دند.  
سیس از سرشاری فرد آمد، درین جمعیت  
ابوه درم داشل گردید و پس از کمی راه  
پیمایی از پیشوای قسمت اساسی از گ  
(راغ زاغان) بیرون شدند. اینجا- قوارگاه  
سلطان بود و نزدیک دروازه آن بیک ها.  
امراز بزرگ و سپاهان. نسبت بیرون دیگر  
بیشتر بمنظور میرسیدند. زین الدین توقف  
کرده گفت:

- یا سلطان بجای می‌رود و یا بیک  
قاصدی والانتظار می‌رنند.  
تولغان بیک نگاهی حسد الود به از گ  
انکنده گفت:

- یا سلطان بجای می‌رود و یا بیک  
نیجه نیست، چشم آدم با وضع عادی  
ندارد.

زین الدین به سلطان مراد نگاه کرد:

- آیا منتظر میکشم؟

زاء برو! دریاپیاقوت نماند سلطان مراد  
همنکه به (چهار سو) نقطه مردم از  
اصناف گوناگون مردم و پرازشور و علیله بازار  
نزدیک شدند. تولغان بیک دقت استاده شد.  
او بدون توجه به التماس اصرار آیین هرمان  
خود از آنها جدا شد، در گرداب بازار از نظر  
هایانیده گردید.

سلطان مراد خنده کنان گفت:

- مثل بیانگرد، از شنیدن اشعار گریخت!  
زین الدین دست خود را که از  
سلطان مراد خنده کنان گفت:

- باکن ندارد... شاید میخواهد پس از  
علاوای غایی دست و پاکند.

شاعر- نوابی، مردی باریک انسام.  
پر تحرک، متواضع. با جسمان شوخ و زرین  
که در حدود چهل سال عمر داشت. درین  
سیستی های بزرگ پر ازانواع حلوادرگان  
خود را با خورستنی یذیرایی کرد و مثل اینکه  
دیر کامی آنرا ندیده باشد، از احوال شان  
جویانه و از صحت وسلام و مشغولیت های  
باران و آشنازیان امتحان نمود و پس از مبالغه  
زین الدین که توک بر وتهای کم موی نورسیده  
خویش را پاک میکرد گفت:

- حالا که کام ما را شیرینی قند و نبات  
نخشدند آرزو مندیم قلوب ما را نیز با  
مقابی و از امکان های با ایمهت و جلال رجال بزرگ  
و (اویایی کرام) که همیشه درسکوتی عمیق  
فرورفتند. و امثال اینها خیلی زیاد وجود  
داشت. سلطان مراد مکررا درین موضع  
می آمدو از گشت و گذار به تهیای و فرد رفتن  
دراندیشه عیق، احساس لدت میکرد. او  
بناترین شیر کهن علاقه شدیدی داشت  
و به جمع آوری معلومات مربوط به بناهای  
کهن، میدانها، بازارها و پلیای آن از روی  
نسخ خطی قدیم، ولیقه هاوسانه ها چینی پس  
کرد. بود از وثایق و افسانه ها چینی پس  
می آمد که این تشریفا (اسکندر والقین)  
بناترین شیر میکرد. پادشاه لحظه ای  
سال- یک و نیم سال، ده ها بیت در باره بنا  
های تاریخی زیبا و مسدهاییت و پیشانی درباره  
هرات گردآورد. تمام گویندگان درباره  
برخی مسائل بحث مینمودند. و همانطور  
استاده روی یا، غزل نویا صدیده شاهر، و  
اهنگ جدید آهنگ ساز رامشید، باجوهان  
کوی و پرزن هرات توقف نموده بازیان ورویه  
آنان لحظه ای صحبت میکرد و باخواندن تک  
بیت هایی، شکم گشته قصابی راکه از چاقی  
زیاد پیش پایی میخورد، ترازوی کب و کوب  
بنال خسیس وبالآخره قرسیده میمودند.  
راکه میدایش در همامی پیچیده، یکایک مورد  
طنزگویی قرار میدادند. و بدینسان شخص  
معطریق اوناگیان متوجه میشدکه از (درروازه  
ملک) واقع در شمال به درروازه فیروز آباده  
واقع در جنوب رسیده است.

سلطان مراد بالجاجت زیر قول تولغان بیک  
که در نظر داشت آهسته خود را ازصف آنان  
کشیده راه گزین در پیش گرد، داخل شده،  
باوی گامهای سبک و شاهمنه برداشت. او  
بلند خاکی خود، دزمستحکمی بوده بسون  
هرات شدن از مدنه در حجره نمایک نیمه  
تاریک، پیغم طالمه گردید بود، برای گردش  
در هوای صاف و تازه، میل شدیدی در خود  
احساس میکرد.

در هرات بیهار است... در کوچه های پاک  
شهر که به دوستش خانه های کلی کهنه بود  
خوب و خراب و غالباً یک منزله صفت کشیده  
و درین آنها بناهای دومزله پیش از نیمه  
رنگین قدایرانشته اند. در میدانیانی که از  
ازدحام زیاد مردم جوش میزند، در پاگهای  
خرق درسیز های زمردگون و در خیابانها  
خورشید پرتوانگن است...

زین الدین در عین راه رفتن هر اهان خود  
را باخنان طنزآمیز میخنداند و گاهی لحظه ای  
از آنچه چداسته اینجا و آنجا سرمهزند و پس  
از صحبت کوتاهی با این یا آن آشنا دو  
برمیگرد و قصه های خود را داده میدهد.

سلطان مراد صحبت های درست خود را  
لیان پوش مرگسوار، پیشرون و هنرمندان  
خراب احوالی که لحظه ای هم از ترشیش (زندگی  
نیامده اند. بیکزادگان بیک، توانگران  
بایجن هایی از خیری موقه، امایی پاشنه که از  
پایوشی پدرانزی موقه، امایی پاشنه که از  
اصناف گوناگون مردم در آنجا میجوشندند.  
چشم دوخت. در محل تفامع سه راه بزرگ  
بیک های مفروز که سوار بر اسبهای تندر و  
پیش از خود، بیکزادگان بیک، توانگران  
بایجن هایی از خیری موقه، امایی پاشنه که از  
چرم های نرم و نازک سازند میباشدند.  
زندگانه پوش مرگسوار، پیشرون و هنرمندان  
هرات که در فصل بیهار جمال تازه ای کسب  
کرده بود، با حرص وولع شدید میگریست  
که حدایتگاری رانتوان (تعزیر) در کوچه  
و قلبش از شادمانی زیاد و توجی احساسات  
لطیف، لبریز میشد. او هرات را درست خود  
داشت. درین شهر عظیم که اطرافش با  
دیواری بزرگ کنکره دارمحماط بود، مدارم  
نداشتند و امثال اینها دیدند. تعداد  
کهداشی که هنگام سوال راه پر غابرین  
می بندند و از مساجیت زیاد میخواهند بدان  
که همچو همینه بند بمانند، همایی دیگر  
سرافرازته به قلب آسمان ساف زنگار کون  
کاخهای پر تمول آراسته باریزه کاریهای هنر،  
بانججه ها، کوشکهای نفس هادار واقع  
در همان چمنزار ها، حوشی های بزرگ با آبیهای  
صف سعکون احاطه شده بادرختان سرو،



مازوزی که در هر این یا کنایه ام در  
بازار این سیمای نایاب که جهان ساخته -  
سکونی شدید ام معلوم میشود که دریا  
دانش و معرفت را در سیمه حاده آنها میگشان  
نیازی به تعریف ندارد - شدیداً اشتیا ق  
داشتم تا این کوهر شناس شعر و ایمن  
فردوسی و نظری ام ادبی تغوردا از نزدیک  
بینیم سیپاس خدای را که اکنون نیازی  
دیرین خویش خواهیم رسید - لعل مطمئنانی  
را که در باره زندگی جناب شان دارید -  
ملخصاً برای هایان کنید "زیرا دریا  
زندگی شان هیچگونه معلومه ندارم" -  
مولانا ترابی سر بزیر الکند محمد قدر  
اندسته فرد و سبیل چشمای خود را به  
نحو خیال آمیزی نیم با زاموده بسخن آغاز  
گرد

(زائد ۱۳)

- یاد: استیبان شان رفته سلطان  
سلطان مراد که چشمها نمرط و پ خود را  
برادر زجایی میکرد -  
ستایشنه که عایین چشمها دایم و ایشان  
حال اینzel خود رسیده انسخونا فروشن با  
دست خود برای نیست اشیاهه کرد گفتار  
خود را دوام داشته زین الدین آیانو صحبت  
علیشیر را دریافت کرد -  
دریافت هم - لیکن چند بار به هدر سه  
ماله داده باستادان نا رابطه ای نزدیک  
داشتند -  
شانلو خواهی داشت از جوش خنده در  
همانطور که پروانه روی گلها پر وار  
منکد جناب ایشان نیز از همان آوان -  
کودکی درین ارباب دانش و اهل اندیشه  
و شعر و هنر تردد دارند -  
سلطان مراد با هیجان گفت:

- آیا راست است؟  
- طبعاً - جراوه تمام مردم شیر دروغ  
- این کمته علیشیر نوابین را ندیده ام  
نمیگویند -  
هردو طالب (حوب) گویان یکباره بسوی  
او پشم دوختند -  
علیشیر نوابی به شیر نایر گشته اند.  
آنده

اشعار لطیف خویش محفوظ گردانید  
شاعر بزیر خود که تاره نار های سفید  
در آن دویده بود ، دست گشیده گفت :  
چگاهه هایی که پتواند منظور نظرش  
فرار کرید ، نتوانستم بتوی سیم الرها  
تصفح نیافته ای دارم اما چنین می اندیشم که از  
خواندن آن بیرون ای خواه بیدرید من اساساً  
شماره ای آن اینجا فراخوانم که تسبیه  
صحبت های شیرین تا ن بودم .  
سلطان مراد باقا طعیت ا طیار

دانست :  
اعتباد رینجا خواهیم بود ، لطفاً  
غزلها را بیاورید . باینکه در هرات یا پیش  
شاعران زندگی میکنیم ، از یک هفته باینسو  
جز برخی اشعار را نیکل علاوه اندین چیزی  
نشنیده ایم .

خلو فروش بارامی از جای ر خواست و  
کتاب خیمه ری را از افق برداشته گشود  
واز لای آن چند ورق کاغذ جدید د شفاف را  
که فنه بخیزین الدین تقدیم کرد زین الدین  
و رفاه ای ایکن بعد دیگری از نظر گذرانندروی  
زمیو سلطان مراد گذاشت .  
اگر اتفاقات که رعف اقلیم نیز کسی  
دریامه خواندن بیای تو نمیرسد اشتباهه  
خواهم کرد .  
لطفاً بخوان !

سلطان مراد شعر را خیلی عالی و ذیبا  
میخواند هنگام شعر خواندن او ، حتی مصوع  
های معمولی که عاری از روح شعرست نیز می  
درخشیدند . او رای برخی توافق عمومی  
موجود در شعر دو مشترک اکه قبله حد س  
میزد مستو ر نکهادار ، باشور و شوق .  
بیشتر بخوانند آغاز کرد . زین الدین که  
غزل را گالباً از نقطه نظر آهنگدار بود نیما  
میداد ، لبریز ذوق و نشاط همراهیک با موسيقی  
الفاظ ، آرام آرام سر خود را حرکت میداد .  
او در آخر برای همه ارزش عالی قابل شد .  
در باره برخی شبیهای و کنایه های شعر  
اطلاع از نظر کرد ، تخلیات خاص شاعر را در  
روز آنها توضیح داد و از شاعر خواهش کرد  
غزل را که در میان رصف و صفت یکی از زیبارو یا ن  
هرات سروده شده بود بتوی پیشنهاد نادر  
محاقن و دستیان آنرا با موسيقی بسرا یدو  
ورق را چهار قات نموده . به کنج دستاگر بزرگ  
خورخلا نید .

سلطان مراد ، غزل را که باروچ صوفیانه  
سروده شده بود ، ستد و برشی ایات آنرا  
با ایات شا عربی چون حافظ شیرازی  
و عبد الرحمون جامی ، که زیبا نزین نموهای  
این نوع غزلها را سروده اند ، مقایسه کرد  
او بین مناسبت غزلها و ریاضیات تده ها  
شاعری را که در زمانها می مختلف خوانند  
بحافظه سپرده بود ، یکی بعده بیکر خواند و به  
تفسیر آنها برداخت . میر رامو ن ارزش  
فلسفی هر یک سخن گفت .

جهون سخن ن سلطان مراد بیان رسمیه  
شاعر بگان فرود آمدتا از جریان کار

شاگرد خیر گرد ولی بارگفت او صحبت -  
پیرامون شعر و شعرقطع شد . زین الدین

در باره جنبه های جالب اشعا ر یکتمداد شعر ای

جدید یاقدم هرات و ف نظر از کما ل

بالقصان آنها مثل اینکه باروش خاصی آنها  
رامور برمی قرار دهد ، مطالبدی چشمی

اطلاع را داشت میس در بارگزند گرس  
خصوصیت های برشی از شاعران یا کسانی سله

حکایهای لطیفه آنژنل تعود . هنگامیکه  
هزل آمیز ترین عطایات مولاانا جامی را مولاانا

سالی بخشود لشیش حکایه میکرد ، سلطان مراد  
جنان قاه - قاه خنده که نزدیک بود رود ،

بر شود او تازه میخواست از جوش خنده در  
حال لقیار جلوگیری کرد و خطاب به دوست  
خود : (عزیزم بس است حالاً بس است  
دکه) گویان نفس خود را رامست مینموده که  
مولانا ترابی وارد شد .

زین الدین پرسید :

عمل اینکه بیای سر زدن به دکان .

# رو انسانی

## مشکلات جوانان

### ذکری

این قبیل شاگردان از لحاظ ذکاوت سرشار و لیاقت طبیعی شان از شاگردان متوسط بمراتب بلندتر اند و در عین زمان مشکلاتی زیادی را نیز دچار میشوند، هملا مشکلات عقلی، یا فتن شغل و وظیفه، سازگاری به محیط و غیره.

درس عادی و فعالیت های اجتماعی چون از سویه آنها یا نیز است جلب تو چه شا نرا نمی کند. اکثر ا در تدارک مطالعات دقیق تر بر آمده میخواهند معلوم مات تازه وو سیعتر فراهم آورند. تخصص دریک رشته بنظر شان معملا تلقی میشود زیرا همیشه قوای عقلی و ذهنی خود را در شقوق مختلفه صرف مینما یند. برای اینکه از لپا قت های فطری آنها بخوبی استفاده شود بهتر است در تعیین شق تحصیل شان راهنمایی درست بعمل آید و عموما ما چیز های مورد دلچسپی این قبیل شان قرار



گیرد که شاگردان دیگر از آن عاجز صنفانش اضافه تر شده میروند شوند آنها میخواهند ازین رهگذر وقتیکه به سویه بلند تر می رسد فوقيت خود را بر شاگردان دیگر تقریبا همه رفیقا او را تنها مانده و به ای Bates بر سر نند رفته رفتند این عده جوانان مجبورند که به تنها کشیدگی بین شاگردان ذکری و هم حیات بسربرند.



### معلومات قازه

#### برای جوانان

دفتر ثبت موثرها در شهر فلتز بورگ در آلمان غربی از دفتر های بی نظیر اروپا است.

ماشین های کامپیوتر این دفتر احصایه های دقیق وارزشمندی را در باره بیست و یک میلیون موثر در اختیار دارد. هر گونه تغییر و تبدیل کمتر موثرها بوجود آید و یا رانند گان آنها تغییر مکان بد هند درین ماشین ها ثبت میشوند. هر گاه موثری به سرعت رود و یا را ننده آن فرار کند اطلاعات این ماشین ها بقدرتی دقیق است که نمره لایسننس و مشخصات را ننده را بدسترس معا مات مسئول میگذاشد و هر روز در حدود بیست و پنج هزار پاره اطلاعات تازه بر اطلاعات این دفتر افزوده میشود.

## در جستجوی دوست

باکسانیکه به عشق و محبت  
و عکشی مناظر علاقمند با شنید  
میخواهم مکاتبه داشته باشم.

آدرس: مزار شریف - عبدالواحد  
از شعبه سرمه موریت مزار  
شریف.

• • •

اینجانب کریمه گیتی میخواهم  
باکسانیکه به کتب ادبی و اجتماعی  
علقه دارند مکاتبه نمایم.

آدرس: لیسه عالیه درانی صنف  
دهم (ز).

• • •

انجانب نسرین عیتی میخواهم  
باکسانیکه به کتب اجتماعی و فلسفی  
علقه داشته باشد مکاتبه نمایم.  
آدرس: لیسه عالیه درانی  
صنف دهم (ز).

• • •

غلام سرور دهیل باکسانیکه در  
مورود تاریخ افغانستان بخصوص ص  
دوره اول ادبیات کلاسیک علاقه  
مند باشد حاضر به مکاتبه است.  
آدرس: صنف دوم دبیرار تمنت  
زور نالیزم - بو هنری ادبیات و علوم  
بشری.

• • •

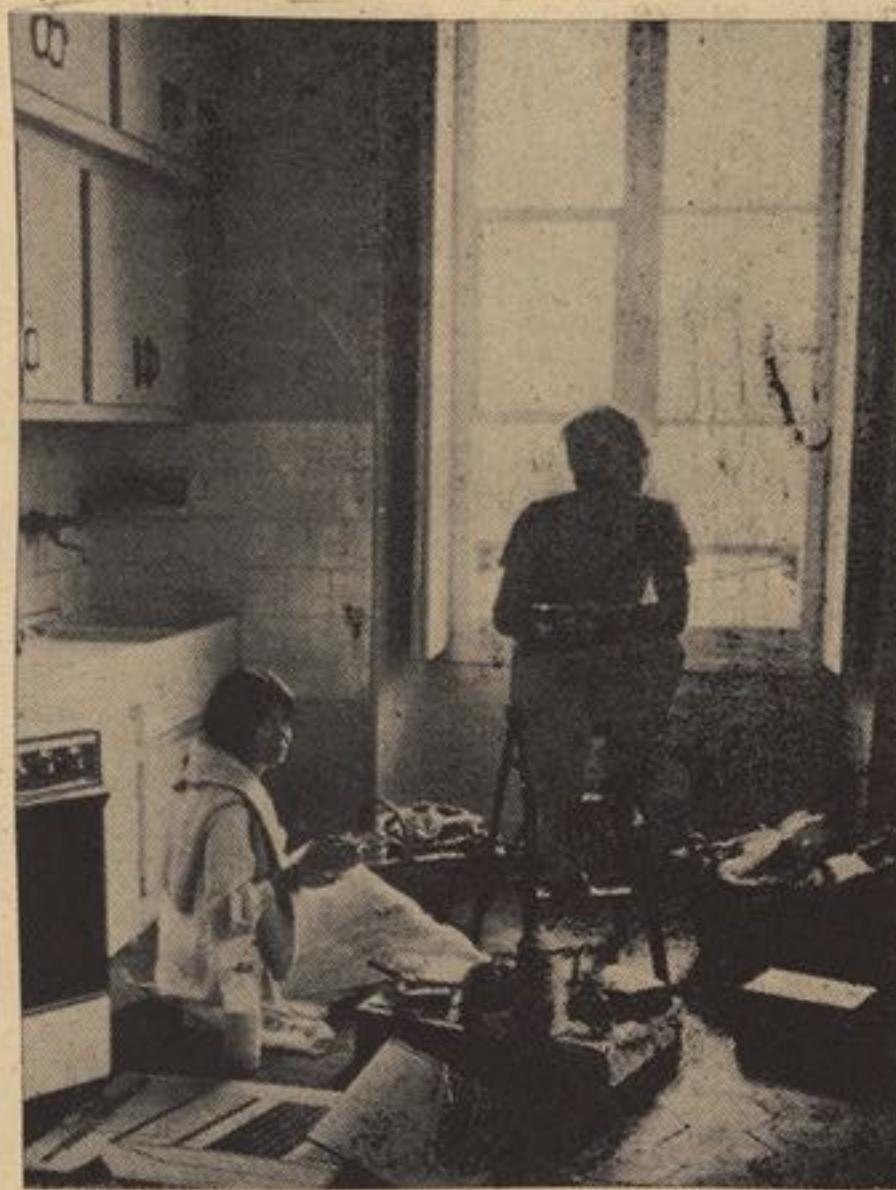
اینجانب محمد عثمان متعلم صنف  
دهم لیسه حبیبیه میخواهم باکسانیکه  
در قسم موسيقی وورزش علاقه  
داشته باشند مکاتبه نمایم.  
آدرس: لیسه حبیبیه متعلم صنف  
دهم.

• • •

آرزو امتد مکاتبه با برادران و  
خواهران خوش که در باره تیاتر  
معلومات داشته باشد میباشم.  
آدرس: گندز - محمد زیر متعلم  
صنف نهم شیرخان.

## جوان و روابط خانوادگی

دیده شده عده از جوانان ما که  
داشته تشکیل خانواده را داده اند  
زندگی خود را بشکلی اداره میکنند  
که بی شباهت به زندگی هیبی ها  
میگردند و بر استی که نظم، سلیقه،



نیست این عده جوانان که خوب شیختانه  
تعداد شاف که است با وجود دیکه تمام تائیری فوق العاده داشته و خانواده  
وسایل زندگی را در دسترس خویش و امیدوارد که در تمام شنون زندگی  
دارند به این کوئنه زندگی میکنند و تازمانیکه حیات دارند خود را مکلف  
حیات بسر میبرند.  
دانسته که این رویه را در پیش داشته  
شاید در زند آنها مفکر و ایده باشند و ازینجا سمت که فر زندان  
باشد که ما از آن چیزی نمیدانیم  
آنها نیز که زاده تریه و پرورش  
ولی یک چیز را تباشد فرا موش کنیم  
والدین خویش هستند در زندگی  
که زندگی ما، محیط ما، شرایط ما با  
این روشن را پیش میگیرند و آنرا  
زندگی محیط و شرایط مردم خارج  
سر مشق آینده خویش قرار می‌گیرند  
خیلی تفاوت دارد و مانند این به تقلید  
از آنها زندگی ساده خویش را  
با تریه افغانی بار آیند و آنرا تا اغیر  
عمر با خود داشته باشند.

خوب شیختانه که کسانی روی می‌شون  
آورد که برای خوب شیخت کردن  
دادید خوب شیخت هستید ولی کوچک  
دیگران میکو شنند.  
هم باشد.

(آیه دولیل)

فرستند هنری احمد «اکرمی»

خوب شیخت مرد در سایه دسترنج

او حاصل میگردد.

(ادیسن)

(هوگو)

یک نامه از چند نامه

## شخصیت معلم

معلم شخصیت برآزنه و در خور  
ستایش است. معلم معرف  
شخصیت اجتماع کشور محسوب  
میگردد؛ او که اندیشه وطن پرستی  
را در مغزها فرو میبرد او که منساعی  
وفعالیت هایش باعث ترقی یک معلم  
میگردد و این معلم است که با تریه  
به اولاد و طن ز مینه ترقی و تعالی  
یک کشور را محبی میسازد.

معلم یا این مشتعل در خشان  
و فروزنده که به استعدادها رنگ  
ازندگی میبخشد بدون شک مازنده  
جامه است و خواهد بود.

ازین جاست که نسل جوان آینده  
کشور ما احتیاج میر می به معلمین  
دارند و وظیفه این قشر رو شنفر  
وزحمت کش کشور است که با تریه  
صحیح و مسامی خویش شاکردان  
صالح وزحمت کش تقدیم اجتماع  
نابند که در خور و وظیفه و شان  
آنها است. خوب شیختانه معلمین  
کشور ما به این نکته ملتافت گردیده  
اند و از همینجا میتوان که امروز این  
رسالت را با جدیت و پشتکار ادامه  
میدهند تا برای فردا مملکت هم  
اولاد صالح تقدیم اجتماع نمایند.

نوشته از ظاهره نوشین

از سخنان آموزنده بزرگان  
اشک های دیگر آنرا مبدل به  
نگاه های پر از شادی نمودن بهترین  
خوب شیختی هاست.

(بودا)

انسان بعویله بر آوردن  
تمایلات نمی توان به نشاط و  
شادمانی بررسد بلکه در صور تیمی  
تواند به آن سر چشمه را میابد  
که پای بر سر این تمایلات بگذارد.  
(اندره کید)

تنها چیزیکه موجب منو فقیت  
میگردید تعلیمات و طرز تریه مادرم  
خوب شیخت مرد در سایه دسترنج  
او حاصل میگردد.

(ادیسن)

(هوگو)

# پول را بکودک خود بد هید اما... «خرج کردن» آنرا برایش بیاموزید.



تاجاییکه دیده شده عموماً از پسران  
و مادران پول را برای فرزند خود میدهند  
اما راه معقول خرج کردن را به آنها نیا مونه  
ازد. پدر و مادر باید اولتر از همه روشن  
و طریقی را برای فرزند خود باید با موزید  
که کودک نه تنها قدر و ارزش آنرا بداند،  
بلکه باید از همان دوران طفو لیت با این  
موضوع اشنا شود که چگونه پول را خرج  
کند؟ کجا خرج کند؟ و چگونه از مطارج  
زاید چشم بیوشید؟

این نکته زیادتر متوجه مادران است که  
چگونه از پول دست داشته خود واژ اشیاء  
خریده شده خود باطل صعبت کند چون  
طفل از همان آوان کود کی نظر بیا و  
عقاید را بدیر فته و بهره‌شکل و مسر  
حالش که باشد آنرا بخوبی بینند. چه بسا -  
زمان دیده شده که طفل در مرحله اول  
زندگی باشکست موا جه گردید و مشکلات  
مادی زیاد متوجه آن عیشود.

اگر واقعاً لکر شود پول به خودی خود  
ارزش واهیت ندارد اما ارزش آن به اشیا  
تبیه شده است که در زندگی روزمره -  
از آن کار گرفته می‌شود وقتی طفل شما  
نسبتاً بزرگ شد و راه صحیح خرج کردن  
آنرا آموخت برایش ما همان وبا هنگامی  
مقدوری انتخاب کنید. تابتو ند هم پس  
انداز داشته باشد و هم راه خوب خرج  
کردن آنرا بیا مو زد. همچنان مادر را نیکه  
در امور منزل مشکلات زیاد دارند پس ند  
که کارهای کوچک را از قبل پاک کردن  
میزها، آب دادن گلدان نهاده، غیره چیزهای  
به کودک معول کردن و در مقابل اش برای کودک  
پول بدهند.

این کار را صحیح برای بدمت آوردن  
پول برای طفل تان می‌باشد.

همچنان در موقع خرید اشیا طفل تان را  
هر راه تان ببرید تا آن طریق خرید اشیا را  
بیاموزد برایش اشیاء گران قیمت و ارزان  
قیمت را نشان بدهید تا خوب بدموز آن  
اشنا شود ولی تاحد انتظمی کو شش کنید  
که طفل از مصارف زیاد و ولغز جی دوری  
کند چون اگر مصارف زیاد عادت طفل  
می‌شود طبعاً روز بعد طفل چون پول ندارد  
محبوب است فرض کند که قریش کردن  
بزرگترین در دی علاج نایاب برای است که  
همان کودکی متوجه فرزند شما می‌شود.

توندون

## صورت پین: قاب مناسب با این

فرم صورت بزرگ است و بینای نسبت‌آزادی  
طبود. بیترین فرم عینک با قاب مستطیل  
شکل است.

\* صورت بیضوی: برای صورت بیضوی  
تقریباً همه فرم های عینک برازند است.

فقط به اندازه صورت راند نظر گرفت و  
قاب عینک همراهی یافان انتخاب کرد.

کسانیکه صورت های بیضوی گوچکی دارند  
نایاب از عینک های بزرگ آن انتخاب کنید.

\* صورت گرد: برای این فرم عینک ها  
یا قاب چهارگوشه یا شش گوشه، یا هشت‌گوشه  
مناسب است. زیرا صورت دایاری‌تر نشان  
میدهد.

\* صورت به شکل قلب: برای این فرم  
صورت باید عینک هایی انتخاب گرد که صورت  
را به شکل بیضوی نشان بدهد. بیترین فرم  
عینک برای این شکل صورت قاب‌های چندگوشه  
است.

\* صورت به شکل مثلث: تایپیای بیضوی  
برای این فرم صورت مناسب است. این فرم  
قاب از بینای چهاره در ناحیه بیشانی و  
اطراف گوشه خارجی چشم میکند.

تبیه‌کننده: سیده شامل.

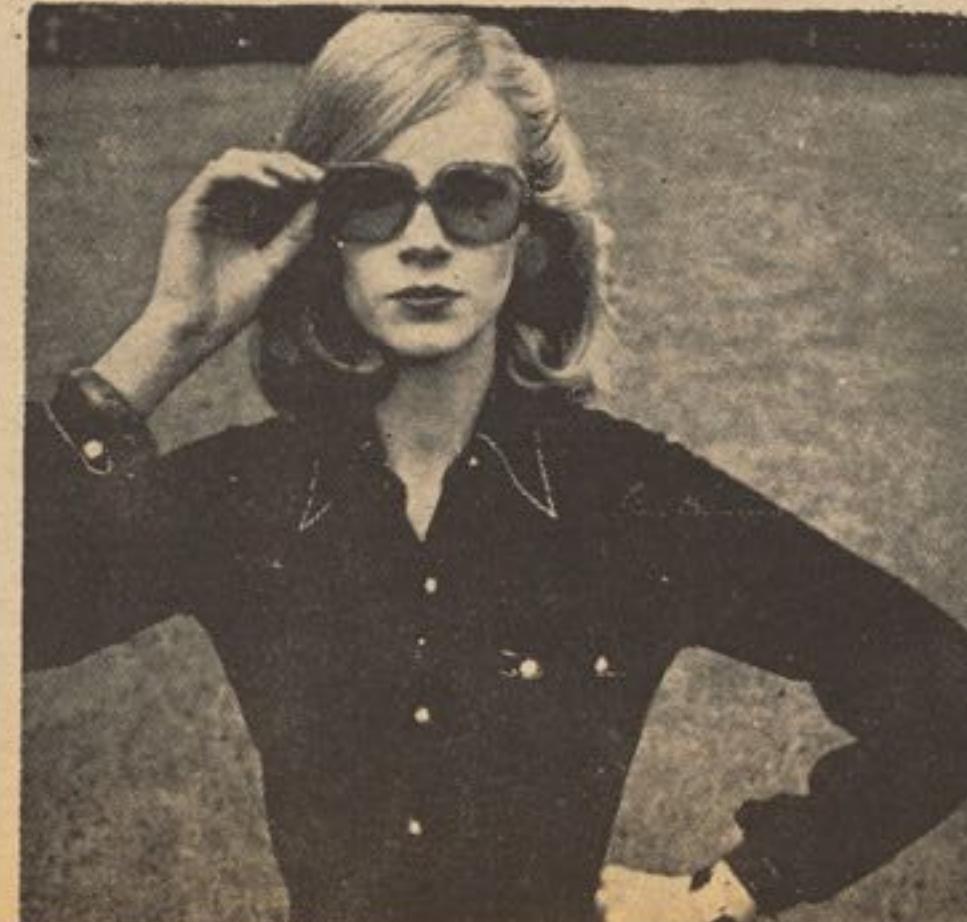
کدام عینک برای چه نوع چه نوع  
صورت؟

## از عینک زدن نحو سید، فرم عینک را درست انتخاب کنید

عینک از پیرایی هایی است که اگر درست  
انتخاب نشود، از زیبایی صورت میکشد.  
برای انتخاب درست، باید ابتدا فرم  
صورت را دو نظر گرفت و بعد عینک همراهی  
بمان تبیه کنید.

\* صورت مربع: برای این فرم صورت  
عینک هایی با قاب گرد مناسب است. قاب‌های  
گرد سبب می‌شود که زاویه های قائم مناسب  
چهاره گوشه به چشم بخوردند.

صفحه ۴۳



## زن از هر نگاه

نویسنده: زن شرق است که آفتاب سعادت از آن مطلع می‌گند.  
دکتر: زن بپرین دوای رفع خستگی است.  
بانکدار: زن در همه جای دنیا اعتباردارد.  
زورگر: زن حکم جیوه را دارد که جزو طلاجیز دیگری نمی‌تواند را جلب کند.  
باشیان: زن کل نیست و به همه گلها بسیاست.

تاجر: زن جک سفید اعضاء شده است.  
آسیز: زن نمک زندگی است.  
روپاچی: دان زن معاد له چهار بعدی است.  
فرهانده: نظاً هی: فر عاند هی یک سیاه آسان تر از رهبری گردن زن است.  
روان شناس: احتیاج به زن بسیک امر طبیعی است ناظروری  
فرستنده: س. ش.

## مودوفیشن



خشت مالش مید هند تا چر کهای ان ها از برنگ بلوطی و با سیاه بروز می‌گند.  
ولاعوه بر آن سایر امراض یو سنت زیادتر بین برود که این عمل باعث چیزی نکسی از ناحیه یو سنت صورت شروع می‌شود چون بوسیت بدن گردیده و ایجاد زخم هارا زیادتر در معرض شماع آلتراپ خشتم خشت خوردگی می‌گند.  
است. همچنان دیده شده که بسیاری از دختران خطر ناکی در پیش رو دارد اگر کسی این کارها را می‌کند فوری از انجام آن از این به بعد خود وزنان دست ها و باهای خود را تو سلط داری کند.

## موضعی بنام ((مودار دافه)) سود چار من شد

اگنون که این نامه را پیرا یان مینو یسم سرم فرود آمد شاید بدایلی کمچه بود . . .  
زمنی لوش های جوی حویلی خود را کشیده بود. آنرا درین لکن بزرگ اندخته از پشت بام آنرا کوچه انداخت که راسا به سرم افتاده لوش پر و لوش الود در بین کوچه ایستاده شدم چاره نداشت که چه کنم. لوش آنقدر بیوی زنده بود داشت که بکلی کچی شده بودم با چه مشکلاتی خود را خانه رسانید چند روز بعد از آن بغا ذاتی به رویم و دستانم برآمد هر چند دوا کردم فایده نکرد همه قسمت وجودم را گرفت که از حمام بنام مردار دانه را بدانم شود.  
من نمیدانم که چرا بعضی ازها میلها به صحت مردم و حتی صحت خود علاوه فتنه نیستند بی میبا و بدو ن در نظر گرفتن موقعیت و دین در رو بش هر کار که دلشان بعواید می‌گند . آخر تابه چه عقوق از راه مجلات نشر یه و رادیو برای آن ها فهمانده شود که چه کاربرکنند و چه کار نکنند تاچه عقوبات به پاکی و حفظ الصحیه محیطی خود توجه نمی‌گند . تاچه وقت بی خبری و بی بند و باری به همه چیز هایی بلای اکنون به سر من آمده لطفا همین نامه را نشر کنید که دیگر بلای از لطفا همین نشود . با احترام س. نوری از جندا ل

لطفا راه حلی جستجو کنید برای ..

## بزرگترین مشکل که یک خانم خاندار در زندگی شخصی اش به آن مواجه است لکه های صورت و بخار روی می باشد



یگانه پرایلی که خانم های خاندار وحشی بعضی از دختران به آن مواجه اند علایم کلینیکی و بیماری های خطرناک بوسیت خود را - تظاهرات بوسیت است که مخصوصاً در اثر خود دهن دواهای شد. حاملگن برای خانه دار بیندا می‌شود لطفا راه علاج برای آن دریابید "ولی های هر رنگ و هر قسم را استعمال نکنید."

خوردن روز افزون دوا های خدحامنگی باعث لکه های زیادی درنا چه صور تو بعضی اوقات بوسیت بدن مگردد. خوردن و مصرف کردن مسکن در دوران عادت ما هانه و بی سر دردی باعث می‌شود که لکه ها و بخارات علاج نا پذیری بصورت ایجاد گردید. افزایش در حمام گرفتن در موسم گرما، گیسه زدن

بوسیت صورت سبب ناراحتی بوسیت می گردد. زیرا در اثر تجارت و دیده شده که بوسیت صورت تدرانها لش کیسه خر اب کویده لکه های کوچکی سیاه سیاه به صورت بیندا مشود و عینچنان بوسیت صورت در مقابل گر ما آلتا ب بشد ت حسیت نشان میدهد و گر شخصی عادت نداشته باشد و برای مدتی اگر در اتفاق فراز گیرد امکان دارد که عکس العمل و واکنش بوسیت صورت دو مقام شما افتاده باشد بصورت



# هردی بالنفای برقه

جان بنت در آنروز تا دیر مقتضی  
آماده شدن نان چا شست خود شد  
او بیرون رفت تا ببیند که دختر شر  
چه شده بود. وقتی جان بنت بادیک  
مواجه شد، مو ضوع غیبت دختر شر  
را با او در میان گذاشت.

دیک در حا لیکه دست روی شمان  
جان گذاشت او را تسلي میداد  
آنار درد و رنج را در سیماه پیرمرد  
خوانده به او گفت:

- ایلا، امروز من به صراحت  
اطینان داد که مرد دوست میدارد  
واز و عده خود هیچگاه عذر و ل  
نخواهد کرد. آنچه که باشد میشند  
میشند و آنچه را که همیشه آرزو هند  
فهمیدنش بود، فهمید.

جان بنت نکاهی بصورت دیک  
کار دون انداخت و از او پرسید:

- اما شما آقای دیک از قول وقار  
خود نخواهید گشت. آنچه که باید  
شما همیشه به آن تو جه داشته

باشید؟

زندان در باره علم استفاده از دوسيه هر کسی که خودش میخواست میتوانست برای ملاقات دعوت کند. دیک پاسخ داد: البته این را میدانم.

ایلابنت در آنروز مثل آنکه بروی  
ایرها پرواز کند سبک و بی خیال  
شده بود. یک اطینان عجیب پیش از  
کرد، تمام تر دد و حدود لی هایش  
با وحشت و ترس که در روز های  
آخر داشت، یکسره زایل شده بود.

پدرش به دور کینگ رفت و در  
بازگشت آثاری عمیق از درد و رنج  
مبهمی در قیا فه اش پیدا بود.

بادین ایلا اظهار داشت:  
- از دو روز به اینظر ف مکتوبي  
برایم رسیده و در پسته خانه مانده  
است. من آنقدر به کار فیلمبر داری  
کنم.

و محکمه عالی استیناف ساعت غرق شده ام که سائز مشغول یتسها  
صبح چهار شنبه آینده تاریخ وظایف فرا موشم شده است

وساعتمد اجرای حکم اعدام تو تعیین دکر بند نبال دختر شن  
کرده است.

رای سرش را پائین انداخته جواب و وقتی ایلا به عمارت بر گشت جان  
دار: آقایان از لطف شما تشکر می بند آنقدر به رفتن عجله داشت که  
حتی فرا موش کرد کمره عکاسی اش

کنم.  
- آقای کلو نل کار دون در چه را بر دارد.

ایلا عادت کرده بود که ناشتهاي  
باره فکر میکنید؟

دیک پاسخ داد: در باره تو صبح و نان چا شتش را تنها بخورد  
در باره تو فکر میکنم واز خود میشند. گا هکاهی مدیر زندان راجع  
او اجازه داشت، کسانی را که برسم که آیا دوست دارد. زندگی میکرد، او تقریبا در منزل  
بدیدنش می آمدند، بیندیر. البته همانکونه که من ترا دو... بیندیر؟ تنها می بود و بسیاری شبها را به

## تاينجاي داستان :

گفتر مامور لایق پولیس به تعقیب سازمان بقهها زندگی اش را از کفداد.  
الک معاون کمیسر پو لیس به تشویق دیک گاردن به تعقیب  
مایتلند پیر کمره موقی استعیان ایله. رای بنت جوان که نزد هایتلند کار  
میکند، بهتر تشویق لولا با نوایارتمان لوکس به کرایه گرفته می  
خواهد به خدمت خود نزد هایتلند پیر خانه دهد و تلاش خواهش برای  
ادامه کار او نزد هایتلند به کدا مرتیجه نمود و داده واقعه میکند  
دیک از طرف وزارت خارجه انگلیس مامور حفاظت یک سند میشود. اما  
استاد از سيف منزل لارد فار میلو، بطرز اسرار آهیزی به سر فتھیروند  
تحقیقات پولیس هاگن مدیر کلپ هیرون گرفتار میشود. اما هاگن  
بطرز عجیبی فراد میکند واکسنون پولیس به اثر اشتباهی که دارد  
بکس های راکه هرا جعن در شبکه حفظیه استیشن های دیل به اهانت  
می سپرند در دفتر هر کزی تفتش مینماید. در اثنای تفتش بعضی دو  
دفتر پو لیس منطق میشود و اینکه داستان.

و او شناخته نشده به مجازات  
بررسد. خوشحال بود که بی سر و  
حدا محکوم به مرگ شده است او  
به اسم جیم کاتر که نه پدر و مادر دارد  
دارد و نه دوستی به محاکمه کشانده  
شد اگر او به رسم جعلی جیم کاتر  
اعدام میشد، بنا بر این بیهوده بود،  
روزهای آخر زندگی راهم به همین اسم  
سپری مینمود. زندان بان که رای  
زیر نظر او در زندان نشسته بود  
تاریخ اعدامش را به او خبر داده  
کفت نظر به قانون پس از گذشت  
سومین یکشنبه بهدار آویخته خواهد  
شد کایسلان و مدیر محبس همه روزه  
از او خبر کیری میکر فتند همیشه  
ذقت ملاقات با نگشت اعلان میشند  
و هر بار که آن ما مود سرخ  
موی وارد سلوی میشند، رای از  
جاشیش می بر خاست.

- کاتر، کدام شکایتی ندارید؟  
- نی آقای مدیر.

- فرمایشی داشتید؟

- نی آقا. هیچ تقاضای ندارم.

مدیر به اروی میز نظر اندام خست  
یک دوستیه تحریر که برای استفاده  
محکومین در اختیار شان قرار داده  
می شود. به روی میز وجود داشت  
و بهمان شکل بدون آنکه دستی به  
آن خورده باشد، جلب نظر مینمود  
مدیر سوال کرد: شما یکسی نامه  
نحو شته اید؟ شما میتوانید بنویسید.

- بله، می فهمم. مگر من کسی  
ندازم که برایش چیزی بنویسم.

- کار تر! اصلا شما کی هستید?  
شما یک ولگرد عادی به نظر نمی آید  
شما تربیه بیشتر از یک ولگرد دارید  
و همین رفتار تان شما را سایر ولگرد  
ها متمازیز میسازد.

رای در لای زندانه های چرخ  
حادثات گیر آمده بود و می باشد  
گردش این چرخ را تحمل کند. او  
اصلا مرد بود. عیچکس حاضر  
نشد، لااقل بخاطر عقب انداختن  
حکم اعدامش سعی بخراج دهد یا  
تقاضای تجدیدنظر بر فیصله محکمه

را بینماید. روز نامه ها هم چندان  
نشریات جالب ویر و سر و صدا در  
بازه این حادثه نگردند تا تجدید  
جریان محکمه را سبب میشند.

علاوه رای از وکلای مدافع مشهور  
هم تقاضا نکرد که از او دفاع کنند  
و وکلای مدافع هم حاضر نشدند.

بیزامون این قتل بمشوره پردازند.  
زندان او را ترک گفت.

زیرا او یک قاتل چندان دلچسبی  
میشند. گا هکاهی مدیر زندان راجع  
به رفای کار تر هم سوالاتی مطرح  
میکرد اما رای بیشتر از سوال مدیر



خواهی همسر من بشوی؟  
ایلا که یک مقدار بخود مسلط  
زحمت شنیده میشد گفت: من یک  
شده بود جواب داد: نی!  
من حاضرم هر چه خواسته  
باشی بتو ببخشم، ایلا...  
ایلا جوابداد: واگر شما تمام  
طلای روى زمین را بمن هدیه  
کنید، حاضر نیستم باشما ازدواج  
برای چند لحظه تمام تاق بدور سر  
کنم!

صدای آن مر دیشتر نرم و

نهایا بی خوی گرفته بود.  
ایلا چای برای خود درست کرده  
ضمون نو شیدن آن نامه عاشقانه  
وحشتناکی به آن میداد.  
مرد نقاب پوش گفت: داد و فریاد  
مکن. من یتو آزاری نمی رسانم.  
صدای مرد ناشناس بسیار خشک  
و بیرون بکوش ایلا آمد.  
ایلا با لکنت زبان پر سید: تو کی  
عستی؟  
مرد بیکانه پا سیخ داد: من بقه  
هستم.  
برای لحظات کو تاه که برای ایلا  
سالها طول کشید، آن مرد بی حرکت  
در چو کات در واژه ایستاده ما ند و  
مجددآ شروع بحروف زدن کرد.  
— ایلا بنت می توانی بمن بکو نی  
که چند نفر تو را دوست دارند؟  
کار دون، جانسون ویله. بقه نسبت  
به دگر ها فوق العاده بتو علا قمند  
است.

آن مرد مکنی کرده منتظر جواب  
ایلا شد. اما ایلا قدرت یک گلمه  
حرف زدن را در خود نمی دید.  
بقه اظهار داشت:  
— مرد های برای زن خدمت کرده،  
حتی بخاطر زن مر تکب جنا یت و  
آدمکشی می شوند و بدنبال آنچه از  
کار های شرا فتمتدانه یا غیر  
شرافتمندانه که میکنند، یک خانم  
در همه این اعمال دست می داشته  
باشد و این خانم برای من توهستی  
ایلا. ایلا سعی برای شد ختن  
او نمود:  
— اما تو کی هستی؟

آن مرد تکرار کرد:

— من بقه هستم. تو می توانی  
این نام را برای خود داشته باشی.  
اما من می خواهم ترا داشته باشم.  
وقتی بقه آثار بروز تری را در  
چهره ایلا خواند، دست خود را  
بلند کرده گفت: تو می توانی  
داوطلبانه پیش من بیاری.

ایلا چیغ زد: شما دیوانه هستید.  
عن شمارا نمی شناسم چطور میتوانم  
که شمارا... آخ فکر کردن در باره  
ایلا خفه ساخت. مو جود ناشناس  
یک بالا پوش سیاه که بتمن داشت  
لطفا بروید!

بقه در جوابش گفت: من میروم.  
مگر شما، ماد موازن ایلا مایل  
صورت و کله اش پشت یک نقاب  
هستید با من ازدواج کنید؟  
ایلا سرش را به علامت منفی  
تکان داد.  
بقه دو باره پرسید: ایلا، می-

ایلا یک لحظه بیشتر این در واژه  
را بسته بود. اما در واژه اکنون به  
بسیار آرامی یک یک انج باز میشد.  
ایلا برای یک لحظه دچار ترس و  
وحشت شد و دفعتا از جاییکه  
نشسته بود پریده صدا زد:

— در آشپز خانه کیست؟  
در همان لحظه در چو کات تا ریک  
در واژه قیافه بیدا شد که دیدن  
شکل آن صدای فریاد را در گلوی  
ایلا خفه ساخت. مو جود ناشناس  
یک بالا پوش سیاه که بتمن داشت  
بسیار تنوره و قوی جلوه مینمود.  
صورت و کله اش پشت یک نقاب  
ترس آور ورا برای کهروی آن  
زروق وابرك کار شده بود، قرار  
داشت. نور چراغ به روی شیشه های  
تکان داد.

# پهلو افانی

در سالون پهلوانی مونش در  
برابر بنجهزار تما شاچی ششصد  
نفر از قویترین مردان دست و  
بنجه با هم نوم کردند.

درین مبارزه برای کسب شصت  
کپ قهرمانی بود که بائیست بروز  
ترین و معاصر ترین آنها از میان این  
ششصد نفر آنرا بدست می آوردند  
از چندین سال بدينظر ف ویا اگر  
دقیقتر بگوییم بعد از مسا بقات  
المبایی مکریک ما شاهد قهر مانی  
ها و انکشا فات روزافزون این رشته  
ورزش در سراسر جهان میباشد علت  
عمده رادرین راه میتون باستا نی  
بودن این ورزش قلمداد کرد.  
وعلم دوم آن را وسیع بود ن

وزنه هایم در ضر بھای مختلفه بر  
داشتند.

۱- در سال ۱۳۴۸ - ۲۵۰ گیو  
گرام  
۲- در سال ۱۳۴۹ - ۲۲۰ کیلو  
گرام  
۳- در سال ۱۳۵۰ - ۲۰۰ کیلو  
گرام  
۴- در سال ۱۳۵۱ - ۲۰۵ کیلو  
گرام  
و در سال ۱۳۵۲ - ۱۸۰ کیلو  
گرام

بوده که به این اساس رو به نزول  
نموده ولی به گفته خودش هرگز  
دامن ورزش را رها نخواهد کرد  
تا زیده شود نتیجه به کجا میرسد؟

شاغلی دلزاد

# ورزش

## تیم ملی فوتبال انتخاب شد

کوکیبیر، رحمت الله از تیم پوهنتون  
کابل عیدا لستار از کلب تاج و  
محمد اسماعیل از کلب میوند و محمد  
شریف از تیم اردو فون بیک عبدال-

لبصیر از کلب میوند استد الله از کلب  
میوند سید عبدالله از کلب پاس و  
خلیل الله از تیم منتخبه اردو آف بیک  
رحمت الله از کلب پاس کریم  
کوکیبی از کلب میوند محمد فاروق  
از کلب پاس و محمد یونس از تیم  
معارف سنتر آف محمد زمان از کلب  
یامیر، محمد صابر از تیم پوهنتون  
کابل - نور آغاز از کلب اتفاق، محمد

یاسین، نز تیم منتخبه معارف، احمد

شاه از تیم پوهنتون کابل محمد

ابراهیم از کلب پاس محمد حسین

کابل شاه محمود از تیم منتخبه

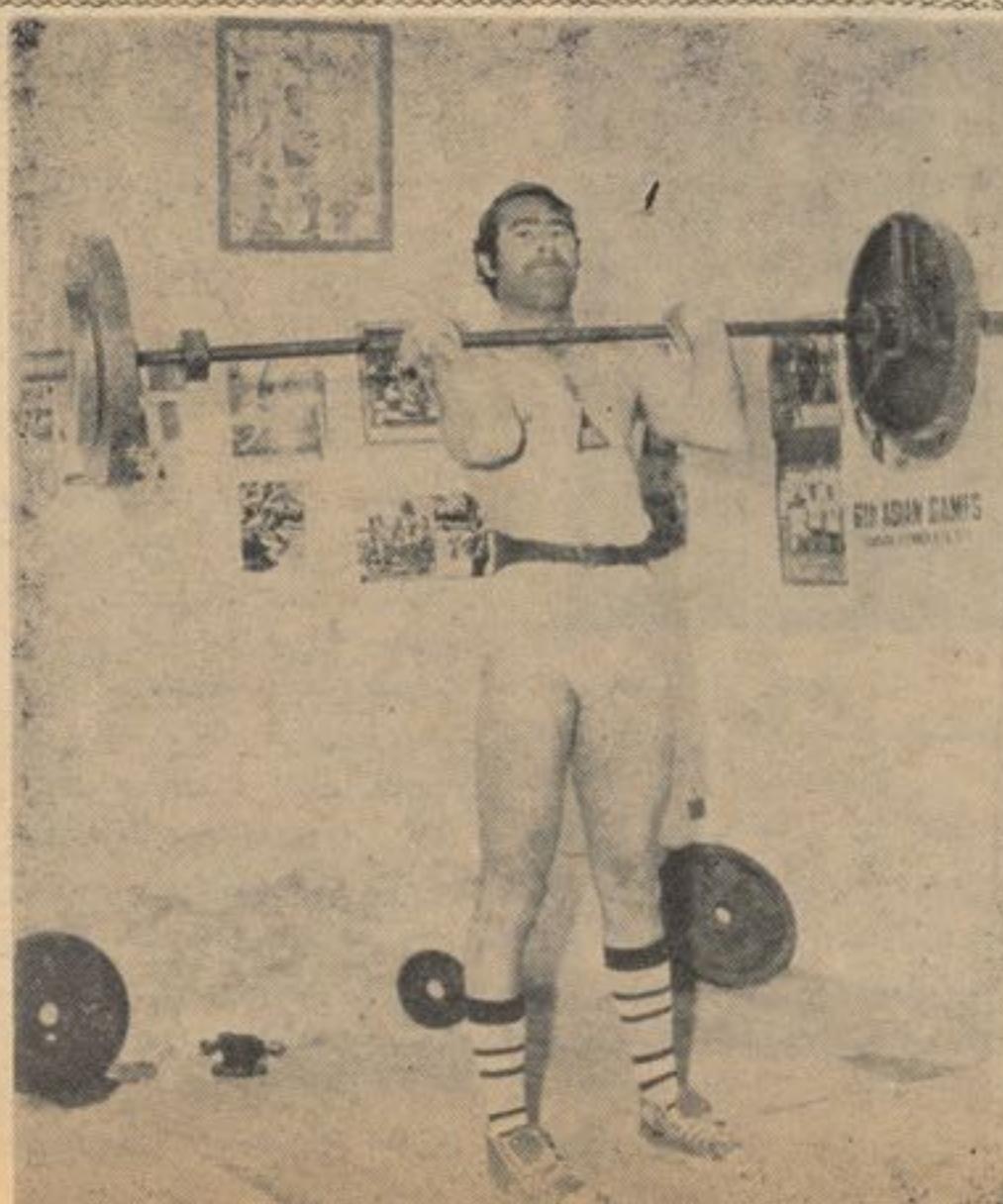
کلب یامیر و محمد فواد از کلب پاس

نمیتو نست اشتراك نمایند لذا  
باز هم از میان انتخاب شدگان ۲۲  
نفر آن انتخاب گردیدند که برای  
یکسال عضویت تیم ملی را میداشته  
ستدیوم دایر شده بود ۲۲ تن آن  
عضویت تیم ملی را حاصل نمودند  
اشتراك همه فوتبال اران کشور اعم از  
فوتبال انمرکز و ولایات دایروازمیان  
تیم ملی ما برای آمادگی بیشتر  
به قواید و اصول مسا بقات بین المللی  
تحت نظر متخصصین داخلی و خارجی  
میشنوند و آنایکه قدرت خود را از  
به تمرینات اساسی داده میدهد.  
از جمله همه ورزشکارانیکه درین  
واردین رها خواهند کرد.

تور نمنت اشتراك ورزیده بودند  
بیشتر از ۲۲ تن آنها بهترین  
عضویت حاصل نموده اند عبارت اند  
تکنیک و تکنیک را برخ هیئت ذوی  
وتما شا چیان کشیدند ولی ازینکه  
در تیم ملی بیشتر از ۲۲ نفر

## دلزاد وزن بردار خوب

یکی از وزنه بردار از خوب  
کشور مابناغلی محمد اکبر دلزاد معلم  
وزنه برداری کلب آریانا سنت وی  
که از آوان طفلی بورزش علاقمند بود  
توانست در اکثر سپورت ها دست  
یابد مخصوصاً بعد از توصیه داکتر  
معالج که تداوی هریضی دلزاد را تها  
ورزش گفته بود بناغلی موصو ف به  
ورزش علاقمند گردید و تا آنکه رشته  
بخصو ص خوش را وزنه بر داری  
انتخاب کرده و درین راه موفقیتی هم  
بدست آورده بناغلی دلزاد میکوید  
که در کلاس ۶۴ کیلو گرام مجموع



# که در مو نشون با هم روبرو شدند

ورزش سومین بازی است که در مساحه مسا بقات و تعیین وزنه های سر اسر جهان علاوه‌نمیان زیاد داشته مختلفه که از جوانان کم سن گرفته واز جمله ورزش های دلچسب به تا پیر مردان میتوانند درین ورزش حساب میروند روى همین علت فدرای سیون جهانی پهلوانی بنام (فیلا) قبل از آغازی و اولاً تیک این بوجود آمده که آن فعل (۱۰۳)

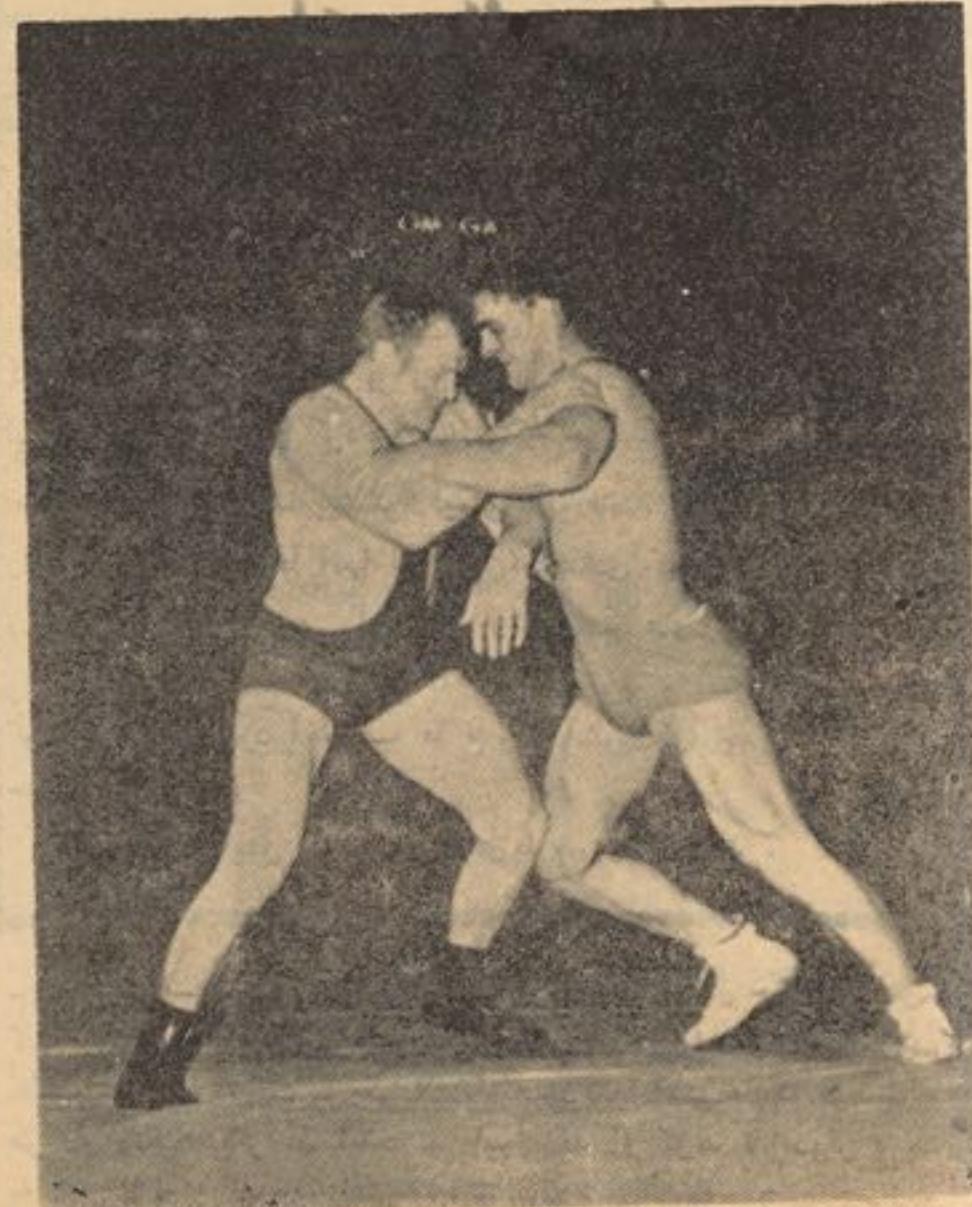


مدوید در مقابل دورالیف

کشور از پنج قاره شامل میباشند احراز مقام قهرمانی محدود مربوط درین فدراسیون قوانین مشترک کسی در هر مسابقه کنستی آزاد پهلوان و ضع شده تا در همه جا این ورزش ترکیه کپ های و مدال های بدست را روی اساسات معین در آورده من آوردن ولی احالا دیگر کشورها متحد الشکل سازندو تا هنوز بسیاری هم میتوانند قهرمان به میدان بفرستند از قوانین ر که خاصه بعضی از اکنون پهلوانان بی رقیب کشور کشورها بود تغییر داده مدت ترکیه در مقابل خود رقبای چون مسابقات طرز دایر تمدن تورنمنت پهلوان شوروی وبسیاری از کشور ها طریقه گرفتن نمبر وغیره را تعیین کردند های جهان را دارند . پهلوان ترکیه با روحیه قوی نموده است این فدراسیون با طرح تا هنوز در برابر قبول شکست قوانین خوب نه تنها این رشته مقاومت میکند تا موقعیت های گذشته خود را از دست نماید . اکتشاف آن نیز گام های وسیعی بر در سال ۱۹۶۷ ترکیه در سر تاسی داشته و این سبورت را از دنیا مقدم اول را در دست داشت مردمان جهان گردانیده است هم ولی در مسا بقات سال ۱۹۷۰ این مقام را از دست داده و به درجه چنان برای تقویر مسا بقات پهلوانی نیز فعالیت های تعریضی را دنبال نموده است تا چند سال قبل دیده شود که در آینده چه خواهد شد .



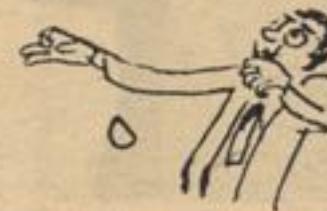
نیکو لوف قهرمان مشهور اروپا



تو موف در مقابل حر یفشن کولخیف از اتحاد شوروی  
شماره ۱۲

# میلادی مسابقات

## اینها چه می نوازند؟



## یک سوال حسابی

این سوال حسابی را که بیشتر از دا نستن حساب به هوش اقتصادی ضرورت دارد در حدود چهار صد سال قبل شخصی بنام آنکو نین طرح کرده است.

دو تاجر گوسفند یا باصطلاح ما جلاوب، رمه ای را که دا رای ۲۵۰ راس گو سفند بود از قواره پنج رأس به دو لیره که جمعاً صد لیره میشد خریداری کردند، و قتنی که خواستند آ نهای را بفر و شند هیچکس حاضر نشد بیشتر از قیمتی که پرداخته بودند بخرد یعنی هر پنج راس به دو لیره، اما آنها از هوش اقتصادی کار گرفتند و ر هر آبادو قسمت ( گو سفند های کلان و گوسفند های خرد ) تقسیم کردند و آن و قت هر پنج راس را به دو لیره فروختند اما در آ خرد رأس گوسفند برای خود آ نهای ما نداشته اند. این سوال را چنگو نه می توانید بپوشش حل کنید؟

لطفا اگر جوابش را یا فتید برای ما هم بنویسید.

## جدول کلمات متقطع

افقی :

- ۱- نوعی هنر نمایی در شعر که بیشتر در اشعار سبک هندی دیده میشود - نفس - ۲- نزدیک نیست - جامش مشهور است - از پرواز کم شده - ۳- کسی که کارش کشت وزرع است - بمعنی ولی و امامی آید - ۴- از ولايات بزرگ ا فقا نستان است - ۵- حرف بدون مقدمه - برگردان اسپ دیده میشود - ۶- خویش راشب نام کرده - سرايت دهنده - ۷- در مقابل شیرین - دوزبان پنستو هادر را - ۸- این کلمه خطاب میکنند - حرف استشنا دوزبان دری - ۹- بدون علم و نادان - ۱۰- آتش ( پنستو ) - ۱۱- اندرهان ماهی شد - ۱۲- طلا - هجوس - ۱۳- لجاجت - چاه معروفی است در مکه معظمه .

۱	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
									۱
								۲	۲
							۳	۳	۳
						۴	۴	۴	۴
					۵	۵	۵	۵	۵
				۶				۶	۶
			۷					۷	۷
		۸						۸	۸
	۹							۹	۹
							۱۰		۱۰
									۱۱

عمودی :

- ۱- بالا آمدن آب در یا - ۲- از فلاسفه یو نانی به لهجه یو نانی که علم منطق را بد و نسبت مید هند - ۳- امر از دوختن - پشه چوپر شد بزند ... را - از اصطلاحات عسکری - ۴- از ممالک نفت خیز عربی - خبر ها و لی معمولاً بجای روزنامه استعمال میشود - ۵- از او صاف مسوی سر اسست که پیچیده معنی میدهد .... ایام جوانی جکرم خون می کرد خوب شد پیر شدم کم کم و نسیان آمد - در وسط خزان آ مده است ۶- از حروف عطف عربی - علامت جمع غیر ذیروح در زبان دری - در تعریف آن گفته اند : خط متحنی مسدودی که فاصله تمام نقاط آن از مرکز به یکدیگر نداشته اند - ۷- حروف نفع و نهی عربی



## کدام شهر؟

عکس گوشه ای از یک شهر مشهور آلمان را نشان میدهد. شهری که جمعیتش از یک میلیون بیشتر است و در جنوب آن کشور مو قعیت دارد یک دوره از مسابقات المپیک جهانی نیز در این شهر برگزار شده است.

## صحنه ای از یک فلم

این عکس صحنه ای از یک فلم امریکایی را نشان میدهد که چند سال قبل در سینمای زینت به نمایش گذاشته شد، ۱۵۰ گر فلم موصوف را دیده باشید حتماً این صحنه را بخارط دارید و اگر موافق شدید که نام فلم را بخاطر بیاورید برای ما هم بنویسید!



فرض میکنیم که دوست شما تاریخ ۱۳۵۳ را در نظر گرفته است، عملیات حسابی که روی این تاریخ انجام داده میشود بدینفرار است.

$$\begin{aligned}
 & ۲۴ \times ۲۰ + ۷۷ = ۵۵۷ \\
 & ۵۵۷ \times ۵ + ۳ = ۲۷۸۸ \\
 & ۲۷۸۸ \times ۲۰ + ۷۷ = ۵۵۸۳۷ \\
 & ۵۵۸۳۷ \times ۵ + ۵۳ = ۲۷۹۲۳۸ \\
 & ۲۷۹۲۳۸ - ۳۸۸۱۵ = ۲۴۰۳۵۳
 \end{aligned}$$

می بینید که بعد از کم کردن عدد ۳۸۸۱۵ را کسر کنید آنچه باقی میماند دورقم اول سمت چپ عبارت از افست ۲۴۰۳۵۳ می باشد که هرگاه دو به دو آنها را جدا کنیم از طرف چپ تاریخ ۱۳۵۳ را نشان میدهد.

## جدول فاههای مشهور

	X								
		X							
			X						
				X					
					X				
						X			
							X		
								X	
									X

- ۱- مسجدی است
- ۲- شاعرهای از بلخ
- ۳- شاعر کشورها که سفرنامه‌ای دارد.
- ۴- نویسنده ای از رو سیه
- ۵- کتابی از ه.
- ۶- بندری در کشور ما
- ۷- نام قدیم یک ولایت

## زنگ تقویح کشف قاریخ مجهول

به دوست خود بگو بید تا یک تاریخ معین را که خودش انتخاب میکند و روز و ماه و سال آن در نظر گرفته شده است روی کاغذ بنویسد. البته قرن آن باید قبل از بین شما و او مفاهمه و معلوم شده باشد. سپس از او خواهش کنید تا عدد روز را در عدد ۲۰ ضرب و با عدد ۷۷ جمع کند. سپس مجموع را در عدد پنج ضرب نماید و با عددی که ماه را نشان میدهد جمع کند. آنگاه مجموع جدید را بار دیگر در عدد ۲۰ ضرب و با عدد ۷۷ جمع کند. بعد از آن نتیجه را در عدد پنج ضرب کند و دورقم آخر سال را بر آن بیفزاید و حاصل را بشما بگوید.

شما از عددی که در آخر به دست آمده و بشما گفته شده است عدد



HORSE · BRAND · SOCKS.

- ۱- ای
- ۲- صند
- ۳- نیزند
- ۴- اینج
- ۵- ایده دو
- ۶- تردند
- ۷- رأس
- ۸- نیز باشید ن جو با باید ۳ بیا و
- ۹- اسپ نشان نه تنها به اقتصاد
- ۱۰- کمک میکنید بلکه با عت
- ۱۱- به صنایع ملی خود هم میشود
- ۱۲- یافت ای یک نفر از جمله کسانی که موفق به حل
- ۱۳- تدازه از سوالات میشوند به حکیم قرعه
- ۱۴- غزال سیت جراب اسپ نشان ساخت
- ۱۵- جایزه داده میشود.

# او از بستو نه داسی منع ته راحی

«ددی کیسی په طرحه کی ذه ده ب» پودوپی یم

کنی چوب کری و م چه هفوی به پا  
کنی چوب کری و م چه هفوی به پا  
دجا کور و رانوی .  
او یوه اونی و روسته زه پدی خبر،  
پوه شوم ... »

— (هفه شبے سخته تو دخه وه  
دپرسلى د روستى شبے  
او د دو بى پىل و . د  
دېتنه به چوپتیا او تروپمی کنیس  
دوپه وه . ټول شیان او ټول زوی  
چوب او په درانده خوب کنی چوب  
و خو دوہ تنه ورو ورو او د مارانو  
په خیر دهه خوان ، دهه سپین چک  
آس دخاوند دکیپری دی په خوا ورپیو  
بیدل .

دا دوہ تنه شامیر او خوندی وو  
چه غوبنستل ییا: هفه خوان سپین چک  
آس ترینه وتپنستوی . هفوی تیر بوز  
کنی و هلی وی او په یو ولس ڈزو باندی  
سنبل وو . شبے نیما یی ته رسیدلی  
و هچه هفوی دسپین چک آس دخاوند  
دکیپری مخی ته ودریند .  
خوچه ویں کتل دکیپری شاته خه  
شی پسوری .

دوم به خیره کنی داسی اړیانه  
نبسو خبی و هلی چه گواکنی هفه په  
خبله خوندی یا شامیر دی . او بیا یی  
وویل .

— (هفوی یو تربله نزدی شوی او  
اریان پاته دی چه دابه خه وی . خو  
چه لیدلی یی دی دکیپری لمنوی  
نیوی بنخی بنه پنکاری او چه خوک  
ورسره غزیدلی هفه دسپین چک آس  
خاوند ندی .

دوی سخت په سوچ کنی چوب  
شوی چه دانخه نقل دی؟  
له دم نه من پو بشته و کره چه  
(آخر خه بینه) وه  
باتی په ۶ منځ کی

د (شامیر) او (خوندی) ته منځه خه هفه می ولید چه سور یخملی و اسکن  
پی اغومستی او بریتو نه یی . خیال  
دی خبره ده .  
دم په داسی انداز کی چه گواکنی سره تاو کری . غتی غتی سترگی  
دیر هو بشیار او په خه بسوه دی او غت منخ پی د هفه خوانی لاپسی  
دی که چه د یوه اورده وات دېخازی خوشیبی غلی شو . خبلی گرتی گردی  
دوپه خوا ووتہ بیبلی شوی وی .  
ترخو شیبو یی خبله خبره داسی را  
وا خستله :  
— (هفه شبے سخته تو دخه وه  
بنن ، بزاز ، ترکان ، ساده ، خرخوونکی  
دی خلک داسی پیژتم لکه د خسل زما زره دغه خوان ته بندیده خو پدی  
هم پو هیدم چه که (شا میس) او  
لاس رغوي ... )

او د خبل لاس رغوي پی مانه «خوندی» هفه ته خه بندادو گور نیت  
راوی اندي کن او راته وی ویل . ولری نشی بریالی کیدلی ، او دا روزخ  
زماء هنی ته راشی زه به هفه بسوه  
— (دا رغوي گو دی ... خو مره همداسی تیره شوه . ماله خانه  
زماء هنی ته راشی زه به هفه بسوه  
کرم چه شاو خوا ته سترگی وغروی  
تلوسه وه دی ته وباله چه خپلسی او هوبنیار دی وی ... )

دم داسی پر له پسی خبری کولی  
چه زه پی نه پریبندوم چه دی پونسته  
تر هفو چه ، ورته و می وویل :  
— (دا «شامیر» او «خوندی» خه  
وې خلک وو ؟ )

— (غله وو غله ، در خارشم ! )  
دا خبره دم دیره چنکه نو په بیه  
راته و کره او بیا یی زیاته کره .  
— (هفوی ددی سیمی دیر نامتو  
غله وو . ټول ترینه ویریزی او چه  
خوک پی نوم واوری زده پی له ویری  
نه تپه خای ددیپری . )

دم داسی پر له پسی خبری کولی  
د بازار په منځ او د منلوی خوار  
شانه د ټپتیا پر شیان کونه شوی  
وی . او کلیول د خبلو خیزونه جو  
سره د هفو په خوکی وواهه ددو گان  
بیانی خپله خبره را واخسته :  
او دم راته کیسه و کره :  
— (هفه ورڅه کله چه نه (خوندی)  
شانه د ټپتیا پر شیان کونه شوی  
بیا می دواپه وه چای پی خښه ... )  
دم دناسی حال کی چه خبل لاس  
بیانی خپله خوکی وواهه ددو گان  
وره سره خوکی پی رايو بشنودله او  
بازار ورڅه وه ... )

په دم له هتھی نه ور پوری د بازار د  
منځ کونه کونه زما غوره ته ده د  
بیانی دیر له پسی چر قیدر سره  
یو خای راتله . او دم زر زه او  
پرله پسی خبری کولی .  
بیانی خپله خبره را واخسته :  
— (هو ... دوی همدلتله خبری سره  
کولی . (خوندی) خو واره سرر خو  
خاوه . د بازار په منځ کونجاري  
کونجاري ته توکتل . او بیا یی  
شامیر) ته توکتل چه هلکه دا دوہ  
پیسی کو چی به پدی آس سپریزی  
او مور به ورته گورو . (شامیر) هم  
په خیر خیر د کونجاري له کوتسي  
سره ولاړ سری او دهه سپین چان  
آس ته توکتل . خبلی غتی او هری  
سترجی کونجاري په شان ورو اړولی  
او ، ولیدل چه ستر ګک پی ور ته  
وواهه . وروسته تر هفو دواړه تر  
هتھی ووتل خو زما پام هفه خوان  
ته چه د سپین چک آس خاوند وجلب  
شو .

— (هفهورخ هم د بازار ورڅه وه . زه  
ولایوم او (شامیر) سر می ورسکنها  
چه (خوندی) د ستر ګک په اشاره  
ورته و کره . او ما د هتھی په همدی  
هینداره کی ولیدل چه د (شامیر)  
تندی گونخی شو . او زه پوه شرم جه

# ازدوسنار



غلام محمد وسی ذی

## دوصیت جملی

آشناش لیمی و اوره دایان  
وصیت در له کوم به هسی شان  
چمی روح ملک الموت له تنه یوسی  
یغیل لاس باندی هی بنگنده گره چشمان  
گنی زنی می هم و تیره په زلفو  
چمی غسل ته بیری نند غاسلان  
تمی و گنده کلن یسر و متکلو  
بیامی و پیجه کلن کی به بنه شان  
چنازه می خبله وباسه له کوره  
خی چوره بعراسره تو گورستان  
چمی مونخ په چنازه خلق ادا گری  
قادمهونه می هم و خله هقه آن  
کت پختگ کی می دقر خبله گیریده  
بی لئانه بل وی نه راخ انسان  
نوردی نوی ته هی بنگنده گره لخدت  
نور می و سباره اسری ته دیحان  
معنی لوح که چه آخر دیدن نی و گرم  
نور و چودمن که پخاوز و گنی بشبان  
چمی خاوری په بدن باندی انباشی  
آبدی بهشم پیکور گنی بندیوان  
موسی ذی وانی داغن را پسی و گه  
آشنا لایری ترقیاته خدی پامان

از : غلام سخی (راهی)

## شمع گریان

من چیم ؟ خشکیده برگی در بهار افتاده ای  
لاله ای درد آشنا نی داغدار افتاده ای  
تکدرخت بی برو باری فسرده در خرز ان  
شاخه ای بشکسته ای در جویبار افتاده ای  
شبین لر زان نهفته در دل خاک سیاه  
شمع گریان در مزاری اشکبار افتاده ای  
کوهر زایاب نهان در گوشته ویرانه ای  
مهره مهر ، ولی در کام هار افتاده ای  
ماه خندان خفته در دامان ابر نو بهار  
اختر تا پنده در شبها ی تا رافتاده ای  
آهی سردی کردن اند و هبار آید برون  
اشکی گرمی از رخ زرد و نزار افتاده ای  
همجو مرغ بینوا افتاده در چنگال باز  
بسمل در خون طبیده بیقرار افتاده ای  
در دیار همنوا یان چون نسیم آواره ای  
در هزار بینوا یان چون غبار افتاده ای  
رشته الفت بریده «راهی» از بیگان نگان  
از دیار آشنا یان بید یار افتاده ای

فرستنده : عادل - الیاس

## ای مادر

به اشک توای مادر ....  
به اشک گرم تو که زبان دارد .  
و با جان سر گو دان هن نجوا  
می کند .  
به انگشتان هبر انگیزت  
که نیمه شبان ، به بالین من  
شمع آرزو روشن میکند  
که از ونج های ژندگی من  
بریشانی مهتاب زده ات  
کنیش آشیان بسته سنت  
به دل ناز نیست  
که به خاطر سیمای پو یده رنگ  
نار آم است  
به چشمان تو سو گند ای مادر!  
که هوج احساس من  
در برابر دریای وجود تو هیچ  
است و آهنت شعر من  
در مقابل فدا کاریهای تو  
نارساست .  
به من بگو مادر ...  
بکدام رو به آستان تو برگوردم ...  
وبنام تو چه بنویسم ?!

## نفرین به زندگی

زانروز که پا به عرصه دنیا گذاشتم  
این سینه را به ونج جهان و اگدا شتیم  
در گیر و دار با د بلا خیز زندگی  
ها گلبن امید به یغما گذاشتم  
از پای تا به سر همه مفروق حسرتیم  
شو خی به موج وحشت در یا گذاشتم  
تا یک زمان زکشمکش دنج وارهیم  
پا در حریم باده و مینا گذاشتم  
از بس زدو را ینمه ایام فسرده ایم  
نفرین خود به دی و به فردا گذاشتم  
نادم زخلقیم ندانیم که پای خویش  
آ و خرا به صحنه دنیا گذاشتم  
نفرین کنان به گردش گردون وزندگی  
رفتیم و ما به هستی چلپا گذاشتم

## چنگ شکسته

مادر تو آن نه ای که شب و روز خوشیرا  
در انتظار خنده من تار کرده ای ؟  
تا بر لبم تو سایه لبخند بزرگی  
دل رابرای راحت من ذار کرده ای  
ما در تو آن نه ای که در چشمیستاره وار  
در انتظا رواحت من بوده نیم خواب ؟  
آنم که در سیا هی شب گریه کرده ام  
اشکم فکنده در دل رنجو رت التها ب  
مادر تو آن نه ای که لذی شبانه ات  
در جام من شراب سرود ترانه ریخت  
افسانه های گرم تو در نیمه های شب  
این پاده را بساغر من جاویدانه ریخت  
مادر اگر همانی و آنسست کودکت  
دیگر کجاست آنمه شعر و ترانه ات ؟  
آخر چرا در کلبه من پا اگرفته ای  
زین مرغ شکسته بی آشیانه ات !

# گزارشی از فیستوال فیلمهای آسیایی، افريقيا ۰۰



د در برابر یک مرد تنها فلم عربی

و سینما گران اعم از سیاه و سفید ساعت ۸ شام ۲۵ می قطار بزرگ معرف وزن و مرد باهم کف می زند و سریع السیری جانب سمر قندان به میر قصیدند و شادی می کردند میرفتند. شب خاطر ه انگیز و (تر چیر که در تهایت تحلیل اینظور می شود فراموش ناشدند است. آتشب کشانی نتیجه گرفت که هنر پرده و پسر گذاری فستیوال های بین المللی آصبح که قطار به سمر قندمواصلت کرد تاچه حدودی در نزدیکی و تفاهم می کرد همه شادی گردند و پای پناه کوبیدند.

در ایستگاه قطار آهن سمر قندان

هر یک از شرکت کنندگان در فستیوال، با دسته های گل استقبال شدند. دختران سمر قندان در پیشواز مهمانان می رقصیدند فضای شهر را آواز موزیک و هلپله مردم پر کرده بود. شهر کوچک و بستانی سمر قندان

واقعاً دیدنی و جالب توجه است

سفر به سمر قند شهر ذیبای

باستانی ازبکستان :

پس از مدت ۵ روز اقامت در

شهر تاشکند تمام کسانیکه در

فستیوال شرکت نموده بودند، از

طرف فستیوال تاشکند به سمر قند

دعوت شدند.

کنند و خواستنی بود. چه بسیار از شب ها محافل از طرف متصرفیان امور سینما تو گرافی وغیره هر ارع هنری و دیصلاح تر تیپ میافت که تائیمه های شب ادامه بیندا میکرد. این محافل در تهایت صفاو صمیمیت تحلیل میشد و نما یند گان کشور های شرکت کنند پاشور و شعف به رقص و پا یکوبی می پرداختند. فضای این محافل فضای دوستی پرو گرام فستیوال تاشکند و صمیمیت بود. هما نظر یکه فقط به دیدن فیلم ها خلاصه هنر هفتم کار های والا و شکر و نمیشد بلکه شب های فستیوال همندی در راه ایجاد تفاهم بین المللی برای مدعین نیز خیلی سر کرم به ثمر رسانده است، هنر مندان

بر خورد و صحبت میکردند... پرو گرام فستیوال تاشکند و صمیمیت هنر هفتم کار های والا و شکر و نمیشد بلکه شب های فستیوال همندی در راه ایجاد تفاهم بین المللی برای مدعین نیز خیلی سر کرم به ثمر رسانده است، هنر مندان



صحته از فیلم د در برابر یک مرد تنها

# هزار و پیک

نو شته: (آشتی)

## کرمه کش بتاب و قصه من

خطا خورد به جویه افتید.  
ولی نزدیک بود شهید شوم!  
ترسیدم! حتما خواهی گفت این  
کار، اصلا تر سی ندارد؟ نه من از  
قصابی ترسیدم که مالک این موتو  
سایکل و بوجی بود، از تبرش  
ترسیدم که بان مرا از اینکار باز  
میداشت، بمن گفت تواصلا جه کاره  
استی که اینکار رامنکنی، ترافیک  
وپیاروالی کم است که تو برای ما  
خوبه یک ترافیک تانی ساخته ای.  
حالا ما بوریم یک دکان دیگر برای  
موتور سایکل کراه کنیم؟!

من که تازه از اطراف بکابل آمده  
بودم از ترس زخمی شدن در عالم  
مسافری، آهسته و ترسناک ولزنان  
براپیش گفتم، رفیق اصلا جای موتو  
سایکل هاندن این دیوار سیمی نیست  
تو همین حالا آنجا بیبی که: دیوارها  
به چه تکلیف و برای چه مه اور  
ساخته میشوند، گفتارم راقطع میکند.  
و حمله کنان مرا سرزنش میکند.  
براستی من میترسیدم، ولی جمعتی  
از رهگذران متوجه گفتگوی ما شده  
و مر از شر آن مرد قصاب بیشه رها  
کرد ورنه مانند مرغک بی جازه، من  
نیز حالا سرشکسته و بای شکسته  
در بستر مریضی می افتدم، برای  
اینکه تبر قصاب فوق العاده ترسناک  
بود، و من هم کمدل!!

ها تازه بکابل آمده بودم از فعالیت مشغول بودند. آفتاب عمودا بالای ترافیک فوق العاده خوش آمد و در آنها میتابید ولی آنها همان قسم با عشق و علاقه مشغول شاندن و ولذت کاری سدهای آهنه بودند، منکه فعال و با سر گذشت مر غلکی زنج دیده حتما در لا بلای آثار کهن دری مطالعه کرده اید، این قصه که مشابه به واقعه من دارد خیلی زیبا است ولی جماعتی روشن بین مرا از این بلا بخیر نجات داد ورنه حالا اگر سرم می بود، خو، حنی از چند جائی شکسته و کوفته.

بد نیست که بیتی از سر گذشت من اندکی از قصه زیبای کتاب کلیه و دعنه را در هر دو مرغک و کرمک شب تا ببرای شما باز گو کنم (گفت:

جماعتی از بوز ینگان در کوهی بودند چون شاه ستارگان (آفتاب) با فرق نزدیک مغرب خرمید و جمال جهان آرای را نندر، به نقاب ظلام بپو شانید، سپاه ژنگ نزد (ترکی) به غیبت او بر لشکر روم شد چیره گشت ... باد شمال عنان بر گشاده ... و به بوز ینگان شبیخون نکرد، بیچار گان از سرما بخودشندن پناهی می چستند ناگاه کوم شب تابی یافتند در طرفی افتاده، کمان بر دند که آتش است هیزم گرد کردند مر قند برو آن نهادند و میدیدن، برابر شان ان در مرغی بود بر درختی آواز میداد که کرم است و پر دارد و به شب چون چراغ مینماید آتش نیست، البته التفات نمودند، در این میان مردی آنجا رسید مرغ را گفت زنج مبر که به گفتار تو باز نیستدو تو زنجور گردید قند مرغ سخن او نشیند واز درخت فرو آمد تا بوز ینگان را حدیث کرمک نظیمه شب تاب بهتر معلوم کند گر فتند و سرشن زن جدا کردند ...) بر استی نزدیک بود متهم به همین سر نوشت ختمان زنده سر دچار شوم. منکه در همین روز تیمور

هر دیگر وقت صحبت داند اشتبیه سرچرا ذهن خواستی تا اینجا  
بیایم؟

در شماره های گذشته خوانید:

پسری بار فیقش «جان گلود» در بازی قطعه شرکت میکند و در این بازی یولایش را میبازد «جان گلود» که همیشه اوراده هر جا کمک میکند، اینبار به آن پسر جوان سراغ دختر ترو تمدنی بنام «فیلومین» را که از مدتها بر پن است و تحت تداوی میباشد میدهد و میغواهد که ر فیقش با آن دختر آشنایی حاصل کند. پسر جوان هم موافقه میکند که هرچه زودتر آن دختر را بینند. یک روز داگتری «فیلومین» مشوره میدهد که چند دوزی را در گزار بعرا بگذراند.

## بخاطر ثروت





## هزار دور زوندون

سازمانی های همین ترتیب میتوانند در این میان، ورودی های جشن عمومی مخالف این امر باشند.

بروگرامهای جالب ذوقی بارشاد و تنویر نیز بیرون از این محدوده هستند.

همچنین موسمات فرهنگی و کلتوری ماباید ساخته شوند.

در اجتماعات بزرگ بکشانند.

محبوه محمود استاد یوهنی حقوق:

من نظر استادان محترم را وهمه گفته هایشان را تایید میدارم آنچه که در این بخش خاص

مهم تراست و درخواست عميق بیشتر این مساله است که در شرایط کوتاه و بادرانظر داشت

عوامل اجتماعی چگونه و باجه روشن میتوان

بر مشکلات غایق آمد، ازانحرافات روانی

جلوگیری نمود و تماس میان دختران و پسران را به شکل معقول تر آن از دیگر بخشید، تمام

راهیابی شنیده این مجلس خوب است و

عملی وغیربرای سازندگی شرایط روانی

نکته که من میخواهم به آن اشاره نمایم این

است که با توجه به کمبودهای عاطلی و روانی

امال و ایس زده شده جوانان و معروفت های

جنسی آنها بر یکباره دامنه این تعاس ها

و سیع ساخته شود نه تنهایی نیست بلکه

وجوب انجرافات بیشتری هم میگردد.

دختران و پسران در جوانی و در بحرانی توین دوره حیات خودبیشتر زیر تأثیر حالات گفته گون

عاطلی خود میباشد و احساس شان بین لجام است و سرگشی.

در چنین شرایطی نزدیک ساختن آنها باهم

معنی نزدیک شدن بینه و آتش را دارد با هم

داشته باشد در شرایط کوتاه اختلاط مکاتب

باشد رسیده شده آن میتواند یک راه حل

باشد و تماس خانواده های معلمین راه دوم

جاره.

کنفرانس های تربیت معلمین نیز برای آنها

گرفتن جوانان مفید و بالارزش است.

در مورد مطبوعات من نظر استاد سرشار را

ناید مینایم و اطمینان دارم در شرایط قاتم

کشور بعروس این پر ایام ها حل میگردد.

زوندون! با تشکر از استادان محترم و

گرانایه مافشده نظرات ارزشی شماره ادار

زمینه مورده بحث منکس میسازیم و از اشتراک

نمایدین محل و قبول دعوت زوندون

مشکریم.

خواهشمند شویم دشامیر او خونای دی

سین چک آس باندی سپور روان کیمی سخت پارولی و م.

خوان دروند په دی جنه پیښه باندی

سخت خواهشمند و م.

او دم بیا رانه وویل چه.

خواهه خانه سره می ویل.

(هماغه شبه عفه خوان خپل آس)

غلونه وربخنبلی او خپل خان بی دی چه نله نورو و لسوون سره خه

دخل ناموس دغله لاده عفه پردی دقاتل و رته والی پکنی شته، اونه خوهم

یه توگه معرفی کری او سپا یانو داسی معیارونه بیندا کیمی چه دا

زوندنی ور اچولی دی.

خواهشمند شویم اوجت ارزبنتونه

بنیکنی او دا معنی اوچت ارجمند شویم.

ددم بیمسی هی ور کری. دورو سئی بی سنجش شوی.

خل لپاره بی بیاهم رانه وویل چه هوا داخو سانه خلک وی چه د

چای خنی که ته عفه له هتی نهرا زوند ارجمند شویم ته راولی ..

## بر گزیده الفرد هیچ کاک

پلاستیکیم یک بازی گفت درسا یقه آن بوشارت را باحلقه های زرد و سرخ از من بود. زیرا هر چند میگردم، بازی را همیز میعنی تحفه داده بود.

بازی گفت: ۱۰:۰۰ تا ۱۱:۰۰ نیزه آن بوشارت را هنگام بود.

نامروز کمتر از یک ساعت مسابقه را در بازی گفت از من برد و در نیزه آن بوشارت از آن او شد. او بعده بردن بوشارت آنرا به تراویح آن کرد.

کلوب خارج ستد توسعه یک آدم کش دیوانه در مقابله عمارت کلوب به ضریب ۱۰٪ خود را بود. قتل رسیده جای دو مرد میگردید. شده به اندازه مشت بزرگ میباشد.

ساعت ۱۸:۰۰ دقیقه: صدای زنگ تیلفون بلند شد. هنری تیبا دستپای لرز آن گوشک تیلفون را برد.

کلو پیش رفته در آنجا مردی که بوشارت یعنی گرد یوشیده بود پس از اظهار چند کلمه با آن دگر وداع گردید مجدداً به کلوب بر گشت نفر دوم که بوشارت را باحلقه های سرخ زورد پوشیده بود، وارد محل بارگیریک موتورها شد.

تیم دوره میباشد. آن مرد فیروز کرد که او از آنرا اکس نشید. زیرا او قسم صدای خله کنرا به میله نتفیجه بسته بود مر میباشد. مستقیماً روی قلب آن مرد خالی شد آن بعد بطرف پیش خم شد در لحظه مر گک آثار غیر قابل باوری در چیزه اش میباشد. دورگردید.

ساعت ۱۶:۰۰: تیم تیکلکه تو داشت یعنی مر گک صدای از آنطرف سیم صدای آقا را تیم آنرا از آنطرف میباشد. شما میدانید که حرفت در شروع نام تیم..

سنتی تیم تیکلکه تو داشت یعنی مر گک مدیریست دایمی رهنهای وزارت معارف عملی گردد، دایرگوشک داسرجایش گذاشت و ..

### ۵۵۵ هنری پاچی

## ۱۰۰۰ از از زنستونه دانسی منع ته

دم خو خواوند لاس و بینی خطا شوی چیوه او بیانی رانه وویل چه.

(باداره دا زمانه دیره و رانه شوی پهخلکو کنی هفه پتوانی بر کت ندی باته... خبره خو داوه چه دیگر پیشین چک آس دخاوند هیرهنه له بل پردي سری سره پرته وه ...)

دم بیاهم خو خواوند توپی و کنلی او بیانی وویل .

(همدا چه دایینه شا میر او خوندی لیدلی اده نو اریان پاته دی چه خه و کری خو هفه دفتر وختنه و خوندی په بیره سره پیشتبضه راویستلی اوله بنخنی سره په بروت سری باندی بی لس پنخلس واره کریدی . داسی چه شیبه پس هردار شوی بنخنی هم تیه شوی و او په نیمه شبه بی رهباری کریدی . اویه همدى وخت کنی دسپین چک آس خاوند، هفه بشکلی خلمنی را پا خیدلی اوچه لیدلی بی دی چه غله اندی نوی خان برابر کری چه تویک ته لاس کری خو خوندی غیر بری کری چه هملکه لاس دله پینتو مه خطا کوه هم داسی غلاته راغلی و خو دلته موو لیدل چه تر هوبه کنی بیلی او او په غل ناست دی اود ناموس غلادی کوی ... لدی خبری سره دسپین چک آس

در همین لحظه اخبار از تلویزیون داشتند اینها میشد اخبار مربوط طبقه جنگ و بتل ایجاد شد.

وقوع از از زلزله و حریق در یک هو تل نشر شد متعاقباً آن باشد نظر مصالحه شده بود یکنفری کمک بارگردان خداحافظت.

در ساعت ۱۸:۰۰ تیم در حالیکه سخت آشته خاطر میمود عرض و طول الاق دا من پیمود سبز تلویزیون داشت: (لاری؟)

جواب: که گر فت این بود بلی من هست.

لاری پاسخ داد: او و بیلی ... اینجا سنت.

سیس یک یاکت دا به او تحویل داد .

تیم شتابان به مطلع داشت: یاد داشت که برازی میشی گذشت دیده نمیشد.

تیم اظهار داشت: (لاری؟)

جواب: که گر فت این بود بلی من هست.

لاری پاسخ داد: او و بیلی ... اینجا سنت.

شسته همها هم گوش داد.

مردیکه در تلویزیون همراه هش معاها جم میشد گفت: رفق و همها زی مللمن جم

خواهشمند شویم دشامیر او خونای دی سین چک آس باندی سپور روان کیمی سخت پارولی و م. خوان دروند په دی جنه پیښه باندی سخت خواهشمند و م.

او دم بیا رانه وویل چه.

(هماغه شبه عفه خوان خپل آس)

غلونه وربخنبلی او خپل خان بی دی چه نله نورو و لسوون سره خه

دخل ناموس دغله لاده عفه پردی دقاتل و رته والی پکنی شته، اونه خوهم

یه توگه معرفی کری او سپا یانو داسی معیارونه بیندا کیمی چه دا

زوندنی ور اچولی دی.

ددم بیمسی هی ور کری. دورو سئی بی سنجش شوی.

خل لپاره بی بیاهم رانه وویل چه هوا داخو سانه خلک وی چه د

چای خنی که ته عفه له هتی نهرا زوند ارجمند شویم ته راولی ..



# ماجی ملا

انکیز شده بودند .  
می ترسیدم مبادا از میان دیوار  
مرده بیرون شود و مرد خفه بسا زد .  
دریکی از شب ها ما جی قصه  
زنگی خودش را برای ما تعریف  
کرد : زمانی که دختر بودم ده ها  
چون آرزوی همسریم را در سر  
من بروارانید اما من به هیچ کدام  
اعتنای نداشتیم و به این عقیده بودم  
هر کس را که پدرم لازم ببیند با او  
ازدواج خواهم کرد .  
بعد از آنکه به میل پدر ازدواج  
کردم چند سالی زندگی خوش و بی  
درد سری را گذرانیدم . اما افسوس  
که شوهر «رحم» بیش از چند  
سالی زندگی نماید .  
بیچاره شوهرم به مرض عولناکی  
دچار شده بود . غش می کرد و از  
دهنش قفاب بیرون می آمد . حتیما  
آزار اجنه برایش رسیده بود شاید  
از روح خبیثه در وجودش جاگیر فته  
بودند . هر قدر تعویض و طوما راز  
ملا های مشهور گرفتم فایده نکرد  
حتی دودی و شویست از ملالی  
جمبودی برایش گرفتم اما بسیار  
نخورد . بیچاره شوهرم مرد خوبی  
بود - همان شنبی که تمام گردوجان  
داد - هر آبه بالین خود طلبید  
دستهایم را بوسید و برایم گفت که  
در حقش دعاکنم . همان بود که  
بیش از دهین صبح جان داد . بعد  
از مرگ شوهرم دلم از دنیا سرمه  
شان بلند است . اما هاجی هنوز هم  
در اثنای افسانه گفتن هاجی ، مارا  
خواب برده بود - یکبار که من  
بیدار شدم دیدم که خواهرم و برادرم  
نیز خوابیده اند و صدای خرویف  
شان بلند است . اما هاجی هنوز هم  
افسانه می گوید . من گفتم که : (ماجی)  
همکی خواب شده دگه افسانه نگو )  
ماجی گفت : (بچیم او سانه ره نیم  
کله کدن خوب نیس ... همی دیوال  
عا خومی شنوند ) من باز گفتم :  
(دیوال ها چطور می شنوند هاجی  
؟...) و ماجی جواب داده بود  
(دیوال ها هم مثل ماو شما روح  
دانند .... اخی همی دیوال ها هم  
از خاک آدمه است دگه ....) بعد از  
آنکه دانستم که دیوار ها نیز روح  
دارند ویک زمانی این دیوارها نیز  
مثل ما انسان بوده اند - اضطراب  
بیشتر شد .

بعد از آن در خانه تنها نمی توانستم  
بسیمیم . دیوارها برایم هراس  
ضرورت دستگاه های آینده مخابرات  
تحت نظر متخصصین فنی تحصیل  
نمایند .

صنف سیردهم ، برای بلند بردن  
سویه علمی یک عدد فارغان صنف  
دو ازده مرکز تربیوی مخابر نیز  
تأسیس و نه نفر در آن شام مل  
گردیدند .

همچنان برای یک عدد مأمورین  
نهم مکاتب معارف ، به اساس  
کانکور شامل صنف دهم مرکز تربیه  
و مخابرات شده اند که برای رفع

# زمینه های قاریخی

میامد بیسا خستان بود بیوند میان  
المه ها و رویدادها روش نبود در  
اطلاعات شش هرج و مرچی دیده میشد  
و هر آنچه که در گذشته اندیشه ها  
را سازمان میداد ، در بیش چشمها میان  
در هم میریخت .

تا لیز بیدر نگ تلویزیون بر وسائل  
رقبب زرف بود . رادیو تقریبا نیا  
نگدید شد . سرایند گان هنوز از ارزش  
تلویزیون آگاهی داشتند .  
چونان دیگر به شیوه عای گهی  
مو سیقی بیعلقه شده بودند و  
هنگامیکه مردی به نام (الن فرید)  
نام (رال ان رول) را به میان آورد ،  
در واقع پدیده بی را آفرید که نخست  
رنگ ملی و سپس رنگ جهانی  
گرفت . در دهه شصت مو سیقی  
را در دسترس علاقمندان قرار داد  
و همین صورت کمره های ارزان  
قیمتی که به آسانی قابل حمل است ،  
تماشا گران را به عناصر آفرینش  
ای در کار فلم مبدل ساخته و آنان را  
(آرچانک) خود میگویند ) از حالت  
صرف گشته محض بیرون کشیده  
است .

وسائل دیگری هم به میان آمد .  
از جمله تلویزیون کیبلی بیشتر کین  
انتخاب دیگری بخشیده است و به  
فلمسا زان فرصت داده که تجزیه  
کاملا تازه بین را در زمینه توزیع فلم  
هایشان در پیش گیرند . به همین  
صورت ، به زودی افزار هایی به میان  
خواهد آمد که نمایشی تلویزیون  
از طرف تماشاگران ثبت و در صورت  
از دستور میگارد بار دیگر شنیده  
شود .

سر انجام باید گفت که آن روزی ای  
کهون هنوز بقیه است . هنوز تخیل  
امریکایی درین آن سنت تا تمام هنر  
ها و تکنالوژی را بهم آمیزد تا دیوار  
بین آدمیان و نژادهارا فرود یزد و  
تصویر بزرگ و روشنی از خود مان  
به دست دهد . این رویا بیشتر در  
هنر های نمایشی نهفته است تا در  
هنر های دیگر . باوجود هر آنچه که  
هنر های نمایشی پدیده شده . این  
رویا هنوز با بر جاست .

## انکشاف و تسویع

برای تربیه مأمورین مسلکی در  
ساحه پست و مخابرات چه اقدامی  
صورت گرفته است ؟

وی میگوید :

- در حدود چهل نفر فارغان صنف  
نهم مکاتب معارف ، به اساس  
کانکور شامل صنف دهم مرکز تربیه  
و مخابرات شده اند که برای رفع

بیشتر ز هر وسیله دیگری صد مه



# رئیس دولت...

## متن بیانیه قاید بزرگما...

گذاشته و اهداف اصلی انقلاب آن بپیوست  
زندگی مردم افغانستان و عمران  
ملکت در مساجد مختلف آن می باشد

عملی نمائیم و بر مشکلات خود خالب رفاه نیز پیشتر می سازد . از همین پروژه های مختلف که به همکاری هایی باز همکاری هایی باشند .  
جاست که افغانستان همیشه صلح و تخفیکی کشور دوست اتحاد شوروی اتحاد شوروی را به حیث همسایه خواهد داشت .  
قرار گرفتن سلاح مدهش و تبه عماکرا دیین ملت ها را اساس در افغانستان تکمیل گردیده در مساجد  
کن دو دستور سپاه امروز ضرورت مهم سیاست خود را داشتند مختلف حیات مردم را تمهیح مطلوب بزرگ و پیشرفت خود توقع داریم .  
حقافت صلح را از هر وقت دیگر وازن با حرارت پشتیبانی می کند و همیشی داده است . شاهراه عظیم  
بیشتر ساخته است . افغانستان از خلخ سلاح عام و قائم پشتیبانی می کند  
خط سیر موتو حامل زعماً دوگشوار و همچنان میدان هوسایی با  
برق های ملی دولت جمهوری افغانستان و اتحاد شوروی و شعار دوستی ترقی  
شده بود .

طبق اطلاع و اصله موتو حامل بشاغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدراعظم و بشاغلی پودکومنی صدراعظم دیمه  
پیشنهاد شوروی عالی اتحاد شوروی توسطه دسته از موتو سایکل سواران از اسماهان  
سان تامیدان هوابی بدوقه گردید .  
خط سیر موتو حامل زعماً دوگشوار و همچنان میدان هوسایی با  
برق های ملی دولت جمهوری افغانستان و اتحاد شوروی و شعار دوستی ترقی  
شده بود .

**رئیس دولت و صدراعظم**  
**رؤسای نمایندگی های**  
**سیاسی مقیم مسکورا**  
**پذیر فتند**

ایست قابل قدر اما افغانستان عقیده شاهراه کندهار و تورغندی، کارخانجات خود را بزعماً ، حکومت و مردم اتحاد وجود است .  
ما از مساعی دایمی اتحاد شوروی داردگه صلح واقعی و قی برآورده شده برق حرا دن و کو د کیمیا وی  
شوری تقدیم نموده واز دوستان خود شیوه دیگر از همراهانم در راه تعییل خلخ سلاح تقدیر نموده می تواند که اعتراف به حق مشروع توده هفتاد پرورد  
در کشور همسایه و دوست میمیم از این دسته بیشتر اخیر حکومت اتحاد شوروی راجع به تقلیل ده فیض از  
استعدادی و مهندسی بر اساسات و منشور بودجه نظامی اعضاً دایمی شوروی  
به صحت و موفقیت چالتماب لیوند  
بریزنت هشی عمومی کمیته هرگزی .  
حالات تکمیل می باشد به تها در پرورد  
چالتماب الکسی کاسیگین صدراعظم  
و چالتماب نیکولای پودکومنی صدر  
ایجاد خواهش می نهایم چام خود را بامن  
یکجا بلند کنند .  
به صحت و موفقیت چالتماب لیوند  
بریزنت هشی عمومی کمیته هرگزی .  
حالات تکمیل می باشد به تها در پرورد  
چالتماب الکسی کاسیگین صدراعظم  
و چالتماب نیکولای پودکومنی صدر  
ایجاد خواهش می نهایم چام خود را بامن  
یکجا بلند کنند .  
به صحت و موفقیت ہای مزید مردم  
دوست اتحاد شوروی .  
بتوجه و تقویت روز ازون دوستی  
اتحاد جماهیر شوروی سو سیا لستی ما مطمئن هستیم در حالیکه افغانستان و همکاری های مشهور افغانستان و اتحاد  
صیمیمانه قدر دانی کرده و میکند . در یکدوره جدید حیات ملی خودقدم شوروی .

بنگلی محمد داؤد رئیس دولت و  
صدراعظم روسای نمایندگی های  
سیاسی مقیم مسکورا ساعت شش بعد  
موردن تالید اکتریت کشور های جهان  
از ظهر روز شانزده چونا بوقت کابل  
دو تالار بزرگ قصر کریمیان بذری فتند .  
درین موقع سفرای کبیر کشور  
های خارج هفتم مسکو در حالیکه  
سفرای کبیر دو کشور نیز حاشر  
بودند بهنگلی رئیس دولت و صدراعظم  
از طرف دیگر تشریفات وزارت امور  
خارجی اتحاد شوروی معرفی گردیدند .

## متن بیانیه بنگلی نیکولای پودکویلی صدراعظم رئیس شوروی عالی...

خورده نیرو های مو جوده در جهان که هنوز مساعی زیادی بکار است تا و امپرالیزم فعالیت میکند در تحت مختلف چیزی میسر میباشد . باید موفقیت های روزافزون را بار آورد  
توسط زعمای واقعیین که ورها فربین حل عادله مسایل این مناطق تکمیل این چنین اوضاع طبعاً استنباط و تمیز امید وار بود که جمهوری افغانستان و می آورد .  
بوده که منجر به شناخت و سیاست شده بتواند وسایر کانون مایکسیدگی شده اند از این امر بزرگ شاهزاده تواند میتواند که هر فدر نیرو های امروز با توسعه تماس های بین المللی  
بررسی اصل ذیست باهنر از طرف و اختلاف در آسیا از بین برده شود صلح دوست جدی تر و به همینکه خود و تعییب سیاست صلح جویانه  
ایشان گردیده است . و برای این منظور لازم است که زیاد تر کارنامی بدهند به همان اندازه آنها خویش و سهم گیری مثبت در تعیین  
اکنون میم اینست که دیتا نت موضع این دو مختلف اختلاف و دنیا قیامت دیدر ترتیب دست صلح و حل معضلات بین المللی به  
استحکام مزید یافته و در قسمت های بین دو مختلف خواهند گردند به همین شمول معمقات شرق میانه و جنوبی  
دیگر جهان نیز توسعه یابد و برای و بتصور مسالم تآمیز و با احترام به اندازه بشریت بمانجام هدف باطنی آسیا گزرن گاه واقعی صلح در آسیا  
آن صرف مساعی گردد که این تغییف حقوق و منافع مردمان حل شود آسیا خود یعنی زندگی تحت شرایط صلح خواهد شد شما در آستانه واقعه  
میاره میکنند ملاحظه خواهند گرد .  
جهة غیر قابل برگشت به خود گرد . میتواند و باید بر اتفاق صلح دوستی استوار و عادله باش . شوروی عالی  
اتخا دشوروی وسایر کشور های و همکاری باشد البته کامیابی در نزدیک خواهد شد - همه دولت باید اتحاد شوروی وارد کشور می شده اند  
رسانی شما و ملاقات های رهبران شوروی و افغانستان گام های میم سو سیا لستی در همین سمت فعالانه تغییف تشنجات و بیبوت اوضاع بین سهم خود را در نایاب شدن بین هدف مردم شوروی در جریان فعالیت های  
دیگر جهان نیز توسعه یابد و برای و بتصور مسالم تآمیز و با احترام به اندازه بشریت بمانجام هدف باطنی آسیا گزرن گاه واقعی صلح در آسیا  
آن صرف مساعی گردد که این تغییف حقوق و منافع مردمان حل شود آسیا خود یعنی زندگی تحت شرایط صلح خواهد شد شما در آستانه واقعه  
میاره میکنند ملاحظه خواهند گرد .  
را دو باره سوی جنگ سرمه بگشانند ملاحظه میکنیم که نظریات اتحاد ما و تعیین این میانه بین المللی و  
ملکوره امیت دسته جمهی موجب و اراده خود دایر کشورها و مردمان شوروی و افغانستان روی اکثر مسائل تعییب بروگرام صلح مصوبه بیست .  
علقه روز افزون و چانپ داری از دیگر تحریم تهدید و داد امور داخلي عده بین المللی شبات داشته و بایبا و جار مین کانگره حزب کمو نیست بنگلی محمد داؤد رئیس دولت و  
کشور های آسیا میگردد بتدریج شان مداخله نهایند بدهست می آید . هم نزدیک همیشند .  
دوستی مساعد برای تامین این میانه بین المللی صدراعظم جمهور دیت افغانستان و  
شراحت مساعد برای تامین این میانه بین المللی افغانستان از زمان های باستان بیشتر بن هنر این ملکوره  
فرسته میشود - جنگ در ویتنام قطعه نقشه های علمت طبلانه خویش با این سوی ایشان ترقی کشور شان و استحکام بزید  
للاش دارند به تشنجات بین المللی یافته است - و حیثیت حلقه وصل را هدف خود دیده دسته از میدانند از دوستی حسن همکاری بین  
زیاد عادی شده است - الاما شدت بدنه تیرو های صلح دوست مردمان مختلف داشته شاهراه های اعتبار و احترام توده های و سیاست اتحاد شوروی و افغانستان و بخار  
برای حل مسالمت آمیز ممتازه در را منشعب سازند خلق هارا از همکاری عده از داخل خاک آن می گذشت و مردم بر خود دار میگردد .  
شرق میانه صورت میگیرد بدیهیست جدا سازند این به اشتراک ارجاع تجاری سرشاری را بین هنر طبق تبا جنین میاست است که بلند گرد .

## کولمی ستاسی دیدن...

تداوی کوی او ناروغی له منځه خسی . د کولمو پله ناروغی، د (کولیت ناروغی ده اودا همه تپ او پرسوب اقدامات دیغی ناروغی دزیاتیدوسېب ګرځی او به حقیقت کښی د کولمو پار درنوی که کولمی پېچل حال پرینېو دلي شی، تره خه په پنه توګه پېچله دخبل وچوالی دناروغی معالجه کولای شی که یوه یادوی ورځی دانسان مز اج بهه ندوی، نه مسموم کېږي، داله همه کار نه غوره دی چه خینی نور مسموم دمسیل تابلیت په عنوان و خورل شی چه په نتیجه کښی بې کولمی نوری روغی پاتی شی .

د کولمو دوچیدو په وختو کښی پالی او په آزاده هوا کښی گرخیدل چېر ګنوردی اوان کولمو سره هر سته کوی . د طبی ٻونو دعصاری یا ایشیدلو او یو خورل که گئه ونه لري، زيان بهم ونه لري .

کله چه انسان پېنخوس کلمی ته ورسید، پايد پوه شی چه کولمی نور همه دخوانی قوه نه لري، که خورل وغواری چه دخوانی نه ورشو په شان هر خه په هروخت کښی و خوری، د کولمو ناراهی ورته پیدا کېږي. په دغه هړله کښی که خوګنوری لارښو دنې په نظر کسی ونیولی شی، بشایی کولمی پېنخوس کاله نور هم فعالی وي . د دغه لارښو: تو غتني ټکی دادی

چه له پېنخوس کلمی خخه ورو سته دغوری او غورو پودیو له خورل خخه په کلکه سره پده وشی وروسته بیازیار وايستل شی چه دشپی له خوا درنه غذا ونه خورل شنی شکه هر خومره چه دشپی له خوا د کولمو پار سپک وي، قوه بهی توزیاتې اندازی مودی پوري د خیره کړی پاتی شی دوهمه لارښو: داده چه دکازراوړونکو غذا ګانوله خورل خخه پايد پده وشی، مثلا اومه پیاز، لوبيا نخود او همه سابه چه ګاز تولیدوي له غذایي رژیم خخه کم کړي شی . دریمه لارښو: داده خو چه کولای شی، میوه و خوری که اومه وی او که پاخه له میوه خخه وروسته سپک سابه دکاوونا زکی پانی او نور ګنورنۍ، په تېره پیا کله چه د زیتون له غوریو سره ګډښی، ستاسی دباره بشنه خواړه دی. د زیتون له غوریو سره دسلادو خورل د کولمو دوظیفی دېښه سرته رسولو سره هر سته ځلورمه لارښو: داده چه په ۲۴ ساعتون کښی خو چه کولای شی او په وچنۍ .

پنه خه لارښو: داده چهورخنی پلی ګرخیدل مه هیروی او ورځی شل دقیقی پلی و ګرځی. دغه لارښو اټنی په تېره پیا له پېنخوس کلمی خخه وروسته ګنوری دی .

۱۷۶ مخ پاتی

## دوينو د افتقالولو

ورځه کښی دشوروی اتحاد ديو شمیرماهراونه به واسطه دکمپیوتر یوه داسی دستگاه چوړه شویده چه په هرو پېنخوسو تالیو کښی ده سوه سی سی و پنه دناروغه او ګونیزم ته لپی: ولای شی . پايد وویل شی چد کمپیوتر ده، نوی دستگاه په روغتو نو کښی دجراحي دعملیاتو په تعقب او په زین تولیسو نو کښی دا لادونو د ګنریدو په تعقب پاکه او صرورت د ګونیزم دعفصومو فریکو نسی گانویه چوکات کښی یه اټومات ډول رسلاوی شی دکمپیوتر دله نومی طبی و سیله چه په یېلو بیلو فریکونس ګانو کښی فعالیت ګوی دناروغه دروختی دحالت دختر ګندولو دباره پیلو یزیونی پردي هم لري چه هه هر و دیو دلیقو کښی دناروغه بدن او بیلو پلے غروته دوینو درسیدلو نهاروسته دناروغه دار ګونیزم دعکس العمل، ده ډېبدن دهوره مومنو تو او متابولزم تعاملات او په غین حال ګښی دناروغه دوینو دجريان «چه ابته ډیزه فعالیت هم یکښی شامل دي» ټول په منظم ډول دتلوبیز یون دېږدې یعنی ګښی په روشنانه توګه هملومنی لکه چه ګنوری ماهراونو وروستیو دا پورو تو پېسول ددغه راز ګمپیو تونو خله دلنو او ګنریدو سفرونو په دویان ګښی په ذه یوری استانداری تر ګوتو ګډای شی اوهم په ترافیکی ازارو، دلومپیو طبی هرستو په هر ګرونو، دسره ډلپیونو په دفترتو، داطلا نیں؟ ډرکزوونو، دېبرو دسکرو په معدنونو، دوزشی او د ټیزیکی تمریناتو په ډګرونو او هوابی او بحري بندرونو ګښی په بشه شان سره داستلاری و په ګزیدای شی دوینو دانتقالولو ډټپی نوی ګمپیو تار چوکولو ګار دیزې پېسيط او آسان دي او یوازی دیو ته اپریتور په واسطه ټفال ګیداه شی، لاس ته داغلی افلانات چه ډکمپیوتر خله لاس ته داغلی په دروستیو هر څلوكښی د مفعوصو فیتو په هرسته تبت او د ډاکترانو د ګښت نهاروسته په تاکلو دېلرسونو ګښی سائل ګډی .

تاکل شویده چه دوینو دانتقالولو ډکمپیوتر خله د ۱۹۷۴ کال دیای ته رسیدلو نه دمه دېږدې په تولو روغتو نو ګښی ګار واختیل شی .

۱۷۳ مخ پاتی

## ټو جمهوري بېرغ...

ددغه دنیا میز م په ستر نقش دینامیزم باندی ډاډ، همه عناصر کی هدو خه شک شته . که یووار دی چه کولی شی زمور تسلنې د دغه دنیا میز م سم په کار ولویزی، نیکرنګی او هوساینی خوا ټه بوشی او همدا خبری مور ته ډاډ را ګوی چه بیاعم: انقلاب دمشر دا خبره راه یاده کړو چه .

مذهب ف نده دلان خو ۱ ب سر کی هدف، په دویم سر کی تکل او تصمیم او په دریم په یېشانی نیست از همین خاک جهان ایمان او یاور او خلورم د ټولنې په دیگری ساختن است

ایتن



مسئول مدیر :

نجیب الله وحید

معاون رosta باخترو

دفتر تیلفون : ۲۶۸۴۹

کوډ تیلفون ۳۲۷۹۸

مهتمم علی محمد عثمان زاده

پته: انصاری وات

داشتراكه یه

په باندیمو هیوادو ګښی ۲۴

دیوی ګښی په ۱۳ افغانی

په کابل ګښی ۱۰۰۰

تیلفون: مدیریت توزیع و شکایات

۲۶۸۵۴

## مودی بافقاب بقه

ایلا بنای چرخش را ګذاشته جلو چشمهايش تاریکا شد و بدنیال یک چوکی دستش را دراز کرده پرسیدا شما چه ګفتید؟

بقة در جوابش اظهار کرد: من ګفتتم که می خواهم زندگی برادرتان را که در زندان کلا بیستر محکوم به اعدام شده و منتظر فرا رسیدن تاریخ اعدام خود نشسته است بشما باز ګردانم .

ایلا از شدت هیجان چو کی را میان بازو هایش می فشد و بالکنت زبان می پرسد: برادر من؟

بقة پاسخ داد: امروز دو شنبه است و په روز چهار شنبه او اعدام میشود! اگر بمن وعده کنی که بامن حاضر به ازدواج هستی، در آنصورت من برای نجات برادرت اقدام میکنم .

- او مرتكب چه جنایتی شده است؟

- رای بعلت قتل لیو په رومی محکوم به اعدام شده.

لیلا ګالید: او ه لیو دا کشته است؟

(باقيه اراد)

\*\*\*\*\*



مسئول مدیر :

نجیب الله وحید

معاون رosta باخترو

دفتر تیلفون : ۲۶۸۴۹

کوډ تیلفون ۳۲۷۹۸

مهتمم علی محمد عثمان زاده

پته: انصاری وات

داشتراكه یه

په باندیمو هیوادو ګښی ۲۴

دیوی ګښی په ۱۳ افغانی

په کابل ګښی ۱۰۰۰

تیلفون: مدیریت توزیع و شکایات

۲۶۸۵۴

تاجیک فیلم دعوت شدیم و رئیس کمیته تاجیک فیلم به موالاتیک در مورد سینما تاجیکستان مطرح شد جواب گفت: او گفت قرار مادروروز دو، اقامت خود در شهر دو شنبه به کوه های پامیر رفته مشترک کی با افغان فلم تهیه کند.

آنچه که این کوه از سر زمین افغانستان به جمهوری تاجیکستان دیدار از شعبات مختلف تختیکر و ماشین آلات موسسه تاجیک فیلم برای ما خیلی جالب و دیدنی بود این موسسه که دارای و سایل نسبتاً ساده تری نسبت به موسسه افغانفلم میباشد حدا عظم استفاده را ازین وسائل می بردند این ابتدا باید متذکر شد که از نگاه کمیت آنها وسائل تختیکی زیادی در دسترس دارند.

بهینین ترتیب پرو سونل که این آلات و وسائل تختیکی را بکار می اندازد، همچنان کسانیکه در روشنایی مختلف سینما تو گرفتار است. ازین وسائل زیاد است. ازین قرار میتوان

چنین نتیجه گرفت که موسسه افغانفلم در پهلوی وسائل مجهز و مدرنیک در دسترس دارد نیاز مند میتواند به اشخاص ورزیده در رشته های مختلف سینما تو گرافی نیز دارد.

ما در آخرین روز اقامت خود در که باید در زمینه توجه جدی مبنو ل وشیوای تاجیکی گفت: شما ها دیروز روی استیز ظاهر شدیده ام شور دو شنبه از طرف اتحادیه گردد.

مشهد میشود. همه آنها در اطراف واکنار

شور از میزی و خاور دور گرفته تا اکرانین و موارعه قنات و از جمهوری هزار آسیای میانه گرفته تاکرانه بالشیک و خن مدار قطبی زندگی و کار می کنند.

بیشتر عکسها رانه فقط عکاسان مردم تهیه کردند بلکه خود شان چاپ نیز کردند زیرا فکر عکاس هنر مند تجسم نهای خود را فقط در عکس ظاهر شده اصلی بود می کند.

مادراینچا از ارائه نمونه های که بیانگر سبک افرادی و مورد علاقه یک عکاس را پیروزی از سنتها یا تو آوری های این بان استاد فن عکاسی می بشد خود داری گردید زیرا اگر عده ای را اسم می بردیم و د

باره دیگران سکوت می گردیم این بدان معنی بود که برای کسانی مزیت قابل شد این ولی ما این را به عهده خود تماشا کردن می گذاریم.

کلیکسیون ها شامل بعضی از عکسهاست که هر چند مباحثات حادی را پرورانگیزد ولی نمایشگر تجربیات هنری و تلران استادان فن در تجسس شیوه های تو دره عکاسی است.

آنچه بودیم فیلم شما خیلی خوب بود بخاطر یکه توانستیم زبان فیلم را بفهمیم.

مادروروز دو، اقامت خود در شهر دو شنبه به کوه های پامیر رفته مشترک کی با افغان فلم تهیه کند.

آنچه که این کوه از سر زمین افغانستان به جمهوری تاجیکستان دیدار از شعبات مختلف تختیکر و ماشین آلات موسسه تاجیک فیلم برای ما خیلی جالب و دیدنی بود این موسسه که دارای و سایل نسبتاً ساده تری نسبت به موسسه افغانفلم میباشد حدا عظم استفاده را ازین وسائل می بردند این ابتدا باید متذکر شد که از نگاه کمیت آنها وسائل تختیکی زیادی در دسترس دارند.

بهینین ترتیب پرو سونل که این آلات و وسائل تختیکی را بکار می اندازد، همچنان کسانیکه در روشنایی مختلف سینما تو گرفتار است. ازین وسائل زیاد است. ازین قرار میتوان

چنین نتیجه گرفت که موسسه افغانفلم در پهلوی وسائل مجهز و مدرنیک در دسترس دارد نیاز مند میتواند به اشخاص ورزیده در رشته های مختلف سینما تو گرافی نیز دارد.

ما در آخرین روز اقامت خود در که باید در زمینه توجه جدی مبنو ل وشیوای تاجیکی گفت: شما ها دیروز روی استیز ظاهر شدیده ام شور دو شنبه از طرف اتحادیه گردد.

افغانی بازدید از شهر دو شنبه ازین نظر جالب توجه بود که مردم تاجیکستان به زبان دری صحبت میکنند و وجوه تشابه زیاد در فرهنگ هردو کشور وجود دارد. شهر دو شنبه که فقط پنجاه سال عمر دارد شهر یست زیبا و سر سبز، مردمی دارد که بزرگان خود مان صحبت می کنند و سخت علاقمند مردم و بخصوص هنرمندان افغانی هستند.

آن شب که قرار بود فیلم آندرز مادر و فیلم های کشور عراق، بنگله و تاگو در یکی از سینما های شهر دو شنبه به نمایش گذاشته شود نمایند گان این کشور ها روی استیز برآمدند و از طرف مردم با دسته های گل و گف زد نهای به گرمی استقبال شدند. روز بعد که از هوتل دو شنبه خارج میشدیم جمعی از مردم دور من و دیگر افغانی که با من بود حلقه زدند. یکی از آنها بزبان بسیار قشنگ وشیوای تاجیکی گفت: شما ها دیروز روی استیز ظاهر شدیده ام شور دو شنبه از طرف اتحادیه گردد.

این سفر فراموش نشدنی شسب هنگام از سمرقند راهی تاشکند شدند تا به کار های سینما بیشان برسند. پرو گرام نمایش فیلم ها در تاشکند طوری بود که چهار فلم هنری از ساعت دویم الی یازدهم شب در کاخ هنر نما یعنی داده میشندازینرو بسیاری از فیلم های هنری و مستند در سینما های دیگر تاشکند به نمایش گذاشتند.

خانه ابوریحان بیرونی، دانشمند بزرگ افغا نستان و آن مسجد عظیم که بدست همسر تیمور بنا یافته است با حکایت ها و افسانه هایش ودها اینها باستانی دیگر باین شهر کوچک جلال و میمت خاص میبخشد.

کوه های مشجر و پهن دشت های سبز این شهر مهمان را که روزی را در آنچه به سر بردن محو طبعت زیبا و رام سر قمند ساخته بود. آنچه کوه ها چنان سبز و با طراوت است گویی زمرد روی غبار طلا نگین زده است.

**تاشکند و فستیوال:**

مهما نان با دلهای مملو از خاطره این سفر فراموش نشدنی شسب هنگام از سمرقند راهی تاشکند شدند تا به کار های سینما بیشان برسند. پرو گرام نمایش فیلم ها در تاشکند طوری بود که چهار فلم هنری از ساعت دویم الی یازدهم شب در کاخ هنر نما یعنی داده میشندازینرو بسیاری از فیلم های هنری و مستند در سینما های دیگر تاشکند به نمایش گذاشتند.

در آخرین روز فستیوال، که تمام نمایند گان در کاخ هنر گرد آمده بودند محفلی بزرگی در کاخ برگزار گردید و رئیس فستیوال از همالک شر کت کننده ایکه موفق بدر یافت نامه های یادگاری شده بودند نامبرد و کار فستیوال را موقیت آمیز خواند. پس از آن برق فستیوال که با نوشته آلبی رومی زمینه سفید برآغاز شده بود توسط شش تن از نمایند گان دو باره فرود آورده شد و ختم فستیوال اعلام گردید.

**دبیری از دو شنبه هر گز جمهوری تاجیکستان**

پس از ختم فستیوال نمایند گان کشور های مختلف شرکت، گننه از شهر ها و جمهوری های مختلف اتحاد شوروی سو سیالیستی دیدن کردند. هیات افغانی با نمایند گان کشور های بنگله دیش، عراق و تاگو به دو شنبه هر گز جمهوری تاجیکستان رفتند. برای هیات

## گزارش فیستیوال فلم

باقیه صفحه ۱۵

### اتحادشوری

امکان میدهد که فقط تصویر طبیعت را با وضعیتی در عکس های نماید، بلکه میکنند و ازین طریق کار خلاق و تمر بخش انجام میدهند. بنا براین هنر بیان عکاس شوروی از این دو متبوع تقدیمه میشود عکاس اما توری و حرفة ایضمان باید بگوییم که اکثریت قریب بالتفاق عکاسان حرفاوی و در واقع بترین آنها کار خود را از عکاسی امانتوری شروع کرده اند.

زیبایی لایزال و ظرافت زندگی، شوروی هیجان کار خلاقه که دنیا را تغیر میدهد دو آن از نو میسازد. نمونه طبیعت میین و قبل از همه مردم آن، متابع تمام شدنی والبا میخشن استادان عکس شوروی میباشد.

در اتحاد شوروی هنر عکاسی به صورت گسترده رواج یافته است. رواج یافته است تولید دور بین های عکاسی بیزان و مسیح در اتحاد شوروی و قرارداد دن آنها به قیمت ارزان در اختیار مردم اشتغال به فن عکاس را در دسترس همکان قرار داده است. چندین امانتور در باشگاه ها و بسته بیان و ملیون نفر عکاس امانتور در باشگاهها و محلات عکاس اتحادیه ها و سازمانهای جوانان و کودکان گرد آمده و بکار عکاس اشتغال می وزند.

گروه های بزرگ از خبر نگاران عکسها نمایشگاه آنها نخستین بار در نمایشگاه

بین آثار آما تور ها و حرفة ای ها نگذاشتند در میان تهیه گنندگان عکسها از یکسو عکاسان بر جسته مشهوری هستند که عکس های آنها چه در موزه های هنر معاصر در نیویارک و چه در اینجن شعبی عکسها مان اینگلستان و در بسیاری از مجتمع مشهور عکاسی جهان به معرض تماشا گذاشته شده است از سوی دیگر عکاسانی نیز هستند که

نمایشگاه آنها نخستین بار در نمایشگاه

# دعوی از طرف مستشاران و آمران اداری سفارتخانه های خارجی



در عکس خانم سفیر کبیر فرانسه در حال قطع فیته استفاده از غذای دیده میشود بساغلی کا نی مستشار سفارت آلمان که به کمک هیر من وارنر خانم شیخ السفر ا مخالف را ترتیب کرده بود نیز درین عکس دیده میشود .

در دعوی که از طرف مستشاران خیر یه ترتیب شده بود هر میز با ترکیه، انگلستان، امریکا، اتحاد شوروی و آمران اداری سفارت های خارجی ویوگو سلوایا اشتراک داشتند .  
بیرق ملی کشور اشتراک کننده درین دعوت علاوه از موسسات مقیم کابل و ملل متحد شام ۱۶ جوزا آن کشور به مدعوین عرضه می شد .  
در بال روم هو تل انتر کانتیننتال مستشار سفارت آلمان ترتیب یافته درین دعوت مجلل نمایند گران تریب یافته بود دکتور عبدالمجید وزیر عدیله، پوهازد دو کتور نوین مل متحده، اتریش، بنگله دیشن وزیر اطلاعات و کلتور و عده زیادی بلغاریا، چکوسلواکیا، دنمارک، مصر ازما مورین عالیرتبه و خارجیان مقیم این هند، اندو نیزیا، ایران، عراق، ایتالیا کابل اشتراک کرده بودند .  
درین دعوت که اساساً به منظور جاپان، هالیند، بلژیک لوکسمبرگ گردید .  
جمع آوری اعانه برای مقاصد پاکستان، عربستان سعودی، سویس

اما، امامن با پاچهای کلان ات باید چه شرایطی داشته باشد؟ با هما خدا حافظی می کنم و برای نوشتن این مصاحبه به دفتر موی های دراز بچه ها نیز مخالق هما یوسف می گوید :  
ثروت و دارایی به عقیده من می آیم ، در حالیکه اخرين حرف هیچ ارزشی ندارد ، اخلاق حمیده، هما یوسف هنوز هم در خا طرم فهمیده بودن ، تا حدی تحصیل باقی است که گفت :  
کرده ، شرایطی است که باید یک پتویسید ، من از شغل ، بسیار جوان واقعی ، یا یک همسر خوب راضی هستم و به آن علاقه داشته باشد ...  
مانند اینکه یادش آمده باشد .

( در شماره آینده ، گفتگو یس باید مهمند ادار دیگر خواهیم داشت .  
که سوال متوجه خودش است با عجله اضافه می کند .  
البته یک کمی هم زیبایی و قواره .

# زیبارو یافی ...

در یکی از پروازها ، یک مرد خارجی که جزو مسافرین طیاره بود ، بی مقدمه عاشق شد ، او اصرار داشت که به این عشق او جواب مشبت بدھم و باید ازدواج کنم ولی من که تصمیم دارم جز با افغان ، با کس دیگری ازدواج نکنم ، این تقاضا یش را قبول نکردم ، چند روز بعد پست کار تی توسط پسته برایم رسید و همان مرد ، تقاضایش را باز هم تکرار کرده بود ....  
و سکوت می کند ، با عجله می پرسم :

خوب ، باز چه کردی ؟  
می خنده بعد می گوید :  
هیچ، جوابی به کاغذ او ندادم باز هم سکوت بین ما حکم فرمایی شود ، فرست خوبی است ، از هما یوسف که ۲۳ سال دارد ، بی مقدمه می پرسم :  
راستی ، عاشق هم شده ای ؟  
او که کمی محظوظ است ، اینبار باعجله می گوید :  
نه ، من هرگز تا حال عاشق نم شده ام ، اصلاً عشق را نمی فهمم که چیست .  
بعد از من می پرسد :  
مفهوم عشق چیست؟ شما گفته می توانید ؟

سوال عجیبی است ، آیا عشق تعریفی دارد؟ من سکوت میکنم و هما ادامه میدهد :  
عشق های امروزی پایدار نیست امروز عاشق یکی می شوند و فردا از دیگری ، خوب به هر حال ازین موضوع بگذریم ....  
من هم میخواهم تا موضوع صحبت ماعوض شود، لذا میپرسم :  
نظرت در باره مود و آرایش چیست؟

هما که آرایش ساده کرده ، میگوید :  
من تا حدی طرفدار مود های ساده لباس هستم به شرطی که به شرایط محیطی ما ساز گار باشد .  
به عقیده من زیبایی یک زن بـ سادگی او سـت ، بعضی دخترانـما ، بـاید در برابر آینـیه ایـستاده شـونـد و باـ هـای لـاغـرـ خـودـ رـا ، باـ بـوتـ هـای بـلنـدـ و عـجـیـبـ و غـرـیـبـ تـماـشاـ کـنـدـ ، آـنـوقـتـ بـیـ مـیـ گـوـیـمـ :  
بـهـ صـفتـ یـکـ دـخـترـ روـ شـنـفـکـرـوـ تـقـلـیدـ بـیـجاـ اـزـ مـودـ ، بـهـ زـیـبـایـیـ شـانـ تـحـصـیـلـ کـرـدهـ ، بـهـ زـیـبـایـیـ شـانـ صـنـدـمهـ مـیـ زـندـ ...



**Get more e-books from [www.ketabton.com](http://www.ketabton.com)**  
**Ketabton.com: The Digital Library**